

هفته صدر نشینی کتاب و کتابخوانی

کتابخانه



صبح امروز، صفحه صفحه آفتاب از بلندای دانایی و توانایی طلوع کرد تا در نخستین روز «هفته کتاب»، شمیم سطر سطرش با صدای ورق زدن صفحه‌ها، زیباترین آوازه‌ها و ماندگارترین عطرهای فرهنگ مردمی فرهنگ دوست باشد. اگرچه یک هفته، برای

شنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۸
۲۶ ذیقعدہ ۱۴۳۰، ۱۴ نوامبر ۲۰۰۹
شماره ۲۰۷، پیاپی ۸۵۸
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345
صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواجه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۵۱
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست
www.ketabehafteh.ir



«مان «قابیل»
در گفت و گو با
ژوزه ساراماگو»
۲۰



حرف‌های
شنیدنی
خادمان نشر
۱۶



محمد علی بهمنی:
نقد بی دروغم
آرزوست
۱۰

۴
برنامه‌های
هفدهمین دوره
هفته کتاب
۶
با شایستگان تقدیر
بیست و ششمین
جایزه کتاب سال
جمهوری اسلامی
۱۴
گزارشی از
دیدگاه داوران
جشنواره نقد

امروز با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در کتابخانه ملی
شایستگان جایزه کتاب سال تجلیل می شوند
مراسم تقدیر از شایستگان جایزه کتاب سال مربوط به سال ۸۷ امروز (شنبه بیست و سوم آبان) در نخستین روز از هفته کتاب با حضور سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از اهالی قلم در کتابخانه ملی برگزار می‌شود.
در این مراسم که همه ساله به همت خانه کتاب برگزار می‌شود آن دسته از آثاری که در داوری کتاب سال شایسته تقدیر شناخته شده‌اند در هفته کتاب معرفی و جوایزی به آنان اهدا می‌شود.
علی اوجبی، معاون فرهنگی موسسه خانه کتاب در گفت و گو با کتاب هفته در پاسخ به این سوال که چرا مراسم معرفی آثار شایسته تقدیر جایزه کتاب سال با این فاصله زمانی از مراسم اصلی «کتاب سال» برگزار می‌شود گفت: «از آنجا که مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران همراه جایزه جهانی برگزار می‌شود و زمان اجرای مراسم محدود است، تقدیر از همه نخبگان امکان پذیر نیست. همچنین تقدیر از شایستگان تقدیر کتاب سال در مراسمی مستقل باعث می‌شود توجه دوباره به این رویداد مهم فرهنگی شود و بازار کتاب و کتابخوانی و

سرآغاز
پیوند انوار ازلی و ابدی
قرآن کریم، معجزه همیشه جاوید پیامبر اعظم (ص) بی شک گل سرسید تمامی داشته‌های زوج‌های جوان برای آغاز پیوندی مبارک است. همان که زوج‌های جوان با نگاهی امیدوار به آن می‌نگرند و با استعانت به آیات شریفش، زندگانی را آغاز می‌کنند. یک روز نیز در مدینه النبوی، خوشبخت‌ترین زوج جهان پیوندی آسمانی و الهی بستند و آغازگر شریف‌ترین سلسله بشری و تداوم بخش نهضت خداوندی با هدایت‌گری پیامبر خاتم (ص) شدند. علی، قرآن ناطق بود و فاطمه، تجلی سوره کوثر. وه، چه نیکو پیوندی! داستان زندگانی کوتاه دو نور از پنج نور جاویدان و ازلی، حکایتی نیست که بر صفحه روزگار بگنجد و کتابی ظرفیت و گنجایش رحمت بی‌شمار پیوند آن دو را برای بشریت داشته باشد. پس تنها به قصد یادآوری و تبرک، به همین اشارت بسنده می‌کنیم.



در جامعه اسلامی کتابخوانی باید همگانی و فراگیر شود و کودکان، پدران و مادران در متن خانواده و جوانان در صحنه های مختلف، کتابخوان باشند و این مسأله نمی تواند مخصوص یک گروه ویژه باقی بماند. در جامعه ۶۰ میلیونی ایران باید تیراژ هر کتاب حداقل تا سیصد هزار نسخه افزایش یابد و کتاب به اندازه کافی در دسترس همگان باشد.

بیانات مقام معظم رهبری در بازدید از نمایشگاه کتاب ۱۳۷۳/۲۰

پرفروش های کتاب از زبان ناشران

فروش بالای «بار هستی»

کتاب «بار هستی» اثر میلان کوندرا با ترجمه پرویز همایونیور از انتشارات قطره از آثار پرفروش کتابفروشی یاشار در هفته گذشته بود. این کتاب که در ایران بارها تجدید چاپ و با استقبال مخاطبان روبه رو شده، رمانی با رویکرد فلسفی است که به باور صاحب نظران از همان آغاز خواننده را با مسائل بنیادین هستی روبه رو می کند و به تفکر و می دارد. کوندرا در توصیف قهرمانان داستان های خود می نویسد: «شخصیت های رمانی که نوشته ام، امکانات خود من هستند که تحقق نیافته اند، بدین سبب تمام آنان راه هم دوست دارم و هم هراسانم می کنند. آنان هر یک از مرزی گذر کرده اند که من فقط آن را دور زده ام و آنچه مرا مجذوب می کند، مرزی است که از آن گذشته ام؛ مرزی که فراسوی آن خویش من وجود دارد.» این کتاب که محبوب ترین کتاب کوندرا به شمار می رود، به مشکلات یک زوج اهل چک با یکدیگر و دشواری سازگاری با زندگی در چک و اسلواکی می پردازد. کوندرا همیشه اصرار داشته است که او یک رمان نویس است؛ نه یک نویسنده سیاسی یا مخالف. کتاب های «شوخی»، «عشق های خنده دار»، «هویت»، «دون ژوان»، «جهالت»، «الس خداحافظی»، «کلاه کلمنتیس»، «خنده و فراموشی»، «ژاک و اربابش»، «هنر رمان»، «جاودانگی» و «وصایای تحریف شده» از جمله آثاری اند که تاکنون از کوندرا به فارسی ترجمه شده اند. مسوول کتابفروشی یاشار، آثار دیگر پرفروش خود را در هفته گذشته به این ترتیب اعلام کرد: «حقیقت قضیه گالیله» اثر امه ریشارت با ترجمه محمد مجلسی از انتشارات دنیای نو؛ «این مردم نازنین» نوشته رضا کیانیان از نشر مشکی؛ «جدال با جهل» اثر بهرام بیضایی از نشر ثالث؛ «رستاخیز» اثر تولستوی با ترجمه محمد مجلسی از انتشارات دنیای نو؛ «امشب» نوشته سیمین شبرد از نشر البرز؛ «داستانک های فلسفی» اثر برتولت برشت با ترجمه علی عبداللهی از نشر مشکی و «مارتین ایدن» اثر جک لندن با ترجمه محمدتقی فرامرزی از انتشارات دنیای نو.

هدف وزارت ارشاد سازماندهی شکل هاست



در این یک هفته جلوه ای از کارهایی که در طول سال صورت گرفته به نمایش گذاشته می شود. «معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان سخنانش با تاکید بر ضرورت انعکاس درست اخبار، از نمایندگان رسانه های خبری خواست تا به جای پرداختن به اخباری که موجب دامن زدن به اختلافات می شود به جنبه های مثبت فعالیت های فرهنگی از جمله همکاری های دوسویه میان وزارت ارشاد و سازمان ها و نهادهای دولتی و غیردولتی بپردازند تا

دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست مطبوعاتی با موضوع هفته کتاب که نوزدهم آبان برگزار شد، هفته کتاب را رخدادی ملی دانست و گفت: «هفته کتاب مربوط به یک نهاد، سازمان یا وزارتخانه خاص نمی شود، بلکه حرکتی ملی و مربوط به همه آحاد مردم، به ویژه قشرهای فرهنگی جامعه است.» به گزارش خبرنگار کتاب هفته در این نشست مطبوعاتی که با حضور محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حمید قبادی، مشاور معاون فرهنگی، محمد الهیاری دبیر ستاد هفته کتاب و جمعی از خبرنگاران رسانه های سراسر کشور در ساختمان فجر برگزار شد مسوولان حاضر در این نشست ضمن مرور برنامه های هفته کتاب، به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند. پرویز در بخش دیگری از سخنان خود نقش وزارت ارشاد را در برگزاری هفته کتاب، نقش ناظر و هماهنگ کننده دانست که هدفش پیشگیری از دوباره کاری ها و سازمان دادن به فعالیت های تشکل های دولتی و غیر دولتی است.

پرویز تصریح کرد: «اهتمام ویژه ما به گرمیداشتن هفته کتاب به این معنا نیست که فعالیت های حوزه کتابخوانی محدود به همین یک هفته می شود، بلکه

هفدهمین دوره هفته کتاب آغاز شد

و دفاع مقدس در نظر گرفته شده اند.

عضویت رایگان در کتابخانه های مساجد

به گفته مدیرکل امور کتابخانه های ستاد عالی کانون های فرهنگی - هنری مساجد، عضویت در تمامی کتابخانه های مساجد سراسر کشور در طول هفته کتاب رایگان است و این افراد پس از عضویت به مدت یک سال می توانند از تمامی خدمات کتابخانه ای استفاده کنند. مسابقات کتابخوانی، غبارروبی از کتاب ها، برگزاری جلسات نقد و معرفی کتاب ها با حضور نویسندگان، تقدیر از نخبگان و برگزیدگان کنکور که از اعضای کتابخانه ها بوده اند از دیگر برنامه های کتابخانه های مساجد در این هفته است.

اجرای طرح بازار جهانی کتاب

در سومین روز از هفته کتاب، طرح بازار جهانی کتاب در چند کشور اجرا می شود. برپایی نمایشگاه کتاب، رونمایی کتاب در داخل و خارج از کشور، برگزاری نمایشگاه تخصصی کتاب در کشور ارمنستان با همکاری ناشران حوزه اقلیت ها و رایزنی فرهنگی ایران، برگزاری نمایشگاه تخصصی کتاب در آذربایجان و اجرای طرح بازار جهانی کتاب در چند کشور، از جمله برنامه های سومین روز هفته کتاب خواهد بود.

نشست ها و کارگاه های تخصصی با موضوع کتاب

برگزاری نشست های تخصصی و کارگاه های آموزشی با محوریت بررسی مسائل مختلف تولید کتاب از جمله برنامه های دفتر امور چاپ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هفته کتاب است. خلافت در چاپ، نحوه جلوگیری از ضایعات چاپی و چاپ های مشکل دار از جمله موضوعات مورد بحث در این نشست ها و کارگاه های آموزشی است که با حضور استادان داخلی و خارجی آموزش داده می شود.

هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی امروز ۲۳ آبان در حالی کار خود را آغاز کرد که به گفته محمد الهیاری، دبیر ستاد برگزاری هفته کتاب با مشارکت گسترده نهادها، سازمان ها و تشکل های دولتی و غیردولتی در سراسر کشور همراه بود. برخی اخبار مهم مربوط به این رویداد فرهنگی همراه با شرح مختصری از این اخبار در ادامه می آید.

۲۰ ویژه برنامه گسترش کتابخوانی

به گفته معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، این سازمان در هفته کتاب علاوه بر برنامه های سالانه خود، ۲۰ برنامه ویژه برای گسترش کتابخوانی در نظر گرفته است. طرح هفته کتاب، ایجاد ۱۰ پاتوق کتاب در ایستگاه های مترو، برپایی ۱۰ نمایشگاه کتاب در ۱۰ فرهنگسرا، بهره برداری از فاز اول شبکه سازی کتابخانه ها، اجرای طرح کتاب نت در کتابخانه های سازمان، افتتاح و تجهیز کتابخانه های نوساز و تجهیز ۱۰ میدان میوه و تره بار به غرفه های کتاب از جمله برنامه های این سازمان در هفته کتاب است.

راه اندازی کاروان کتاب

مدیرعامل موسسه فرهنگی منادی تربیت از برگزاری دوازدهمین دوره طرح ملی کاروان بزرگ کتاب همزمان با هفته کتاب خبر داد. این طرح در قالب ۳۰ هزار نمایشگاه کتاب درسی، در ۳۰ هزار مدرسه با همکاری وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هفته کتاب برگزار می شود. تاکنون بیش از ۲۰ هزار عنوان کتاب از ۴۶۰ ناشر به وزارت آموزش و پرورش ارسال شده است.

۴۰ نمایشگاه کتاب نیروی هوایی ارتش

نیروی هوایی ارتش (نهما) در این هفته ۴۰ نمایشگاه کتاب در اماکن اداری و خانه های سازمانی این نیروی نظامی در سراسر کشور برگزار می کند. این نمایشگاه با ۳۰ درصد تخفیف در حوزه های موضوعی اجتماعی، اخلاقی، مذهبی

میرزایی: شعر امروز از تجربه های گذشته بریده است

در نشست بررسی «بی خوابی عمیق» مطرح شد

نخستین جلسه از سلسله نشست های نقد و بررسی «هفت شاعر، هفت کتاب برگزیده» (برنامه معرفی و نقد هفت نامزد برتر سومین دوره جایزه کتاب سال شعر جوان (جایزه قیصر امین پور) است که طی روزهای ۱۸ تا ۲۵ آبان در محل دفتر شعر جوان برگزار می شود) عصر ۱۸ آبان از ساعت ۱۷ تا ۱۹ با حضور محمد سعید میرزایی، منتقد و دیگر علاقه مندان و شاعران به نقد و بررسی مجموعه شعر «خواب عمیق» سروده محمد مهدی سیار اختصاص یافت. محمد سعید میرزایی، منتقد در نشست نقد و بررسی مجموعه شعر «بی خوابی عمیق» سروده محمد مهدی سیار، یکی از مهم ترین معضلات شعر امروز را گسست آن از تجربه های شعری گذشته به ویژه تجربه های دهه های پیش دانست.

دیگر مسأله مرتبط با دور شدن شعر از قدسیت کلمه و شأن قدسی کلام است. وی اهمیت این شأن را یادآور شد و افزود: «علت اهمیت این شأن قدسی کلمه، ارتباط شعر فارسی با قرآن است. در زبان فارسی عناصر فرهنگ ساز، قرآن، شاهنامه مثنوی و نیز بیت هایی که مرتبط با آیات قرآن و سنت پیامبر هستند، تعبیه شده است.» در ادامه میرزایی به نقد مجموعه شعر «بی خوابی عمیق» به شیوه تشریح سروده ها و بررسی سطرهایی از این مجموعه پرداخت. وی بر لزوم وجود فضایی چون نشریات برای گسترش شعر تاکید کرد تا نقد شعر بتواند به صورت خودجوش شکل گیرد. بخش پایانی این نشست به پرسش و پاسخ میان حاضران در جلسه و منتقد اختصاص یافت.

شایستگان جایزه کتاب سال تجلیل می شوند

ادامه از صفحه اول

معیارهای داوری کتاب برگزیده یا شایسته تقدیر سال عبارتند از تاثیرگذاری در ارتقای سطح علمی و فرهنگی کشور، تازگی و نوآوری در موضوع، ساختار، پرداخت و نگاه کتاب، رعایت استاندارد ها در ساخت، فصل بندی، نگارش، دستور زبان و واژگان، رعایت استانداردها در ذکر منابع و مآخذ در آثار تحقیقی و پژوهشی، بهره مندی از قدرت تحلیل و استنتاج منطقی، ارزشمندی علمی و محتوایی کتاب، استحکام و زیبایی زبان، التزام به ارزش های فرهنگی، دینی و انسانی، برخورداری از قدرت اقناع و تاثیرگذاری عمیق بر مخاطب، رعایت استانداردهای تالیف، تصحیح و ترجمه و پاکیزگی و آراستگی کتاب از حیث حروفچینی، صفحه بندی و چاپ.

باباگوریو آماده چاپ شد

مهدی سبحانی، مترجم، داستان‌نویس و نقاش و مجسمه‌ساز نام‌آشنا بامداد دوشنبه ۱۸ آبان در سن ۶۵ سالگی بر اثر نارسایی قلبی، درگذشت. این مترجم ایرانی که در فرانسه اقامت داشت، متولد سال ۱۳۲۳ شهر قزوین بود. بیشتر شهرت این مترجم برای ترجمه رمان هفت جلدی «در جستجوی جوی زمان از دست‌رفته»، اثر مارسل پروست، نویسنده فرانسوی، به دست آمد. ترجمه او از این کتاب در ایران توسط نشر مرکز منتشر شده است. ترجمه سبحانی از رمان مشهور «باباگوریو» اثر «انوره دو بالزاک» نویسنده رئالیست فرانسوی، اکنون توسط نشر مرکز، مراحل پایانی انتشار را می‌گذراند. این یکی از واپسین ترجمه‌های این مترجم فقید است. وی ترجمه این اثر را از چندی پیش در فرانسه آغاز کرده و با اتمام ترجمه آن را به نشر مرکز سپرد که قرار است تا هفته آینده منتشر شود. این کتاب پیش از این توسط م.ا. به آذین و ادوارد

ژوزف به فارسی برگردانده شده که ترجمه ادوارد ژوزف به سال ۱۳۷۹ برمی‌گردد و نشر ققنوس آن را منتشر کرده است. نخستین چاپ از ترجمه م.ا. به آذین نیز توسط سازمان کتاب‌های جیبی در سال ۱۳۳۴ منتشر شده است.

«باباگوریو» داستان تلاقی سرنوشت انسان‌های گوناگون است که در قالب شخصیت‌های مثبت و منفی عناصر سازنده داستان را تشکیل می‌دهند. سبحانی در آغاز به تحصیل در هنرکنده هنرهای تزئینی تهران و سپس در فرهنگستان هنرهای زیبای رم مشغول شد، اما پس از مدتی هر دو را رها کرد. وی علاوه بر ترجمه ادبی، روزنامه‌نگاری، عکاسی، نقاشی و حتی بازیگری را نیز آموخته و دو مجموعه داستان نیز منتشر کرده است. از میان ترجمه‌های ادبی این مترجم می‌توان به این آثار اشاره کرد: «بارون درخت‌نشین» اثر ایتالو کالوینو، «مرگ قسطی» نوشته لویی فردینان سلین، «مرگ وزیر مختار» به قلم الکساندر

نمایشگاه استانی کتاب کرمانشاه و ایلام برگزار شد

شیراز میزبان یکصد و پنجاه و دومین نمایشگاه استانی کتاب



هفته گذشته در آستانه برگزاری هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، استان‌های کرمانشاه و ایلام میزبان چند صد ناشر داخلی بودند تا با برپایی نمایشگاه کتاب، از مهم‌ترین رویداد مرتبط با کتاب و کتابخوانی کشور استقبال کنند و هفته کتاب در این استان‌ها به جای یک هفته، برای دو هفته برگزار شود.

نمایشگاه کتاب کرمانشاه از ۱۴ آبان‌ماه و نمایشگاه کتاب ایلام نیز از هفدهم همین ماه فعالیت خود را آغاز کردند.

در مراسم افتتاحیه پنجمین نمایشگاه کتاب کرمانشاه، دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از برگزاری نمایشگاه کتاب به عنوان اقدامی با هدف پاسخگویی به مشتاقان آشنایی با تازه‌های کتاب یاد کرد و گفت: «در دوره فعالیت چهار ساله گذشته، بهره‌مندی همه مردم از امکانات این بخش از دولت را در نظر داشتیم، لذا سعی کردیم امکانات به مرکز محدود نشود و به شهرستان‌ها و دیگر استان‌های کشور منتقل شود. به همین دلیل موضوع برگزاری نمایشگاه‌های کتاب استانی طراحی شد.»

وی افزود: «در دوره جدید همکارانمان در استان‌های مختلف اغلب برنامه‌های مفصلی تدارک می‌بینند که این برنامه‌ها در حاشیه‌های نمایشگاه برگزار می‌شود، صداوسیما استان به این موضوع می‌پردازد، در محل برپایی نمایشگاه نیز نشست‌های تخصصی حوزه کتاب برگزار می‌شود که همه این اتفاقات باعث می‌شود شاهد برپایی یک جشن کتاب باشیم.»

در حاشیه این نمایشگاه سه نشست با حضور محمد جواد محبت، قربان ولیئی و بیژن ارژن برگزار شد. محمدجواد محبت در اولین روز برگزاری نشست برپایی در بخش برنامه‌های جنبی، درباره شعر «وکاج»

مطالبی را بیان کرد و برخی حضار نیز شعرهای خود را خواندند و مراسم به نشست شعرخوانی تبدیل شد. در این بخش که به همت موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران راه‌اندازی شده بود، نشست خبری با حضور دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، احسان‌الله حاجتی مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، مجید غفوری، استاندار کرمانشاه و احمد رجبی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان برگزار شد، پرویز با اشاره به این که دور سوم سفرهای هیأت دولت به استان‌ها با تمرکز بر رویکرد فرهنگی برگزار خواهد شد گفت: «قرار بر این است که معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این سفرها هیأت دولت را همراهی کند. به تمامی معاونت‌های ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها نیز ابلاغ شده است که در این راستا آماده و فعال باشند.»

احسان‌الله حاجتی، مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران نیز در این نشست از برگزاری ۲۲ نمایشگاه کتاب در سال گذشته یاد کرد و در ادامه از فعالیت‌های موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران در هفته کتاب و تا پایان سال جاری سخن گفت.

وی اظهار داشت: «در نیمه اول سال جاری سه نمایشگاه کتاب برگزار شد و تا قبل از هفته کتاب نیز هفت نمایشگاه کتاب در استان‌های مختلف برپا

سه مجموعه شعر منتشر نشده عمران صلاحی در راهند

دو مجموعه شعر «من و دامی خوانم» و «زیر آسمان مزامیر» شامل سروده‌های منتشر نشده عمران صلاحی، شاعر فقید، منتشر می‌شوند.

این دو مجموعه شعرهای کوتاه عمران صلاحی اند که از سوی نشر امروز منتشر خواهند شد. از سوی دیگر، مجموعه شعر دیگری از این شاعر فقید شامل ۱۵۰ شعر از چند مجموعه شعر منتشر نشده او، از سوی انتشارات مروارید منتشر خواهد شد.

همچنین پسر این نویسنده در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجویان، از تصمیم خود مبنی بر جمع‌آوری و انتشار مجموعه مقالات و نوشته‌های مطبوعاتی پدرش خبر داده است.

عمران صلاحی، شاعر و طنزپرداز، متولد اسفندماه سال ۱۳۲۵، یازدهم مهر سال ۸۵ بر اثر سکته قلبی در سن ۶۰ سالگی درگذشت.



گریبایدوف، «مونه دیدیو کوه خدا» نوشته آری دلوکا، «تربیت احساسات» اثر گوستاو فلوربر، «آب، بابا، ارباب» نوشته گاونیو لدا، «مون بزرگ» به قلم آلن فورنیه، «تقسیم» اثر پیرو کیارا، «جامعه‌شناسی هنر» به قلم ژان دو وینیو، «مادام بوواری» اثر گوستاو فلوربر و ...

می‌شود، ضمن آن که در هفته کتاب ۳۲۴ نمایشگاه کتاب در دانشگاه‌ها، مراکز استان‌های کشور، زندان‌ها و کانون‌های اصلاح تربیت سراسر کشور برگزار می‌شود.»

همچنین در آذرماه نیز پنج نمایشگاه کتاب دیگر در استان‌های مختلف برگزار خواهد شد. نمایشگاه استانی ایلام با حضور بیش از ۲۰۰ ناشر برگزار شد. امسال استان ایلام و مردم علاقه‌مند به کتاب و کتابخوانی در این خطه از کشور برای ششمین سال پذیرای نمایشگاه کتاب شدند. نمایشگاه امسال استان ایلام برای نخستین بار در مصلاهی شهر ایلام برگزار شد تا این نمایشگاه در مقایسه با نمایشگاه‌های سال‌های گذشته ایلام حال و هوای متفاوتی داشته باشد. در این نمایشگاه علاوه بر اجرای برنامه‌های جنبی متنوع و متفاوتی نظیر عصری با قرآن، شب شعر، تجلیل از مولفان و خادمان حوزه کتاب غرغه‌های نیز برگزار شدند و فعالیت متفاوتی با ناشران ارائه دادند.

شایان ذکر است در دومین روز از هفته کتاب یکصد و پنجاه و دومین نمایشگاه کتاب در شیراز برگزار می‌شود.

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

تغییرات در ساختار

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سیدمحمدحسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگوی کوتاهی با خبرنگار ایبنا از تغییرات در تشکیلات و ساختار وزارت ارشاد خبر داده و تصریح کرده است که دکتر محسن پرویز، همچنان معاونت امور فرهنگی این وزارتخانه را به عهده خواهد داشت. وی در این گفت‌وگو که در حاشیه مراسم معارفه معاونان جدید وزارت ارشاد انجام شده گفته است: «به‌زودی شاهد تغییراتی در تشکیلات و ساختار وزارتخانه و اداره‌های کل ارشاد در استان‌ها خواهیم بود. تجدیدنظر در معاونت‌های وزارتخانه از جمله این تغییرات هستند. انتصابات عمده در سطح معاونان این وزارتخانه انجام پذیرفته است. البته در ساختار تشکیلاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شاهد تغییراتی خواهیم بود که از جمله باید به کاهش معاونت‌های این وزارتخانه اشاره کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین درباره انتصاب مدیرکل کتاب و کتابخوانی گفته است: «این امر به معاون امور فرهنگی محول شده و جزو برنامه‌های این معاونت به شمار می‌آید.»

همچنین حمید قبادی، مشاور معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با ایبنا از امضای تفاهم‌نامه همکاری و مساعدت میان معاونت فرهنگی وزارت ارشاد با مدیران کل اداره ارشاد استان‌ها خبر داده و گفته است: «امضای این تفاهم‌نامه‌ها در راستای سیاست‌های کلان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تمرکززدایی از فعالیت‌های فرهنگی و سمت‌و‌سودن به آنها در سراسر کشور است.»

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه‌های مختلف در ایران، مهم‌ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست‌های سرای دائمی اهل قلم و انتشارات تازه‌ترین کتاب‌های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیرایرانی را به گوش جهان انگلیسی‌زبان رساند.

فراخوان ثبت نام ناشران برای نمایشگاه کتاب در پنج استان

موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران در فراخوانی مهلت ثبت نام ناشران برای نمایشگاه کتاب در استان‌های مرکزی، مازندران، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان و خراسان جنوبی را بیست و یکم آذرماه اعلام کرد.

به گزارش روابط عمومی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، یکصد و پنجاه و سومین تا یکصد و پنجاه و هفتمین نمایشگاه کتاب استانی آذرماه امسال در مراکز استان‌های یاد شده برگزار می‌شود. ناشران علاقه‌مند به شرکت در این نمایشگاه می‌توانند از امروز برای دریافت فرم ثبت نام به موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران واقع در تهران، خیابان انقلاب، بین فلسطین و صبای جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه چهارم مراجعه کنند.

همچنین ناشران می‌توانند با مراجعه به سایت www.icffi.ir نیز ثبت نام کنند و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۶۶۴۶۷۶۱۵ - ۶۶۴۶۶۲۹۰ تماس بگیرند.

فراخوان شرکت در نمایشگاه کتاب به مناسبت هفدهمین دوره هفته کتاب

جمهوری اسلامی ایران

احتراماً بدین وسیله به آگاهی کلیه ناشران محترم می‌رساند اتحادیه شرکت‌های تعاونی ناشران آشنا (ایران) با همکاری معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران در نظر دارد به مناسبت گرامیداشت هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران از ۸۸/۲۶ الی ۸۸/۹۲ در شهرستان کرج و از ۸۸/۲۵ الی ۸۸/۳۰ در شهر تهران (فرهنگسرای خاوران) نسبت به برگزاری نمایشگاه کتاب اقدام نماید. از کلیه ناشران محترم دعوت به عمل می‌آید تا در صورت تمایل نسبت به ثبت نام و شرکت در نمایشگاه‌های فوق تا یکشنبه ۸۸/۲۴ به نشانی این اتحادیه واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی، کوچه ایلورچی پلاک یک واحد ۳ مراجعه کنند و یا با شماره این اتحادیه: ۸۸۸۰۷۱۹۳ - ۸۸۸۰۸۷۰۶ تماس بگیرند.



برنامه‌های پیش‌بینی شده هفدهمین دوره هفته کتاب

هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران از شنبه ۲۳ آبان، به مدت یک هفته در کل کشور برگزار می‌شود. در برگزاری این رویداد فرهنگی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای کشور همکاری دارند و مدیریت و سازماندهی این برنامه‌ها با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. فهرست تمام برنامه‌های پیشنهادی این رویداد فرهنگی به تفکیک روز برگزاری در پی می‌آید. این فهرست در آخرین لحظات آماده‌سازی نشریه برای چاپ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اختیار کتاب هفته قرار گرفته است، امکان تغییر در برخی برنامه‌های ذکر شده وجود دارد.

شنبه ۲۳/۸/۸۸

کتاب، پدیدآورندگان و خادمان نشر

نشست چالش‌ها و رهیافت‌های پدیدآورندگان و ناشران در حوزه نشر/معرفی و تقدیر از جوانان نمونه در حوزه‌های تالیف و ترجمه کتاب؛ دفتر مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی برگزار می‌کند. مراسم تجلیل از مولفان و مترجمان پرکار کتاب‌های جهاد دانشگاهی/دیدار با مولفان برجسته کتاب‌های دانشگاهی/تجلیل از خادمان نشر بین‌الملل هم‌زمان با خادمان نشر داخلی؛ جهاد دانشگاهی برگزاری چهارمین دوره جشنواره کتاب برتر کنترل شده ساعت ۵ - کتابخانه ملی ۸/۱۱؛ انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان رونمایی از چهارمین کتاب سال تصویرگران/برپایی نمایشگاهی از آثار منتخب کتاب سال/برپایی جشن شب تصویرگران؛ انجمن تصویرگران کتاب کودک نشست نقش و ضرورت تعامل انجمن‌ها در پیشرفت نشر؛ انجمن ناشران آموزشی

تقدیر از پدیدآورندگان و خادمان نشر و شایستگان کتاب سال؛ موسسه خانه کتاب تجلیل از مولفان و گردآورندگان که در زمینه ایثار و شهادت و شهدای دانشجو تالیفاتی داشتند؛ دفتر مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها جشن «گل برای کتاب»؛ انتشارات گاج

یکشنبه ۲۴/۸/۸۸

کتاب، خانواده، کودک، صنعت و کشاورزی

برگزاری نمایشگاه و فروشگاه کتاب در محل کارخانجات/تهیه و تدوین کتاب کار ۴/ برگزاری مسابقات کتابخوانی در سطح ستاد و سازمان‌های کار و امور اجتماعی استان‌ها؛ وزارت کار و امور اجتماعی برگزاری هشتمین دوره جشن کتاب، صنعت و کشاورزی/برگزاری ۵۰ نمایشگاه در ۵۰ کارخانه صنعتی و کشاورزی/برگزاری نخستین نمایشگاه اختصاصی کتاب کودک و نوجوان؛ انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان

جشن کتاب و کتابخوانی در تمامی مراکز/اجرای بحث کتاب برای نوجوانان دارای سابقه نقد و بررسی با حضور نویسندگان در مراکز هنری در سطح کشور/ اختصاص ساعتی خاص به مطالعه برای اعضا و مربیان در سطح مراکز/تشکیل کارگاه‌های ادبی، شعر، قصه، نقد و بررسی کتاب برای اعضا و مربیان مرکز/برگزاری مسابقه اینترنتی با موضوع کتاب و کتابخوانی ویژه کودک و نوجوان/برپایی نمایشگاه کتاب و عرضه محصولات فرهنگی و هنری در بیش از ۳۰۰ مرکز فرهنگی هنری در سراسر کشور/برگزاری نمایشگاه از مجموعه فعالیت‌های انجام شده درباره موضوع کتاب و کتابخوانی/برپایی نمایشگاه کتاب در روستاها همراه نمایش فیلم توسط مرکز سیار روستایی سراسر کشور/ همکاری با نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی چون کارخانجات، صنایع پتروشیمی و شرکت‌های مخابرات برای مشترک کردن فرزندان کارگران و ارسال کتاب به منزل آنها؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان جشنواره کتاب یاد (نقاشی، خاطره، قصه‌گویی)/ اجرای نمایش عروسکی با موضوع کتاب و کتابخوانی؛ دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی برگزاری جشن کتاب و کشاورزی/دعوت از ناشران بخش خصوصی برای ارائه و فروش کتاب‌های حوزه کشاورزی به علاقه‌مندان با تخفیف



ویژه/ارائه طرح‌های پژوهشی با موضوع کتابخوانی و کشاورزی/تجلیل و تقدیر از فعالان، مولفان و مترجمان برتر کتاب کشاورزی/معرفی کتاب سال کشاورزی/توزیع بروشور، کتاب و نشریه‌های ترویج کشاورزی در ارتباط با این هفته/ارائه طرح‌های پژوهشی با موضوع کتابخوانی و کشاورزی/رونمایی از آثار و کتاب‌های برجسته منتشره حوزه کشاورزی/تخفیف ویژه برای کتاب‌های منتشره وزارت جهاد کشاورزی/برگزاری نمایشگاه کتاب کشاورزی/ارسال پست الکترونیکی تبریک به مناسبت هفته کتاب و روز کتاب و کشاورزی/راه‌اندازی کارگاه‌های آموزشی/درج تبریک یک هفته کتاب در سربرگ وزارت جهاد کشاورزی/توزیع بروشورهای ترویجی در نماز جمعه‌های شهرستان‌ها؛ وزارت جهاد کشاورزی

دوشنبه ۲۵/۸/۸۸

کتاب ایران در جهان و توسعه نشر بین‌الملل

برپایی نمایشگاه کتاب در تاریخ یاد شده با عنوان هفته کتاب ج.ا.ایران/برگزاری مسابقات کتابخوانی بین هموطنان ایرانی مقیم آن کشور/رونمایی کتاب‌های مورد نظر در داخل و خارج از کشور در هفته کتاب و بازتاب رسانه‌ای مناسب؛ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

برگزاری نمایشگاه تخصصی کتاب در ارمنستان با همکاری ناشران حوزه اقلیت‌ها و رایزنی فرهنگی ایران/برگزاری نمایشگاه تخصصی کتاب در آذربایجان/اجرای طرح بازار جهانی کتاب در چند کشور و رایزنی‌های فرهنگی ایران در کشورهای مخاطب/برگزاری نشست با عنوان ادبیات ارمنه/برگزاری نشست نویسندگان فارسی‌نگار کشورهای فارسی‌زبان/نشست کتاب پیوند فرهنگی میان ملل؛ دفتر مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی آغاز به کار و برگزاری هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتب کاربردی و دانشگاهی به مدت ۵ روز از تاریخ ۲۴ تا ۲۸ آبان/برگزاری نشست تخصصی بررسی موانع و راهکارهای نشر بین‌الملل با تأکید بر قانون کپی‌رایت با حضور متخصصان و صاحب‌نظران داخلی و خارجی در این حوزه/برگزاری نشست‌ها و تشکیل کارگروه‌های تخصصی مربوط به حوزه نشر بین‌الملل در ایام برگزاری نمایشگاه/برگزاری

سه شنبه ۲۶/۸/۸۸

کتاب، حوزه، دانشگاه و تولید دانش

مراسم رونمایی از تازه‌های نشر جهاد دانشگاهی/برگزاری مراسم جشن کتاب در واحد‌های جهاد دانشگاهی/برپایی نقد کتاب/برگزاری مسابقه کتابخوانی با موضوع اصلاح الگوی مصرف(ملی)/برگزاری مسابقه کتابخوانی(استانی)/برگزاری مسابقه کتابخوانی(دانشگاهی)/برگزاری نمایشگاه تخصصی و عمومی کتاب دانشگاهی/برگزاری مسابقات عکاسی با موضوع کتاب و کتابخوانی/مسابقه کاریکاتور با موضوع کتاب و کتابخوانی/مسابقه خلاصه‌نویسی کتاب/برپایی کارگاه‌های آموزشی با موضوع کتاب/انتشار جزوات آموزشی با موضوعات کتابخوانی، مهارت مطالعه و طرح‌های کتاب‌های فرهنگی به بیماران/رونمایی از چکیده پایان‌نامه‌های دوره‌های قبل جشنواره پایان‌نامه سال دانشجویی/برگزاری شانزدهمین دوره جشنواره کتاب سال دانشجویی؛ جهاد دانشگاهی

برپایی نمایشگاه تازه‌های کتاب در ۶۰ دانشگاه/ اختصاص ۴۵ دقیقه از ساعت ۱۰ تا ۱۰:۴۵ صبح به کتابخوانی در تمامی دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم/اهدای کتاب به دانشگاه‌ها با همکاری معاونت امور فرهنگی/نصب استندهای کارت کتاب با همکاری مجتمع مطبوعاتی تخصصی کشور در اکثر دانشگاه‌ها/اهدای CD دوره‌های مهارت‌های مطالعه به دانشگاه‌ها بر اساس تفکیک نوع مطالعه، عمق مطالعه و موضوع بندی در مطالعه/اهدای کتاب به فرزندان همکاران وزارت علوم و برپایی نمایشگاه نقاشی زنده با موضوع کتاب و کتابخوانی/اهدای کتاب به دانشجویان نابینا در دانشگاه‌ها با همکاری معاونت فرهنگی ارشاد/بهره‌مندی از دانشجویان در جهت قصه‌گویی یا کتابخوانی در فضای عمومی مانند پارک‌ها، مجتمع‌های مسکونی و خوابگاه‌ها/ارسال پیامک کوتاه به دانشجویان با موضوع کتاب، هفته

کتاب و سخنان اهل بیت در رابطه با اهمیت کتابخوانی/برپایی نمایشگاه ناشران الکترونیک با همکاری ناشران الکترونیک در دانشگاه‌ها/اهدای E-BOOK در قالب CD و DVD به دانشگاه‌ها برای دانلود کردن دانشجویان به منظور توسعه فرهنگ کتابخوانی/چاپ تمپر نامگذاری روز کتاب، حوزه، دانشگاه و تولید دانش/چاپ پوستر با عنوان گرامیداشت هفته کتاب برای توزیع در دانشگاه‌ها؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزاری نشست مقدماتی برای اجرایی کردن پروژه فرهنگ نامه نویسی؛ دفتر مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی

انتشار عنوان کتاب در هفته کتاب و توزیع آن در سطح جامعه/برگزاری نمایشگاه کتاب در یگان‌های ارتش با تخفیف ۵۰ درصد؛ سازمان عقیدتی سیاسی ارتش

تولید و انتشار پنج عنوان کتاب به خط بریل/تولید و انتشار سه عنوان کتاب به زبان‌های نروژی، کردی و آذری/تولید و انتشار ۱۰ عنوان کتاب e-book/کانون و انتشار شش عنوان کتاب گویا (صوتی)؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزاری کارگاه آموزش تصویرگری به مدت شش روز/برگزاری نشست تخصصی تصویرگری؛ انجمن تصویرگران کتاب کودک

شصت‌نمایشگاه تازه‌های کتاب در شصت دانشگاه سراسر کشور؛ موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران ششمین دوره جشنواره نقد؛ موسسه خانه کتاب بازدید از موسسات انتشاراتی و چاپخانه‌ها برای نوجوانان؛ دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی

گردش علمی دانش‌آموزان در چاپخانه‌های تولیدکننده کتاب/برگزاری نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزش بررسی مسائل مختلف تولید کتاب در ایران؛ دفتر امور چاپ

برگزاری نمایشگاه کتاب/برگزاری مراسم نقد و بررسی کتاب‌های منتشره در هفته کتاب/مراسم رونمایی کتاب؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی

رونمایی از نرم‌افزار آموزشی مسائل زنان توسط واحد خواهران نهاد/ارسال سی دی و نرم‌افزارهای صریح‌امین، رویای مخملین، مستند هسته‌ای، حدیث معرفت/ارسال کتاب‌ها و جزوه بررسی فیلم به دفتر نهاد دانشگاهی/توزیع بن کارت بین پرسنل نهاد/توزیع کتب انقلاب اسلامی در کتابخانه‌های دانشگاه‌های سراسر کشور و اختصاص بخشی در کتابخانه با عنوان کتاب درباره انقلاب اسلامی/

برپایی نمایشگاه‌های کتاب و نرم‌افزار در محیط دانشگاه‌های سراسر کشور/همکاری با وزارت علوم و بهداشت در اجرای برنامه‌های هفته کتاب توسط مدیران فرهنگی دانشگاه/تبلیغات در راستای تشویق و ایجاد انگیزه به جایگاه کتاب و کتابخوانی در محیط دانشگاه؛ دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. برپایی دوره‌های کتابخوانی در دانشگاه‌ها/برگزاری مسابقات بین‌استادان علوم پزشکی/معرفی کتاب‌های تخصصی و زیرگروه‌های پزشکی/تشکیل کارگاه‌های کتابخوانی/برگزاری جشن کتاب/برگزاری جلسات نقد - ارائه خلاصه کتاب - معرفی کتاب و هدیه کتاب؛ وزارت بهداشت.

نشست‌های تخصصی بررسی متون درسی حوزه با حضور کارشناسان/برگزاری حداقل سه نشست علمی نقد کتاب/برپایی نمایشگاه کتب آموزشی حوزه

در مدارس علمیه قم/ برگزاری نشست علمی آسیب شناسی روش های احیاء و تصحیح کتاب/ عرضه کتب علوم اسلامی - انسانی در مراکز استان با تخفیف ویژه/ معرفی پایان نامه ها و تحقیقات طلاب با همکاری اداره کل مدارج علمی/ معرفی مجله های تهیه شده در مدارس علمی سراسر کشور/ معرفی کتاب «اولیت های پژوهشی دستگاه علمی - اجرایی کشور در سال ۱۳۸۶»/ ارسال کتاب برای کتابخانه های مدارس علمیه سراسر کشور/ انتشار تمبر یادبود با همکاری دانشگاه با موضوع «حوزه، دانشگاه و تولید علم»؛ حوزه علمیه قم

چهارشنبه ۸۸/۲۷

کتاب، کتابدار، کتابخانه، ادبیات و شعر
 طرح کتاب سومین دوره سال شعر جوان، جایزه قیصر امین پور/ طرح ۷ کتاب برتر شعر جوان/ طرح سابقه شناسی و نمایشگاه تخصصی کتاب های شعر؛ دفتر شعر جوان تجهیز کتابخانه آیت الله شهید قدوسی؛ بنیاد شهید آیت الله قدوسی و باشگاه اندیشه افتتاح نخستین کتابخانه تخصصی ادیان و مذاهب؛ دفتر مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی تقدیر از کتابداران نمونه واحدهای جهاد دانشگاهی؛ جهاد دانشگاهی.

خرید، توزیع کتب مورد نیاز و تجهیز کتابخانه های سازمان های کار و امور اجتماعی سراسر کشور/ تقدیر از اعضای فعال و کتابخوان کتابخانه ها و اهدای جوایز به آنها/ برگزاری نشست های تخصصی با موضوع شیوه های مدیریت دانش و مدیریت بر جریان اطلاعات و بررسی نقش کتابخانه ها در آن؛ وزارت کار و امور اجتماعی

تقدیر از فرماندهانی که به مساله کتاب و کتابخوانی اهمیت کافی قائل شده و کتابخانه آن یگان به خاطر اهمیت و تلاش به نحو مطلوبی اداره می شود/ تقدیر از کتابداران نمونه ارتش/ بازدید کارکنان منتخب پایور، وظیفه، خانواده ارتش ج.ا.ا. مستقر در تهران از کتابخانه ملی ج.ا.ا. در هفته کتاب/ اهدای کتاب به کارکنان به صورت بسته فرهنگی در جهت ترویج فرهنگ کتابخوانی/ برگزاری همایش و سخنرانی در مورد نحوه صحیح مطالعه و تشویق افراد به مطالعه/ برگزاری مسابقات کتابخوانی بین کارکنان پایور، وظیفه و خانواده؛ سازمان عقیدتی سیاسی ارتش برگزاری مراسم بزرگداشت یکصدمین سالروز شهادت کتابشناس برجسته و مبارز دوران مشروطیت ثقه الاسلام تبریزی با همکاری انجمن فهرست نگاران/ برگزاری مراسم رونمایی از چاپ عکس نسخه نفیس کتاب (الامامه و السیاسة) اثر ابن قتیبه دینوری/ انتشار سراسری لوح فشرده مذاکرات مجالس شورای اسلامی در قالبی قابل استفاده برای عموم پژوهشگران؛ کتابخانه مجلس

نمایشگاه تازه های کتاب در موسسه/ نمایشگاه کتاب استان فارس/ نمایشگاه کتاب استان ایلام؛ موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران

تجهیز کتابخانه های معتبر دانشگاهی و عمومی در ۳۰ استان کشور با موضوع انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)؛ تجهیز ده کتابخانه در مراکز سازمان بهزیستی استان تهران با همکاری معاونت توان بخشی سازمان بهزیستی؛ دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی

معرفی کتابداران و کتابخوانان حوزه کشاورزی؛ وزارت جهاد کشاورزی

کمک به تقویت کتابخانه های تخصصی سینما؛ معاونت سینمایی

تقدیر از اعضای فعال کتابخانه ها با حضور خانواده های آنان و امنای منطقه/ تقدیر از خانواده نمونه عضو کتابخانه (از منظر مطالعه مفید)/ تقدیر از خیرین و اهداکنندگان کتاب و منابع کتابخانه ای به کتابخانه ها/ تقدیر از کتاب «پاوران کتابخانه»/ اجرای فعالیت های فرهنگی و ادبی با موضوع اصلاح الگوی مصرف در زمینه فرهنگ و ادبیات/ برگزاری و انجام مسابقات فرهنگی، نقد و بررسی کتاب و.../ برگزاری جلسات قصه خوانی و روخوانی کتاب با حضور کتابدار خانواده عضو/ تقدیر از اهداکنندگان برتر کتاب، خادمان فرهنگ و خیرین استان و مدیرانی که در امر توسعه کتابخانه ها

بیشترین فعالیت ها را داشته اند/ تقدیر از شهرداران، شوراهای شهر نمونه در حوزه توسعه و بهبود کتابخانه های عمومی/ تجلیل از کتابداران بازنشسته/ تقدیر از فرمانداران نمونه، دبیران نمونه انجمن/ تجلیل از استادان برجسته کتابداری در همکاری بیشتر توسعه کتاب و کتابخوانی با اداره کل استان/ تقدیر از فعالیت های فوق برنامه ای برتر کتابخانه های عمومی/ قدردانی از انجمن های فعال کتابخانه های عمومی شهرستان ها/ قدردانی از انجمن های فعال کتابخانه های عمومی شهرستان ها/ تقدیر از کتابخانه نمونه استان/ اجرای برنامه ملاقات کتابداران و اعضای کتابخانه های عمومی با مقامات شهرستان ها نظیر امام جمعه، استاندار و.../ تهیه، تدوین و چاپ ویژه نامه هفته کتاب/ تقدیر از کتابخوانان برتر کشور/ تقدیر از خردسال ترین و مسن ترین عضو کتابخانه در ایران/ تقدیر از کتابداران برتر کشور/ تقدیر از خیرین نمونه، شهرداران نمونه، فرمانداران نمونه/ تقدیر از استاندار و انجمن های کتابخانه های عمومی استان نمونه کشوری/ برگزاری مسابقات هنری برای اعضا از داستان های قرآنی و ویژه کودکان و نوجوانان/ کتاب با عنوان «دو روز با کتاب و کتابخانه»/ ارائه خدمات مقالات نمایه نشر با ۵۰٪ تخفیف/ برپایی نمایشگاه کتاب های ارسالی از نهاد با عنوان «تازه های کتاب»

نشست بررسی جایگاه نشر و رسانه در بین پدید آورندگان حوزه ادیان و افتتاح کتابخانه ادیان و فرق؛ دفتر مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی طرح استناد سازگی کتابخانه های جمعیت هلال احمر

جمعیت هلال احمر حوزه نمایندگی ولی فقیه معرفی کتاب نمونه سال جمعیت برگزاری نمایشگاه کتاب با رویکرد تخصصی در ۳۰ مرکز جمعیت استان/ اختصاص تنخواه خرید کتاب به کتابخانه های شهرداری تهران؛ سازمان فرهنگی هنری شهرداری بهره برداری از فاز ۱ شبکه سازی کتابخانه ها/ اجرای طرح کتاب نت در کتابخانه های سازمان/ افتتاح کتابخانه های در حال تجهیز/ زیباسازی و ناماسازی کتابخانه های سازمان/ معرفی و بزرگداشت کتابداری و کتابداران؛ وزارت جهاد کشاورزی نشست نشر اقلیت ها دفتر مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی

پنجشنبه ۸۸/۲۸

کتاب، مدرسه، دانش آموز، شهر و توسعه
 برگزاری سومین دوره کتاب سال دانش آموزی در تهران/ تشکیل ۱۰۰۰۰ کتابخانه کلاسی در کلاس های مدارس دوره ابتدایی/ تجلیل از دانش آموزان برتر کتابخوان کشور به صورت سراسری در تهران/ معرفی کتابداران فعال کتابخانه های آموزشی کشور و تقدیر از آنان/ برگزاری مسابقه کتابخوانی دانش آموزی در سه سطح مدرسه، منطقه استان در همه مدارس و مناطق و سازمان های آموزش و پرورش استان ها/ برگزاری طرح جشن اعضای کتاب در تمامی مدارس کشور با شعار «با اهدای یک جلد کتاب در تجهیز کتابخانه مدرسه سهم باشیم و اطلاع رسانی به دانش آموزان معلمان و اولیا»/ برگزاری طرح بزرگ ۳۰۰۰۰ نمایشگاه کتاب در ۳۰۰۰۰ مدرسه کشور/ نواخته شدن همزمان زنگ کتاب و کتابخوانی در مدارس کشور در روز کتاب دانش آموز ساعت ۹:۳۰ صبح/ چاپ و توزیع ۱۰۰۰۰۰ جلد کتاب پاران امام حسین (ع) با هدف توسعه و تقویت فرهنگ ایثار و شهادت و ارسال به مدارس/ چاپ و توزیع ۱۰۰۰۰۰ جلد کتاب امام علی در آیین قرآن و ارسال به مدارس/ برگزاری نمایشگاه کتاب ویژه اولیا و مربیان در مراکز استان ها و بعضی شهرستان ها از سوی سازمان انجمن اولیا و مربیان ج.ا.ا. ایران وابسته به آموزش و پرورش/ برگزاری همایش بزرگ معلمان، مربیان و متولیان کتابخانه های کلاسی در اهواز/ برگزاری مسابقه نگاره های ادبی (بهترین جمله ها در قالب شعر و نثر ادبی درباره کتاب در قزوین)/ برگزاری میزگرد و روش های ترویج فرهنگ کتابخوانی در برخی شهرها/ امکان سنجی از کتابخانه های مدارس در اکثر استان ها/

نیازسنجی از دانش آموزان برای آگاهی از کتاب های مورد نیاز آنان در اکثر استان ها/ آغاز به کار نخستین کتابخانه مرکزی آموزش و پرورش شهرستان فاروج در استان خراسان شمالی/ برگزاری مسابقه پیام کوتاه با موضوع کتاب در شهرستان های استان تهران/ توزیع ۵۰۰ دستگاه قفسه کتاب در استان کرمانشاه/ برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت برای کتابداران کتابخانه های آموزشی/ تقدیر از استان ها/ بازدید دانش آموزان و معلمان از کتابخانه های عمومی کشور/ برگزاری عصر شعر و شب شعر و عصر خاطره با موضوع کتاب در برخی استان ها/ برگزاری همایش ادبی «داستان دوستان» با موضوع کتاب و کتابخوانی در بوشهر/ برگزاری مسابقه اینترنتی کتابخوانی در مدارس و مناطق آموزش و پرورش تابعه شهرستان های استان تهران/ اختصاص موضوع انشاء دانش آموزان به بحث کتاب و کتابخانه و فعالیت های کتابخوانی/ افتتاح فاز دوم کتابداری الکترونیکی در گرگان/ برگزاری نمایشگاه متمرکز کتاب در برخی از شهرها/ برگزاری همایش منطقه ای «یار مهربان کتاب» در خرم دشت قزوین؛ وزارت آموزش و پرورش

همکاری در برپایی نمایشگاه کتابدار مدارس آموزشگاه های شهر تهران/ دعوت از مدارس برای بازدید از مراکز فرهنگی و هنری و آشنایی با فعالیت های کانون/ اجرای اهدای ویژه کتاب به مدارس، مساجد، مراکز فرهنگی در طول سال/ راه اندازی کاروان شادی کتاب و قصه گویی در گیلان؛ کانون پرورش فکری کودک و نوجوان نشست برنامه درسی و ارتباط آن با کتاب های آموزشی؛ انجمن فرهنگی ناشران آموزشی مراسم رونمایی کتاب های شعر ایران با زبان اردو؛ موسسه خانه کتاب

قصه گویی و بازی های سنتی در مدارس مقطع ابتدایی/ برگزاری نمایشگاه کتاب همزمان با اجرای مسابقات ورزشی به مناسبت هفته کتاب؛ دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی اجرای طرح هدیه کتاب/ برگزاری جشنواره مستند کتاب/ برگزاری مسابقه سراسری کتابخوانی/ نام گذاری یکی از خیابان های منطقه به نام کتاب/ ایجاد ۱۰ کافه کتاب در ایستگاه های مترو/ برگزاری شش مراسم رونمایی کتاب/ برگزاری ۱۰ نمایشگاه کتاب/ برگزاری بازارچه کتاب دست دوم دانشجویی/ نشست ناشران و کتابفروشان با شهردار تهران/ تولید انیمیشن و تیزر در حوزه کتاب و کتابخوانی/ تحلیل و بررسی وضعیت کتاب و کتابخوانی در نشست شورای مدیران سازمان (نمایه)/ تولید نخستین نشریه مناسبی طنز با موضوع کتاب و کتابخوانی/ برگزاری جشن کتاب یار ۸/ ایجاد سایت اینترنتی کتاب مترو برای ارائه نسخه دیجیتال کتاب/ ارائه برنامه های تبلیغاتی میدانی؛ سازمان فرهنگی هنری شهرداری

جمعه ۸۸/۲۹

کتاب، مسجد، نماز، بسیج، ایثار و شهادت
 تقدیر از پانصد نفر از کتابداران و اعضای نمونه/ برگزاری همایش کتابخانه های مساجد/ افتتاح ۲۰۰۰ کتابخانه باز در مساجد (بخشی از این تعداد در هفته کتاب خواهد بود)/ افتتاح ۷۰۰ کتابخانه تحت پوشش

(بخشی از این تعداد در هفته کتاب خواهد بود)/ تشکیل ستاد هفته کتاب در استان ها/ دیدار با ائمه جمعه/ عضویت رایگان اعضا در هفته کتاب/ جشن کتاب/ مسابقات کتابخوانی/ برگزاری جلسات سخنرانی و نقد در کتابخانه های مساجد/ غبارروبی از کتابخانه ها/ راه اندازی ۲۰ کتابخانه تخصصی/ اهدای کتاب به کتابخانه های مساجد/ اهدای نرم افزار کتابخانه ای به کتابخانه های مساجد/ تقدیر از نخبگان، مولفان و قبول شدگان کنکور مسجدی/ توزیع بروشور و پوستر هفته کتاب/ توزیع لوازم کتابخانه ای در سطح کتابخانه های مساجد/ برگزاری مسابقات اینترنتی در خصوص کتاب و کتابخوانی/ بازدید مسوولان از کتابخانه های مساجد در سطح شهر/ جمله کتابخانه ملی/ برگزاری نمایشگاه تخصصی کتاب، مسجد و نماز/ خرید و ارسال کتاب های کمک آموزشی/ چاپ و توزیع ویژه نامه کتابخانه های مساجد؛ ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد برپایی نمایشگاه سراسری کتاب ایثار و شهادت/ ارائه و تخفیف کتاب و آثار مرتبط با ایثار و شهادت در کلیه کتابفروشی های نشر شاهد؛ امور ایثارگران بنیاد شهید

شنبه ۸۸/۳۰

کتاب، رسانه و اصلاح و تربیت

برپایی نمایشگاه کتاب در ۱۰ مرکز تابعه به مناسبت هفته کتاب/ مسابقه کتاب و کتابخوانی و خلاصه نویسی کتاب و اهدای جوایز از سوی وزارت ارشاد/ اهدای بن کارت کتاب به مددجویان فعال در امر کتابخوانی/ اجرای مسابقه نقاشی با موضوعات مختلف کتاب بین مددجویان کانون اصلاح و تربیت/ تقویت نگرش های مثبت نسبت به ارزش کتاب و کتابخوانی/ برپایی نمایشگاه کتاب قرآن به مناسبت ماه مبارک رمضان/ بازدید مسوولان وزارت ارشاد در روز نامگذاری اصلاح و تربیت از یکی از کتابخانه های باز در سالن های ملاقات زندان برای خانواده زندانیان/ برپایی ۲۶۰ نمایشگاه «کتاب در زندان ها و کانون های اصلاح و تربیت»/ معرفی کتاب/ تقدیر از خادمان کتابخانه ها/ روزانه ۴۵ دقیقه زمان مطالعه کتاب در هفته کتاب/ تولید و پخش برنامه تلویزیونی از سیمای زندان «مدار بسته»/ برگزاری مسابقات کتابخوانی/ جلسات نقد و بررسی کتاب؛ سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اداره کل زندان های استان تهران/ نمایشگاه تازه های کتاب در مراکز تأمین و تربیتی کشور؛ موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران

سومین دوره جشنواره کتاب در رسانه ملی؛ موسسه خانه کتاب

معرفی محصولات سینمایی مناسب برای عرضه آنها در نمایشگاه بین المللی کتاب خارج از کشور/ تهیه فیلم های مستند اهل فرهنگ با معرفی معاونت فرهنگی/ راه اندازی خرید فروش و نمایشگاه کتاب در لابی سالن های سینمایی؛ معاونت سینمایی نشست تشکل های همکار در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران؛ دفتر مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی.

خواهر عزیزم سرکار خانم عذرا عقیقی بخشایشی
 کسب مقام نخست خوشنویسی در سطح تهران
 را به شما تبریک می گویم.
 برادرت علیرضا

خانه کتاب منتشر کرد
 خیابان انقلاب بین فلسطین و صبا جنوبی شماره ۱۱۷۸



با شایستگان تقدیر بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی

الگوسازی برای پژوهش و تألیف

یکی از برنامه‌هایی که همه ساله در هفته کتاب برگزار می‌شود، اهدای جوایز به شایستگان تقدیر جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی است. امسال نیز همزمان با هفته کتاب، از شایستگان تقدیر می‌شود. بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال در کنار برگزیدگان خود، شایستگان تقدیری هم داشت که به مناسبت آغاز هفته کتاب با برخی از آنها درباره کتاب‌های شایسته تقدیر و اثرات این جایزه، گفت‌وگوهای کوتاهی انجام داده‌ایم.

فهرست‌ها؛ کلید دسترسی به مواد پژوهشی

«کتابشناسی فهرست دست‌نویس‌های اسلامی کتابخانه‌های ایران و جهان»، کتاب شایسته تقدیر بیست و ششمین دوره کتاب سال در حوزه کلیات، تألیف حسن متقی است که توسط انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله مرعشی منتشر شده است. حسن متقی در حال حاضر مشغول تحصیلات خارج علوم حوزوی است. او در حوزه فهرست‌نویسی ۱۷ سال سابقه دارد و دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات تاریخ تشیع است.

این کتابشناسی را با چه انگیزه‌ای تألیف کردید؟
مقدمتا بگویم که فهرست‌ها و کتابشناسی‌های نسخ خطی، آینه معرفت کتاب‌های منتشر شده و منابع نخستین هر نوع پژوهشی‌اند و کلید طلایی برای دسترسی به مواد پژوهشی به محققان است. نسخ دست‌نویس عام، بیشتر به سه زبان عربی، فارسی و ترکی موجودند. البته نسخه‌های زبان‌های دیگر مانند اردو، پشتو، لاتین، عبری، حبشی، پهلوی، سانسکریت و مالایی هم وجود دارند که از سیر و تعداد آنها اطلاعات دقیقی نداریم. بیشترین نسخ خطی اسلامی یعنی بین ۶۰ تا ۷۰ درصد آنها، به زبان عربی‌اند، ۱۵ تا ۲۰ درصد به فارسی و ۵ درصد به ترکی.

نسخ خطی اسلامی در واقع به معنای عام شامل تفسیر، فقه، حدیث، رجال، تراجم، کلام، فلسفه، منطق، ادبیات، اخلاق، عرفان، تصوف، تاریخ، سیره و لغت است و در کنار اینها شامل نسخ تاریخ علم شامل ریاضیات (حساب، جبر و هندسه)، پزشکی، اسطرلاب، هیئت و نجوم، فیزیک، شیمی، کیمیا و علوم غریبه است.

«کتابشناسی فهرست دست‌نویس‌های اسلامی کتابخانه‌های ایران و جهان» برای دسترسی پژوهشگران و راهنمایی آنها برای استفاده از این نسخ خطی در سراسر جهان تدوین شده است. این کتاب که در جایزه کتاب سال شایسته تقدیر شناخته شده، نخستین جلد از این فهرست‌هاست که تا آخر حرف «ب» را دربرمی‌گیرد و احتمال می‌رود تا پایان، به بیش از پنج جلد برسد.

چگونه به فهرست‌های نسخ خطی کتابخانه‌های جهان دسترسی پیدا کردید؟

فهرست‌ها به دلیل زمان زیادی که صرف تهیه آنها می‌شود، از گران‌ترین کتاب‌های جهانند چون تولید آنها گران تمام می‌شود.

کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی، از نظر تعداد نسخ خطی، پس از کتابخانه جامع سلیمانیه در استانبول و دارالکتب قاهره، سومین کتابخانه جهان است و ۴۰ هزار مجلد نسخه خطی در ۱۰۰ هزار عنوان دارد. این کتابخانه سرویس دهنده نسخه‌های خطی است و طبعاً برای تهیه فهرست و شناساندن



نسخ خود به جهان، ناگزیر به تهیه فهرست است. بنابراین با توجه به اهمیتی که در این موسسه وجود دارد، فهرست‌های دیگر نسخ خطی اسلامی موجود در جهان هم بعضاً با قیمت‌های بالا تهیه می‌شوند تا دسترسی پژوهشگران به محل نگهداری این نسخه‌ها آسان شود.

این نوع تشویق‌ها را تا چه حد در رشد پژوهش نسخ خطی موثر می‌دانید؟

دنیای نسخ خطی، دنیایی است که می‌توان جالب‌ترین و بکرترین مواد پژوهشی را از آن استخراج کرد. فضای کار در این حوزه برای هیچ کس تنگ نیست، چون فضایی بسیار گسترده است و کار در آن تمام نمی‌شود. تشویق‌هایی از این دست، بالاخره انگیزه‌ها را برای پژوهش در حوزه‌هایی مانند نسخ خطی، بالا می‌برد و در نهایت به رشد در این حوزه‌ها می‌انجامد.

نوجوانان و ضرب‌المثل‌ها



مصطفی رحماندوست شاعر پرآوازه ادبیات کودک و نوجوان، با کتاب «فوت کوزه‌گری: مثل‌های فارسی و داستان‌های آن» یکی دیگر از شایستگان تقدیر بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال بود. او معتقد است که آموختن ضرب‌المثل‌ها، قدرت گویایی نوجوانان را افزایش می‌دهد.

مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب را در چه می‌دانید؟
این کتاب یک هدف رو دارد و آن پیوند دادن بچه‌های امروز با فرهنگ دیروز است. اما هدف زیربنایی آن زبان‌آور کردن نوجوانان و دادن قدرت گویایی بیشتر به آنهاست. نام این کتاب را هم از این

ملاصدرا

این اثر را در اوج کمال نوشته است



کتاب «مفاتیح الغیب» ملاصدرا در بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی در حوزه فلسفه و در بخش فلسفه اسلامی، شایسته تقدیر شناخته شد. این کتاب با تصحیح نجفقلی حبیبی

توسط بنیاد حکمت اسلامی صدرامنشر شده است. با حبیبی درباره این کتاب گفت‌وگو کرده‌ایم. او معتقد است که ملاصدرا این اثر را در اوج کمال خود نوشته است. حبیبی پیش از این به خاطر تصحیح کتاب‌های «تعلیقات ملاصدرا بر الهیات شفا» و «رسائل الشجره الالهیه» اثر شهرزوری در سال‌های ۸۳ و ۸۶ برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی شده است.

کدام ویژگی‌های این کتاب باعث شد که به عنوان اثر شایسته تقدیر معرفی شود؟

این کتاب یکی از آثار متاخر ملاصدرا است که آن را در اوج کمال خود نوشته است و بیشترین حجم آن حول محور قرآن مجید است و گمان می‌کنم ملاصدرا قصد داشته آن را مقدمه کتاب دیگری در حوزه تفسیر قرار دهد.

این کتاب با سبک و سیاق آثار سایر متخصصان علوم قرآنی نوشته نشده است و ملاصدرا در آن با روش خاص فلسفی خود به موضوع نزدیک شده است. ملاصدرا در مقدمه این کتاب نشان می‌دهد که در برخورد با قرآن دو گروه مایه زحمت هستند؛ نخست گروه خیلی روشنفکر که می‌خواهند همه مفاهیم قرآنی را با عقل خود تاویل کنند و جامعه را از بهره‌مندی از مواهب معنوی قرآن محروم کنند و دوم اهل ظاهر یا متشرعین سطحی که هیچ‌گونه بهره‌برداری معنوی، علمی و تاویلی از قرآن را جایز نمی‌دانند و آن را محدود می‌کنند. این نکات به اضافه ظرافتی که درباره تاویل و تفسیر به رأی در این کتاب وجود دارد، باعث شده است که تصحیح آن مورد توجه علمای علوم قرآنی قرار بگیرد.

این کتاب پیش از این هم یک بار با حواشی حاج ملاهادی سبزواری با چاپ سنگی و یک بار هم با حروفچینی جدید توسط محمد خواجوی منتشر شده بود. خواجوی همچنین این کتاب را به فارسی نیز ترجمه کرده است. اما ویژگی تصحیح حاضر این است که با نسخه‌های مختلف این کتاب مقابله شده، ارجاعات لازم در آن وجود دارد، مآخذ آن مشخص است و مآخذ روایات و نقل قول‌های دیگر فلاسفه نیز در آن به چشم می‌خورد. از طرف دیگر تلاش بسیاری شده است که متن آن از نظر ویراستاری و رعایت علائم سجاوندی، منقح باشد. گمان می‌کنم

جهت فوت کوزه‌گری گذاشتیم که گاهی با آوردن یک ضرب‌المثل می‌توانیم حرف خود را خیلی زود به طرف مقابل بقبولانیم. این کتاب در واقع گزیده چهار هزار ضرب‌المثل با ریشه‌های تاریخی آنها برای نوجوانان است.

برای تألیف این کتاب از چه منابعی استفاده کردید؟

تقریباً هیچ منبعی نبود که آن را ندیده باشم. چون همزمان با این کتاب در حال نوشتن «قصه‌های مثل‌ها» هم بودم که ۳۶۵ ضرب‌المثل بود. بنابراین برای کتاب فوت کوزه‌گری هم هیچ کتابی را ندیده نگذاشتم. بخشی از منابع من هم متکی به یادداشت‌های پراکنده‌ام از گفت‌وگو با پیرمردان و پیرزنان بود. اما بیش از همه منابع به کتاب «نان و نمک» مهدی پرتوی آملی توجه داشتم. این پژوهش چهار سال زمان برد و خانم‌ها مرجان کشاورز، متین پدرامی، آذر رضایی و آقای امین رضایی کارهای پژوهش و فیش‌نویسی آن را انجام دادند.

فکر می‌کنید جوایزی مانند جایزه کتاب سال چه تاثیری بر حوزه پژوهش ادبیات کودک و نوجوان دارد؟

بهرتر است بگویم می‌توانست اثر داشته باشد. تا کنون دو عنوان از کتاب‌های من برنده جایزه کتاب سال شده است اما تاثیری بر دیده شدن آنها نداشته است. در کشورهای دیگر کتاب سال و پدیدآورنده آن امتیازاتی به دست می‌آورد. برای کتاب تبلیغ می‌شود و امکاناتی به آن داده می‌شود اما متأسفانه در کشور ما جشنواره‌های کتاب در یک بازه زمانی مشخص برگزار و برخی کتاب‌ها هم برگزیده می‌شوند و تا سال بعد این حرکت فراموش می‌شود. حتی ناشران موظف نمی‌شوند که آرم جایزه‌های کتاب را روی جلد کتاب‌های خود منتشر کنند.

تاثیرگذاری این جایزه‌ها تنها در این صورت اتفاق می‌افتد که کتاب‌ها دیده شوند و مخاطبان بیشتری پیدا کنند.

همین ویژگی‌ها سبب شده است که این کتاب مورد توجه هیات داوران جایزه کتاب سال قرار بگیرد. **انتخاب کتاب‌ها به عنوان کتاب شایسته تقدیر یا برگزیده در جایزه کتاب سال چه اثری بر مقوله پژوهش دارد؟**

به نظر من این تشویق‌ها بیشتر برای جوانان موثر باشد. پژوهشگران جوان می‌توانند با بررسی کتاب‌های مورد توجه این نوع جایزه‌ها، به الگویی برای پژوهش‌های خود دست پیدا کنند. در سال‌های اخیر شاهد این مساله‌ایم که دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا به تصحیح متون قدیمی اشتیاق نشان می‌دهند که نشان دهنده جافتادن این مقوله در میان جوانان است.

کار پژوهش و تصحیح نسخ خطی، کار پرزحمت و در عین حال واجبی است. چون انتشار این نسخ، به مطرح شدن آثار فرهنگی که سرمایه ملی ما هستند، می‌انجامد. مطرح کردن این آثار در دنیای اسلام خیلی باارزش است. اما بخش خصوصی نمی‌تواند خیلی در حوزه تصحیح سرمایه گذاری کند بنابراین تشویق‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولتی می‌تواند بسیار موثر باشد.

رویت هلال

شایسته تقدیر بخش فقه و اصول



«رویت هلال» عنوان کتابی پنج جلدی از انتشارات بوستان کتاب قم است که به کوشش رضا مختاری، محسن نوروزی، محسن صادقی و محمدرضا نعمتی منتشر و در بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال، شایسته تقدیر شناخته شده است. با رضا مختاری یکی از پژوهشگران این کتاب گفت و گویی انجام داده‌ام. مختاری می‌گوید: «من و همکارانم برای این کتاب پنج جلدی، ۱۰ سال زمان گذاشته‌ایم. از مختاری پیش از این کتاب‌هایی مانند «سیمای فرزندان»، «جمع پریشان» و تصحیح «منیه المرید» شهید ثانی منتشر شده است. او دانش آموخته رشته فقه و اصول است و در حوزه کتاب‌شناسی و شخصیت‌شناسی فعالیت می‌کند.

کتاب «رویت هلال» چه ویژگی‌هایی دارد؟

رویت هلال دومین کتاب از مجموعه «میراث فقهی» بوستان کتاب قم است. در این طرح آثار علمای شیعه درباره رویت هلال از ابتدا تا زمان ما شناسایی و معرفی شده است و متن آثار مهم و برجسته این حوزه تصحیح و چاپ شده است. در این مجموعه گفتارهایی هم از علمای اهل سنت آمده است. احادیث مرتبط با رویت هلال همراه با متن و سند نیز در این کتاب آمده است. در جلد چهارم این کتاب نیز مباحث ریاضی مربوط به رویت هلال آمده است که همیشه محل مناقشه بوده است. این کتاب پنج جلدی در هفت بخش تنظیم شده و مباحث مختلف مرتبط با رویت هلال و راه حل‌های جلوگیری از اختلافات در آن آمده است.

آیا در طرح میراث فقهی، کتاب‌های دیگری هم منتشر شده است؟

این طرح را نخستین بار ۲۰ سال پیش در مجله آینه پژوهش منتشر کردم که با شروع انتشار مجموعه میراث فقهی بوستان کتاب قم، عملی شد. این مجموعه به مسائل عام البلوای جامعه اسلامی می‌پردازد که نیازمند پژوهش بیشتر است. برای این طرح ۴۰ موضوع انتخاب شده است که تا کنون پژوهش روی موضوع غنا و موسیقی به پایان رسیده که در چهار جلد منتشر شده است و رویت هلال نیز در جایزه کتاب سال، شایسته تقدیر شناخته شده است.

تاثیر این نوع جایزه‌ها را در رشد پژوهش چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این نوع جوایز مسلمانان بی‌تاثیر نیست چرا که پژوهشگران را به تلاش و می‌دارد که کتاب‌های خود را منطبق با معیارهای پژوهشی روز تالیف کنند و در نهایت بر بهسازی وضعیت پژوهش در نشر کشور اثر می‌گذارد.

دوره کامل مباحث کلامی

کتاب «مناهج الیقین فی اصول الدین» از آثار علامه حلی در حوزه کلام است که با پژوهش علی اصغر شکوهی، غلامعلی یعقوبی، محمد قائمی، محمد زارعی و عین‌الله یداللهی توسط بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی منتشر شده است. این کتاب در حوزه کلام بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال، شایسته تقدیر شناخته شد. با غلامعلی یعقوبی یکی از پژوهشگران این مجموعه و سرپرست گروه کلام این بنیاد، گفت و گویی انجام داده‌ام. او از حدود ۲۰ سال پیش در این بنیاد مشغول به کار است.

چه ویژگی‌هایی در این کتاب باعث شد که از سوی هیات داوران جایزه کتاب سال، شایسته تقدیر شناخته شود؟

این کتاب به اضافه اینکه یکی از تالیفات علامه حلی از شخصیت‌های بنام اواسط قرن هشتم و از مفاخر امامیه و شیعه است، در موضوع خود بی‌نظیر است. این کتاب حاوی یک دوره کامل از مباحث کلامی است. به این معنا که اقوال حکمای علم کلام را به روش تطبیقی نقل کرده و در پایان برتری نظریه شیعه امامیه را به اثبات رسانده است.

ویژگی دیگر این کتاب آن است که در تحقیقی که توسط گروه ما انجام شده، به تمام منابع نقل شده از سوی علامه حلی ارجاع شده و چند صفحه‌ای از آنها آمده است. مقدمه کلاسیکی هم درباره شرح حال علامه حلی و دسته بندی تالیفات ایشان در حوزه‌های فقه، اصول، حدیث، اخلاقیات، تفسیر و... بر این کتاب نوشته شده است. نسخ خطی موجود از این کتاب توسط گروه تحقیق با هم مقابله شدند، سپس بهترین نسخه در متن آمد و به بقیه در پاورقی اشاره شد.

جوایز کتاب، چه اثراتی بر حوزه پژوهش می‌گذارد؟

هر محقق در وادی تالیف یا تصحیح، با تقدیر و تشویق امیدوارتر می‌شود و با انگیزه و شوق بیشتری به کار ادامه می‌دهد. این نوع جوایز هم طبعاً موثرند. قرآن کریم هم مومنان را برای تشویق به بهشت نوید داده است. بنابراین تشویق در همه امور - من جمله پژوهش - موثر است.

توجه به دغدغه‌های نوجوانان



«دلیم برای تو تنگ است» عنوان مجموعه شعر آتوسا صالحی، نویسنده، مترجم و شاعر کتاب‌های نوجوانان است. او که تلاش کرده است در این کتاب، متفاوت با دیگر کتاب‌های شعر نوجوان عمل کند، در شعرهای خود

به دغدغه‌های نوجوانان امروزی توجه نشان داده است. کتاب او در بخش شعر نوجوان جایزه کتاب سال، به عنوان اثر شایسته تقدیر معرفی شده است.

این مجموعه نسبت به دیگر مجموعه‌های موجود در بازار کتاب، چه ویژگی‌هایی دارد؟

این مجموعه شعر موضوعات متنوعی دارد. رویکرد من در این شعرها با دیگر کارهایم متفاوت بود و تلاش کردم به نوجوانان امروز و دغدغه‌های

آنها توجه کنم. از طرف دیگر سعی کردم در این مجموعه شعرهای نوری بلند را آزمایش کنم و با به کار بردن تجربیات متفاوت، شعر را به ساختار و منطق داستان کوتاه نزدیک کنم. به عنوان مثال در شعر ایستگاه، چند روز از زندگی یک نوجوان با راوی اول شخص روایت می‌شود که از نظر ساختار و نوع روایت به داستان کوتاه نزدیک است.

به نظر شما جایزه‌هایی مانند جایزه کتاب سال، چه اثری روی پدیدآورندگان و سرنوشت آن کتاب دارد؟

متأسفانه این نوع جوایز در کشور ما اثر خاصی روی کتاب‌ها نمی‌گذارد. خیلی از کتاب‌های من در جشنواره‌های مختلف برگزیده شده‌اند، اما همچنان برای مجموعه شعرهای تازه‌ام، باید دنبال ناشر بگردم!

درباره شعر به طور خاص، مساله حادث هم هست. کتاب‌های شعر توسط مخاطبان ایرانی کمتر دیده می‌شوند. در کشورهای دیگر برای کتاب‌های برنده جایزه، تبلیغات زیادی صورت می‌گیرد. این کتاب‌ها وارد مدارس می‌شوند و سرنوشت کتاب و پدیدآورنده آن، قبل از جایزه با بعد از آن فرق می‌کند؛ یعنی شاعر یا نویسنده‌ای که برنده جوایز کتاب می‌شود، با اعتماد به نفس و امکانات بیشتری به کار خود ادامه می‌دهد. اما در کشور ما جز برگزاری مراسمی که خبر آن را در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها می‌بینیم، اثر خاصی روی استقبال از کتاب ندارد. در شعر، این مساله دردناک تر هم هست چون حیطه‌ای است که مهجور افتاده و سرمایه‌گذاری خاصی روی آن انجام نمی‌شود. این مقوله حتی از طرف ناشران دولتی هم با کم‌مهری روبه‌رو می‌شود. گره کور انتشار کتاب‌های شعر هیچ‌وقت باز نشده است بنابراین تاثیر این نوع جوایز را خیلی قوی نمی‌دانم.

یک مقوله در حال تغییر



«نگاهی نو به جهانی شدن»، عنوان کتابی نوشته جوزف استیگلیتز است که با ترجمه دکتر مسعود کرباسیان استاد دانشکده علوم اقتصادی توسط نشر چشمه منتشر شده است. او معتقد است که مقوله جهانی

شدن، مساله‌ای جدی است اما در کشور ما آن گونه که باید به آن توجه نشده است. این چهارمین ترجمه کرباسیان در حوزه جهانی شدن است. او در سال ۷۴ مسوول کمیته بررسی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بوده است.

کدام ویژگی‌ها در این کتاب سبب انتخاب آن به عنوان کتاب شایسته تقدیر جایزه کتاب سال شد؟

گمان می‌کنم این مساله را باید از داوران این جایزه پرسید اما آنچه مسلم است این است که مباحث جهانی شدن، مقوله‌ای جدی است. این مقوله هنوز به طور کامل شکل نگرفته است و تعاریف و مصادیق زیادی دارد. متأسفانه این مقوله در جامعه ما طرد می‌شود، در صورتی که واقعیت این است که نفی این مقوله، منجر به عدم وجود آن نمی‌شود.

شکل جهانی شدن مدام در حال عوض شدن است و مبنای آن با زمان و مکان و تغییراتی که در جهان به وجود آمده است، تغییر می‌کند. جهانی شدن را می‌توان به فیل مولانا تشبیه کرد که هر کس تصور خود را از آن دارد و مثل یک سمندر مدام تغییر شکل می‌دهد. شکل این مقوله قبل و بعد از بحران اقتصادی جهانی تغییر شکل داده است. به عقیده من این کتاب می‌تواند مخاطب خاص خود را در جامعه ما داشته باشد و شاید به دلیل انتخاب موضوعی به روز، نظر داوران کتاب سال را جذب کرده باشد.

اهمیت این کتاب در ادبیات جهانی شدن چیست؟

نویسنده این کتاب به عنوان یک اقتصاددان نهادگرا، با نگاهی واقع‌بینانه و از دیدگاه کشورهای در حال توسعه، به نقد و داوری جهانی شدن می‌پردازد. من به دلیل علاقه و سابقه کاری که در کمیته بررسی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی داشته‌ام، محور کار خود را بر مقوله جهانی شدن قرار دادم و تلاش کردم کتاب‌هایی را انتخاب کنم که در این رشته در جهان مطرح‌اند. نگاهی نو به جهانی شدن هم یکی از این کتاب‌هاست.

تاثیر جایزه کتاب سال را در چه می‌دانید؟

این نوع جایزه‌ها از این نظر که مبحث اهمیت به کتابخوانی را زنده نگه می‌دارند، اهمیت پیدایمی‌کنند. مهم این است که از هر فضا و امکانی برای زنده نگه داشتن مطالعه در میان مردم استفاده کنیم. از سوی دیگر جوایز کتاب سبب دلگرمی پدیدآورندگان و ناشران می‌شود. در حالی که برای بسیاری از مقولات که ارزش زیادی ندارند، وقت و سرمایه می‌گذاریم، باید برای آنچه بنیان فکری جامعه را می‌سازد، زمان و هزینه بیشتری صرف کنیم.

شبییه سازی: از افلاطون تا امروز

«شبییه سازی انسانی از دیدگاه کاتولیک و اسلام» عنوان کتابی از دکتر سید حسن اسلامی، استاد دانشگاه ادیان قم است که توسط مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب منتشر شده است. کتاب این مولف و پژوهشگر که دانش آموخته رشته فلسفه دین است، پیش از این نیز جایزه کتاب فصل راز آن خود کرده بود.

اهمیت کتاب «شبییه سازی انسانی از دیدگاه کاتولیک و اسلام» را در چه می‌بینید؟

شبییه سازی یکی از مهم‌ترین مباحث قرن حاضر در حوزه اخلاق زیستی است. این مقوله همه آدم‌های اهل فکر را درگیر خود کرده و از حوزه متخصصان ژنتیک خارج شده است. سیاستمداران، متالهان، عالمان اخلاق، فلاسفه و... نسبت به این مقوله واکنش نشان داده‌اند. به عنوان مثال یورگن هابرماس و پاپ ژان پل دوم هر دو در این باره اظهار نظر کرده‌اند، بنابراین می‌توان گفت یک مساله جهانی است.

چه شد که به فکر پژوهش در این زمینه افتادید؟

همیشه به مقوله اخلاق کاربردی و زیستی علاقه مند بودم. اخلاق زیستی مباحثی مانند قتل از روی ترحم، غربالگری ژنتیکی، سقط جنین و... را بررسی می‌کند و تلاش کردم راه‌رفته‌ای را بروم و موضوع بکری را انتخاب کنم. مرور این مساله راز نظریات افلاطون آغاز و تا معاصران دنبال کردم.

برای انجام این پژوهش از چه منابعی استفاده کردید؟

این پژوهش در واقع یک کار تطبیقی بود و برای انجام آن منابع کاتولیک، شیعه و سنی را بررسی کردم. البته این را هم بگویم که بیشتر این منابع درجه اول و به زبان اصلی بودند که برخی از آنها را از کشورهای عربی و برخی دیگر را از طریق جست‌وجو در سایت‌های معتبر دیگر کشورها به دست آوردم.

گویا مقالاتی هم در این زمینه منتشر کرده بودید؟

هم‌زمان با انجام پژوهش برای این کتاب که دو سال و نیم به طول انجامید، برخی یافته‌ها را نیز به صورت مقاله در نشریات مختلف منتشر کردم.

فکر می‌کنید جوایزی مانند جایزه کتاب سال، چه تاثیری بر حوزه پژوهش دارد؟

این نوع جوایز و تشویق‌ها از یک سو محققان را به ادامه کار امیدوار می‌کند، چون می‌بینند که حاصل کارشان دیده شده و به هدر نرفته است و از سوی دیگر جامعه علمی متوجه مباحث مطرح شده توسط این پژوهشگران می‌شود و این مباحث را دنبال می‌کند.



معرفی آثار شایسته تقدیر بیست و ششمین دوره کتاب سال

در بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال، در مجموع ۱۸۷۲۲ اثر شرکت کرده و از این تعداد، چهار هزار اثر جواز حضور در مرحله دوم داوری ها را دریافت کرده اند. بخشی از این آثار را کتاب های برگزیده و شایسته تقدیر در جوائز کتاب فصل تشکیل می دهند. پدید آورندگان ۱۰ عنوان کتابی که در این صفحه معرفی می شوند، عصر امروز شنبه ۲۳ آبان به عنوان شایستگان بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران تقدیر خواهند شد.

شبیه سازی انسانی

از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام

سید حسن اسلامی

انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب
چاپ اول ۱۳۸۶/۶۷۲ صفحه/۴۷۰۰ تومان



توسعه و پیشرفت علوم زیستی در نیمه دوم قرن بیستم در برخی موارد موجب بروز نگرانی های اجتماعی، اخلاقی و دینی شده است؛ برای مثال امکان تشخیص سلامت یا نقص ژنتیکی جنین در هفته های آغازین بارداری،

پیشرفتی است ارزنده، اما پیامدهای ناخواسته ای چون امکان نابود سازی جنین ناقص الخلقه را هم به همراه داشته است. امکان طولانی شدن زندگی بیماران و صرف هزینه های بسیار در این زمینه پرسش هایی درباره اخلاقی بودن اقدام به «اوتانازی» یا قتل بیماران در مان ناپذیر به خواست خودشان را پیش کشیده است؛ شناسایی نقشه ژنتیکی انسان، مسأله فاش سازی اطلاعات فردی را به چالشی جدی تبدیل کرده است. تازه ترین این قبیل مسائل، امکان شبیه سازی انسانی از طریق به کارگیری تکنیک انتقال هسته سلول غیر جنسی است. آیا این اقدام مقدمه ای برای تسلط بر انسان ها و برنامه ریزی آنان و در نتیجه تحقیر و نفی کرامات آنان به شمار نمی رود؟ این مسأله هنگامی جدی تر می شود که با برخی از باور های دینی به ظاهر تعارض پیدا می کند، همچون مسأله جاودانگی، تفسیر خلقت و دخالت در آفرینش. کتاب «شبیه سازی انسانی از دیدگاه اسلام و آیین کاتولیک» در پی طرح و تحلیل این گونه پرسش ها و نگرانی ها شکل گرفته است. نویسنده فاضل این اثر کوشیده است تا تصویری تمام نما از مسأله شبیه سازی انسانی و ابعاد دینی، اخلاقی، کلامی و اجتماعی آن به دست دهد و به تحلیل دیدگاه موافقان و مخالفان آن بپردازد. از آنجا که اکثر دینداران جهان، مسیحی یا مسلمانند، شناخت نظر گاه آنان ضرورتی دوچندان دارد؛ به گونه ای که با فهم آن می توان تصویری نسبتاً دقیق از نگرش دینی به این مسأله به دست آورد.

کتاب حاضر دربرگیرنده ۱۴ فصل است که در قالب چهار گفتار ارائه شده است. کلیات و مفاهیم پایه، شبیه سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک، گزارش دیدگاه اهل سنت و شبیه سازی انسانی از دیدگاه شیعه چهار گفتار این کتاب هستند.

سید حسن اسلامی در پیشگفتار کتاب آورده است: «هدف این نوشته، تبیین و تحلیل مسأله شبیه سازی انسانی و بیان دلایل مختلف پیروان سه سنت دینی با آن است. در اینجا کوشش می شود تا دیدگاه مسلمانان اهل سنت و شیعه و همچنین آیین کاتولیک با دقت گزارش و بررسی و نقطه اشتراک و افتراق آنان نشان داده می شود.

روش تحقیق در این کتاب، روش تفسیری - تحلیلی است و نگارنده کوشیده است با تحلیل منابع و متون، به مقایسه و تطبیق دست بزند. این مسأله با توجه به نوع تحقیق که مسأله پژوهی است، به نظر می آید که مناسب ترین روش باشد. نویسنده در سراسر این نوشته کوشیده است چهار اصل اخلاقی را رعایت کند: نخست تبع کافی در تحقیق و گردآوری مطالب، دوم رعایت امانت در نقل قول ها، سوم، صداقت در تحلیل آرا و چهارم عدالت در داوری.

قضاوت درباره مقدار پایبندی به این اصول بر عهده خوانندگان است.»

این اثر در اصل رساله دکتری سید حسن اسلامی اردکانی است که در تیرماه سال ۱۳۸۴ در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم از آن دفاع کرده و با تغییرات و افزایش هایی به صورت کتاب منتشر شده است.

نگاهی نو به جهانی شدن

جوزف ای. استیگلیتز / ترجمه: مسعود کرباسیان

نشر چشمه / چاپ اول ۱۳۸۶/۴۱۵ صفحه/۵۰۰۰ تومان

نظریه جهانی شدن از زمانی که به عنوان یک چارچوب فکری و عملی جدید به دنیا ارائه شد تا امروز مسیری پرچالش را پشت سر گذاشته است. بسیاری از کشورهای جهان از دستاوردهای این پدیده

بهره مند شدند و مسیر توسعه را با سرعتی شگفت پیمودند، اما در برخی کشورها این امر منجر به گسترش شکاف بین فقیر و غنی و فقیر تر شدن مردم شده است. این سوال اکنون در بین اندیشمندان صاحب نظران وجود دارد که چرا کشورهای زیادی نتوانسته اند از مزیت های پدیده جهانی شدن منتفع شوند، در صورتی که چنین امکانی، به صورت بالقوه برای همه کشورها وجود دارد. جوزف استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۱ در این کتاب اقداماتی را که برای اثربخش کردن فرآیند جهانی شدن ضرورت دارد تشریح می کند و می گوید: «این پدیده اگر به درستی هدایت شود، می تواند منافع فراوانی را به صورت منصفانه برای کشورهای در حال توسعه دربرداشته باشد.»

وی با نقد و بررسی مسیری که جهان تاکنون در زمینه جهانی شدن پشت سر گذاشته، معتقد است جهانی شدن به شکلی که اکنون وجود دارد یک پدیده تحمیلی است که موجب دشوار شدن دستیابی به توازن مورد نیاز جهان شده است. به اعتقاد او جهانی شدن نباید - چنان که تاکنون بوده - محیط زیست را تخریب کند، به نابرابری ها دامن بزند، تنوع فرهنگ را تضعیف کند و عدالت را از بین ببرد.

استیگلیتز راه حل خود را برای اصلاح مسیر جهانی شدن به این شکل مطرح می کند که باید مسیری که تاکنون طی شده مورد نقد و بررسی قرار گیرد و پس از آن در فرآیندی دموکراتیک، جهان، گزینه مناسب خود را به سمت جهانی شدن انتخاب کند. به کارگیری فرآیندهای شفاف و دموکراتیک در این مسیر، گروه های ذی نفعی را که به دنبال تأمین منافع خود به ضرر گروه کثیری از شهروندان هستند، بیش از پیش محدود خواهد کرد و در نهایت اخلاقیات را دوباره به دنیای تجارت باز خواهد گرداند.

نگرش وسیع استیگلیتز و دیدگاه نقادانه و در عین حال منصفانه او درباره بحث انگیزترین پدیده روز یعنی جهانی شدن، مسیری که تاکنون طی کرده و راه آینده آن می تواند مورد استفاده هر خواننده علاقه مندی قرار گیرد.

دنیای دیگری امکان پذیر است، وعده توسعه، عادلانه تر کردن تجارت، حق انحصاری اختراع، منافع شرکت ها و مردم، رهایی از فقرین منابع طبیعی، نجات دادن سیاره، شرکت های چند ملیتی، گرفتاری

بدهی ها، اصلاحات در نظام اندوخته های جهانی و دموکراتیک کردن جهانی شدن عناوین ۱۰ فصل این کتاب هستند.

دلم برای تو تنگ است

آتوسا صالحی / تصویرگر: هدی حدادی

نشر پیدایش / چاپ اول ۱۳۸۶/۴۸ صفحه/۱۵۰۰ تومان



دلم برای تو تنگ است، دربرگیرنده دوازده شعر کوتاه از آتوسا صالحی است که با زبانی روان و شیوا سروده شده اند. دیروز، دلم برای تو تنگ است، ترانه سبز، جاده های گمشده، میدان کوچک، ایستگاه، کلاغ ها، نام دیگر «سپار دوست دارم»، فصل سفید خواب، پنجره، قسم و جای خالی عناوین شعرهای این مجموعه اند.

صالحی شعر کوتاه دلم برای تو تنگ است را چنین سروده است: درخت همنفس باد/ و باد دخترک شاد و سبز گیسویی/ که چون ستاره بلند است و مثل ابر آزاد/ «چقدر باد قشنگ است»/ چکاوکان همه جمعند/ که در تولد باران ظهر تابستان/ کمی ترانه بنوشند/ هوای رفتنشان نیست/ گنج و خاموشند/ ازمان بارش رنگ است»

از اسطوره تا حماسه

هفت گفتار در شاهنامه پژوهی

سجاد آیدنلو، با مقدمه دکتر محمدامین ریاحی

انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد / چاپ اول ۱۳۸۶

۱۶۵ صفحه/۱۵۰۰ تومان



«از اسطوره تا حماسه» دربرگیرنده هفت مقاله درباره مسائل اساطیری و آیینی شاهنامه است که در آنها بر پایه این دیدگاه که بسیاری از روایات اصیل حماسی، خاستگاه و پشتوانه اساطیری دارند به بررسی سابقه، الگو، پیش نمونه و منشأ اساطیری - آیینی چند شخصیت، بن مایه و عنصر داستانی در شاهنامه و سنت حماسی ایران پرداخته شده است.

در حوزه ادبیات و علوم انسانی، مفاهیم و اصطلاحاتی وجود دارد که ارائه تعریفی جامع، مانع و دقیق از آنها یا غیر ممکن است یا سخت دشوار و این بیشتر از آن روی است که در این شاخه از معرفت بشری، برخلاف دانش های فنی و پایه همواره قاعده «این است و جز این نیست» مصداق ندارد. «اسطوره» همچنان که ادبیات، فرهنگ، شعر، هنر و ... نمونه ای از این مفاهیم است که به رغم سال ها کوشش و پژوهش متخصصان، بیان چینی آن در قالبی که اصطلاحاً تعریف خواننده می شود، امکان پذیر نیست و این نکته ای است که خود اسطوره شناسان برجسته هم تصریح کرده اند، لذا در اینجا برای پرهیز از اطناب و پراکنده گی مطالب، از میان تعاریف بسیار اسطوره و نظریه های مکاتب گوناگون اسطوره شناسی تنها به این تعریف ناگزیر از دکتر سرکاراتی بسنده می شود که گفته اند: «هرگاه بخواهیم تعریفی کوتاه و نارسا و ناگزیری از اسطوره ارائه کنیم، می توان گفت: «اسطوره

اساساً نوعی از حکایات و بازگویی است. داستانی است سنتی که ضمن آن تصاویر ذهنی گروهی انسان از جهان برون و روابط ناظر بر آن به یاری الفاظ و کلمات نمودار شده است. به عبارت دیگر اسطوره پنداشته های مشترک قوم و جماعتی است در دوران معین درباره هستی و گیتی، مرد (انسان)، خویش و بیگانه و آفاق و انفس که به شکل داستان بازگو شده است. در تحلیل نهایی، اسطوره تبلوری است از آرایش ذهنی در قالب زبان. هدف ذهن از پرداختن این آرایه ها نهایتاً گونه ای خبر و پیام رسانی است.»

مفاتیح الغیب (جلد ۲)

تالیف: صدرالدین محمد شیرازی (ملاصدرا)

تصحیح، تحقیق و مقدمه: دکتر نجفقلی حبیبی، با اشراف: استاد سید محمد خامنه ای

انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر/ چاپ اول ۱۳۸۶

۱۱۸۰ صفحه/ دوره دو جلدی ۱۴۰۰۰ تومان

ملاصدرا یکی از فلاسفه پرکار است. وی با آن که مدتی را که در حال انزوا و عبادت بود، دست به تالیف نزد و پس از آن نیز همواره به تدریس و تربیت دانشجویان فلسفه، که از سراسر ایران به گرد او می آمدند، پرداخت، ولی در

تمام فرصت های ممکن، چه در سفر و چه در حضر، از نوشتن کتاب ها و رساله هایی کوچک و بزرگ درباره فلسفه، در قالب های مختلف کوتاهی نکرد و به همین سبب مجموعه ای متنوع فلسفی و بسیار مفید و استدلالی و باصورت ها و هدف های گوناگون به وجود آورد.

برخی از کتب او کتاب درسی است و برای آموزش مقدماتی یا تکمیلی عمیق فلسفه و عرفان از دیدگاه مکتب مخصوص او به نام «حکمت متعالیه» بسیار مناسب است. برخی دیگر برای توضیح و اثبات نظریه های ویژه خود او است. چند کتاب او را می توان در اخلاق و آداب انسانی دانست.

وی بخش مهمی از آثار خود را به تفسیر قرآن اختصاص داده و اگر چه مرگ به او اجازه نداد که تمام قرآن را شرح فلسفی و عرفانی بکند، ولی تا آنجا که توانست بنویسد، دارای ویژگی هایی است که آن را در میان تفاسیر بی نظیر کرده است.

ملاصدرا که خود یک «محدث» (یعنی متخصص در حدیث و روایات منقول از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام)) بود کار مهمی در حدیث نیز دارد و آن شرح کتاب حدیث معروف «الکافی» تالیف کلینی رازی است که وی بخش «اصول» آن را شرح کرده و شرحش، شاید به سبب مرگ او ناتمام مانده است. وی دو کتاب هم در منطق دارد به نام «تنقیح المنطق» و «رساله تصور و تصدیق» و البته یکی از مهم ترین آثار او مفاتیح الغیب است که دکتر نجفقلی حبیبی آن را تصحیح کرده است.

نجفقلی حبیبی سال ۱۳۲۰ در خوانسار به دنیا آمده و تحصیلاتش را تا مقطع دکتری در رشته حکمت و فلسفه اسلامی دنبال کرده است. او مصححی پرکار است که تاکنون بیش از ۱۸ عنوان کتاب از آثار اندیشمندان اسلامی را تصحیح کرده و از جمله آنها می توان به تصحیح رساله های «شیخ اشراق» و «ملاهادی سبزواری» اشاره کرد. همچنین «شرح دعای صبا»، «شرح الاسما»، «کتاب شناسی

امام حسین (ع) و ... از دیگر آثار این مولف و مصحح اند.

تصحیح کتاب «مفاتیح الغیب» ملاصدرا به قلم او به عنوان برگزیده جایزه کتاب فصل هم معرفی شده است. حبیبی پیش از این نیز در بیست و دومین دوره جایزه کتاب سال به عنوان برگزیده انتخاب شده است.

مناهج الیقین فی اصول الدین

تالیف: علامه الحلی الحسن بن یوسف بن المطهر تحقیق: قسم الکلام فی مجمع البحوث الاسلامیه انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی چاپ اول ۱۳۸۶/۵۲۴ صفحه/ ۵۰۰۰ تومان



کتاب «مناهج الیقین فی اصول الدین» از تالیفات علامه حلی است که در ۵۰۰ صفحه تصحیح و تحقیق شده است.

غلامعلی یعقوبی درباره این کتاب می گوید: «موضوع این اثر گرانقدر در ۱۲ فصل شامل مسائل مربوط به مباحث کلی عالم هستی یعنی اقسام موجودات، خداشناسی، توحید، نبوت، امامت، معاد، وعد و وعید، امر به معروف و نهی از منکر و ... است که به صورت تحلیلی این موضوعات را بررسی کرده و ضمن ذکر نظرات دیگر اهل فن نظرات مخالف را با برهان عقلی رد کرده و نظر درست را اثبات کرده است.»

حسن بن سدید الدین یوسف بن زین الدین علی بن مطهر حلی، مکنّی به ابو منصور و ابن مطهر و ملقب به آیه الله و جمال الدین و فاضل، و معروف به علامه و علامه الدهر از علمای شیعه امامیه، فقیه و اصولی و محدث و رجالی و ادیب و ریاضی و حکیم و متکلم و مفسر بود. تولد او در ۲۹ رمضان سال ۵۶۸ هـ.ق در حله سیفیه، از منازل بین نجف اشرف و کربلا، در طرف شرقی فرات بود. و در یازدهم یا بیست و یکم محرم سال ۷۲۶ وفات یافت و جنازه وی به نجف حمل و دفن شد. وی از کودکی به زیادی هوش و فراست مشهور بود و حکمت و معقول را نزد خواجه نصیر الدین طوسی و کاتبی قزوینی و حکیم منطقی شافعی خواند. کلام و فقه و اصول و ریاضیات و ادبیات و علوم عربی و دیگر علوم متداول را نزد خال خود محقق حلی و پدر خود شیخ سدید الدین یوسف و نزد سید احمد بن طاووس و سید علی بن طاووس و ابن میثم بحرانی و پسر عم مادرش شیخ نجیب الدین یحیی و شیخ تقی الدین عبدالله بن جعفر بن علی صباغ حنفی و شیخ عز الدین فاروقی واسطی و دیگر علمای بزرگ امامیه و عامه فراگرفت. وی علاوه بر استادان خود، از شیخ مفید الدین بن جهم فقیه اسدی و شیخ نجیب الدین محمد بن نمای حلی و سید عبدالکریم بن طاووس و علی بن عیسی اربلی روایت می کند. او در عهد الجایتو با پسر خود فخر المحققین به سلطانیه آمد و به اشاعه مذهب تشیع پرداخت.

کتاب شناسی فهارس

دستنویس های اسلامی کتابخانه های ایران و جهان (جلد اول)

نوشته: حسین متقی/ زیر نظر: سید محمود مرعشی ناشر: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) چاپ اول ۱۳۸۶/۸۳۴ صفحه



قیمت در کتاب درج نشده است فهرست نگاری کتاب ها و نسخ خطی، از زمان های بسیار دور، از قالب های نخستین آن، تا متدها و ظروف پیشرفته امروزی آن، مسیر های بسیار پرفراز و نشیبی را در سیر تاریخی و تکاملی خویش پیموده است که ثبت و ضبط این تکامل تدریجی، حقیقتاً خود یک پژوهش علی حده و تحقیق گسترده ای را بایسته است. در طول تاریخ فهرست نگاری برای نسخه های خطی (شرقی) در

گستره جهانی، فهارس متنوعی شکل گرفته و به جامعه جهانی پژوهشگران این آثار، تقدیم شده است که شمار آنها شاید از مرز ده هزار مورد نیز فراتر رفته باشد. افزون بر این کتاب فهارس چاپ شده در قالب کتاب، علاوه بر زبان فارسی، تاکنون هزاران فهرست نیز در ضمن نشریات داخلی و خارجی به زبان های مختلف مانند عربی، انگلیسی، آلمانی، اسپانیولی، ایتالیایی، فرانسوی، روسی، ترکی استانبولی و ... منتشر شده است.

حسین متقی در مقدمه مفصل ابتدای این کتاب نوشته است: «برای دستیابی به داده های نخستین نسخ خطی شرقی در گسترده جهانی، ضرورت تهیه یک کتابشناسی کامل از این فهرست های منتشر شده، به شدت احساس می گردد که باید به زبان فارسی انتشار یابد. از آنجا که تهیه و تالیف چنین کتاب شناسی هایی با این گستردگی، احتیاج به منابع و کتاب شناسی های متنوع و متعددی دارد - که در میان صفحات هزاران کتاب و نشریه و ... پراکنده اند - فهارس گوناگونی از نسخه های خطی در ضمن کتاب هایی آمده که اگر کسی به وجود چنین فهارسی، آگاهی ندهد، دسترسی بدان ها هرگز امکان پذیر نیست؛ بنابراین، به باور راقم سطور، پیش از نگارش کتاب شناسی بزرگ فهارس نسخه های خطی ایران و جهان، باید فهرست های دستنویس های موجود تمام کتابخانه ها در ایران و سایر کشورها - خصوصاً فهارس دستنویس های اسلامی - مورد شناسایی تدریجی قرار گیرد و البته این امر میسر نیست، جز این که کتابشناسی های منتشر شده از فهارس نسخه های خطی موجود در مجموعه ها، مدنظر و بررسی مستقیم قرار گیرد و دقیقاً آنچه اکنون در دستان خواننده قرار دارد، برای اثبات عینی و علمی همین نکته است. تردیدی نیست که فهرست ها و کتاب شناسی ها خود به عنوان مصادر اصلی و منابع نخستین هر نوع پژوهش و تحقیق و به تعبیر دیگر، کلید طلایی گنجینه های سترگ موارث کهن موجود در کتابخانه های ایران و سایر گنجینه های جهان به شمار می روند و برای دسترسی به داده های اولیه این آثار کهن و نفیس، هر پژوهشگر را ناگزیر از رجوع به این فهرست هاست و اصل وجود این فهرست ها و نیز دسترسی به خود این آثار و ...»

فوت کوزه گری (۲ جلدی)

مثل های فارسی و داستان های آن

مصطفی رحماندوست

انتشارات مدرسه/ چاپ دوم ۱۳۸۷

۱۱۸۶ صفحه/ هر جلد ۹۰۰۰ تومان



«فوت کوزه گری»، یعنی کوتاه ترین راه رسیدن به موفقیت آن هم راهی که دیگران از آن خبر نداشته باشند. هر ضرب المثلی راهی است برای زیبا سخن گفتن و تاثیر گذاشتن بر دیگران و خودش نوعی

فوت کوزه گری است. حالا چه طوری؟ این قصه سر دراز دارد و باید در صفحات این کتاب گشت و پیدایش کرد.

در این کتاب، ریشه ها، کاربرد ها و قصه های بیش از چهار هزار ضرب المثل برای کودکان و نوجوانان نوشته شده است.

مثل، سخن کوتاه و ساده ای است که روزی، روزگاری به دنبال حادثه ای برای بیان تجربه یا اندیشه عمیقی از زبان گوینده ای شنیده شده است. سخنی تاثیر گذار، آراسته به طنز و ایهام و کنایه و اخلاق، که در موقعیت های مختلف امکان تکرار آن وجود داشته است. هر چند معلوم نیست که یک مثل را برای نخستین بار چه کسی به کار برده است، اما اغلب مثل های فارسی ریشه در تاریخ، فرهنگ عامیانه، قرآن و احادیث دارند.

از نظر فراوانی ضرب المثل، زبان فارسی یکی از دو زبان اول جهان است. آنقدر مثل داریم که با زیور و کردن و کنار هم چیدن آنها، می توان چگونگی

زندگی و تاریخ پیشینیان را نوشت. این حرف را دانشمندان مردم شناسی می گویند که می توانند از رود خشک هم ماهی بگیرند. رحماندوست در مقدمه کتاب آورده است: «تا سه چهار قرن پیش، مثل ها سینه به سینه و دهان به دهان از نسلی به نسل دیگر می رسید. اما کسی به فکر گردآوری و ثبت آنها نبود. در قرن دهم هجری شعوری نیشابوری تعدادی از ضرب المثل ها را در «ضرورت امثال فارسی» گرد آورد. بعضی ها، محمد علی حلیه رودی را نخستین کسی می دانند که به گردآوری مثل ها و توضیح آنها کمر همت بست. حلیه رودی که در هند زندگی می کرد، در سال ۱۰۴۹ هـ.ق کتاب «جامع التمثیل» را نوشت و در همان جا منتشر کرد. مدت ها باز هم کسی به فکر دنبال کردن کار گردآوری ضرب المثل ها نیفتاد تا این که در سال ۱۳۲۲ سید علی اکبر قائم مقام فراهانی کتاب «نامه داستان» را نوشت. این کتاب پنجاه سال بعد از نوشته شدن، چاپ شد...»

رؤیت هلال (دوره ۵ جلدی)

به کوشش رضا مختاری و محسن صادقی

انتشارات بوستان کتاب/ چاپ دوم ۱۳۸۷

۱۴۸۰ صفحه/ جلد اول ۱۱۰۰۰ تومان، جلد دوم ۱۲۰۰۰ تومان



رؤیت هلال، دومین موضوع از طرح بزرگ «میراث فقهی» است که در پنج جلد در حدود ۴۰۰۰ صفحه عرضه می شود. رؤیت هلال مشتمل بر هفت بخش است و در آن علاوه بر آیات و روایات مربوط به رؤیت هلال، پژوهش های عالمان و فقیهان شیعه و نیز پاره ای از تحقیقات عالمان مذاهب دیگر در این موضوع، شناسایی، دسته بندی، تصحیح یا معرفی شده است. «میراث فقهی» کمک بزرگی به فقه پژوهان برای استنباط است و تقریباً نیمی از زحمت استنباط را از دوش آنان برمی دارد.

دراهمیت و نقش بسیار حساس دانش فقه از جهات گوناگون جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست. هر مسلمانی موظف است از بام تا شام، باید ها و نبایدهای زندگی معنوی و مادی خود را در مسائل فردی، اجتماعی، عبادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از فقه بگیرد و نجات، سعادت و خوشبختی ابدی خود را در پرتو آن تأمین کند. نتیجه بخش عمده ای از زحمت ها و تلاش های پیامبر خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) و اصحاب آنان و نیز زحمات هزار ساله فقیهان و محدثان شیعه و تحمل رنج ها و نابسامانی ها و زندان و تبعید و اسیر و شهید شدن آنها، امروز در قالب فقه در اختیار ماست. بنابراین، دانش فقه، دانش نوپیدا و نوپدید نیست، بلکه دارای پیشینه ای صدها ساله است و بدون تسلط، اشراف و احاطه بر میراث فقهی گذشتگان، نمی توان درباره فقه اظهار نظر کرد. رؤیت هلال که در پنج جلد منتشر شده در هر مجلد دارای مقدمه ای مفصل است. البته مجلد دوم، یکسره اختصاص دارد به رساله های رؤیت هلال و ادامه بخش دوم مجموعه رؤیت هلال است. «بخش دوم: رساله های رؤیت هلال» مشتمل بر سی رساله در این باره است که شانزده رساله در مجلد اول، و چهارده رساله - از رساله ۱۷ تا رساله ۳۰ - در این مجلد درج شده است.

شانزده رساله مجلد اول تالیف پیشینیان و چهارده رساله مجلد دوم، تالیف عالمان این زمان است. صاحبان پنج رساله از این رساله ها - از رساله ۱۷ تا رساله ۲۱ در گذشته اند که آثارشان - مانند جلد اول - به ترتیب تاریخ وفاتشان مرتب شده است و مولفان ۹ رساله دیگر - از رساله ۲۲ تا رساله ۳۰ - در قید حیاتند که آثارشان به ترتیب الفبایی شهرت آنها در این مجموعه قرار گرفته است.

مجلد سوم میراث فقهی (۱۲) رویت هلال و قسمت عمده ای از مجلد چهارم، به بخش سوم این مجموعه اختصاص دارد، یعنی آرای فقیهان در رؤیت هلال و همه بخش چهارم، مباحث هیوی رؤیت هلال. جلد چهارم، چهارده مقاله دارد: از این میان یازده قسمت

به صورت مقاله های مستقل تدوین شده اند و سه قسمت هم بخش های کوتاهی از کتاب هایی مبسوطند که عبارتند از: مقاله اول: قسمتی از الآثار الباقیه فخر جهان اسلام ابوریحان بیرونی؛ مقاله دوم: قسمت هایی کوتاه از سه کتاب معروف استاد حسن زاده آملی، یعنی دروس معرفت الوقت و القبله، دروس هیات و دیگر رشته های ریاضی، هزار و یک کلمه؛ مقاله سوم: قسمتی از کتاب سوده مندرویه الهلال والمواقیت فی المناطق غیر المعتدله از مهندس محمد علی صائغ.

این چهارده مقاله از بین انبوه ده ها کتاب و مقاله در این زمینه گزینش و درج شده اند و هر یک مشتمل بر نکته ها یا نکته ای ویژه در بحث ما بوده اند. دانستن پاره ای از مطالب بخش چهارم برای مستنبط لازم و بدون آگاهی از آنها ممکن است فقیه دچار اشتباهات واضح و بزرگ شود. برخی هم کمک بسیار خوبی است برای فهم روایات و سخنان بزرگان و فقیهان. همچنین آگاهی های سودمندی درباره چگونگی ثبوت و اعلام رؤیت هلال در برخی کشورهای اسلامی و مانند آنها، در پاره ای از آنها به چشم می خورد.

جلد پنجم این اثر ارزشمند نیز مشتمل بر چند فصل است که عبارتند از: آثار مستقل عامه در رویت هلال، علم الفلك و علامته بالتکالیف الشرعیه، آثار مشتمل عامه در رویت هلال، آثار مستقل امامیه در رؤیت هلال و ... نخستین موضوع «میراث فقهی» غنا، موسیقی است که در سه جلد و حدود ۳۰۰۰ صفحه منتشر شده است.

دفتر دگرسانی ها در غزل های حافظ

سلیم نیساری

فرهنگستان زبان و ادب فارسی/ چاپ اول ۱۳۸۶

۷۶۰ صفحه/ قیمت دوره دو جلدی: ۱۳۰۰۰ تومان



«دفتر دگرسانی ها در غزل های حافظ» اثر سلیم نیساری عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که چندی پیش از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شد. این کتاب دو جلدی که حاصل دقت های چند دهه اخیر سلیم نیساری در نسخ مختلف دیوان حافظ است، عموم پرسش های اساسی درباره نسخه بدل ها و بهترین ضبط های موجود از دیوان حافظ را مشخص می کند.

از آنجا که حافظ در قرن هشتم هجری می زیسته است، تأکید این دفتر بر پنجاه نسخه خطی دیوان حافظ که همگی متعلق به قرن نهم هستند، اعتباری دوچندان بدان می بخشد، چرا که این نسخه ها فاصله زمانی بسیار کمی با دوره حیات حافظ دارند و یکی از شاخصه های اهمیت یک نسخه خطی هم قدمت آن است. از این نسخه ها می توان به نسخه کتابخانه حیدر آباد، نسخه موزه طوپقاپوسرای، نسخه خلخال، نسخه موزه قونیه، نسخه دکتر قریب، نسخه کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی قم، نسخه دانشگاه پنجاب، نسخه فخر الدین احمد، نسخه پیر حسین کاتب و نسخه کتابخانه ملک اشاره کرد. مشکل بزرگی که همواره سدره حافظ شناسان بوده، همین اختلاف نسخ و در نتیجه ضبط های مختلف از ابیات است. کاتبان به دلایل مختلف که برخی از آنها سهوی و برخی به اجتهاد شخصی بوده، ضبط های مختلفی از واژگان موجود در ادبیات شاعران قدیم را به دست داده اند؛ تا آنجا که برخی کارشناسان بر این اعتقادند که یکی از دلایل صیقل خوردن ابیات حافظ طی سده های متمادی، همین اجتهاد های شخصی کاتبان است که به تدریج به بهترین شکل ممکن برای یک بیت رسیده اند.

«دفتر دگرسانی ها در غزل های حافظ» به این پرسش و پرسش های بسیار دیگری از این دست پاسخ می دهد. دیگر این که در اصطلاح شناسی پژوهش نیساری «دگرسانی» به جای «نسخه بدل» نشسته است.



سایر محمدی

«عامیانه» نخستین دفتر شعر محمدعلی بهمنی در سال ۱۳۵۰ از سوی نشر پدیده در قالب غزل و هم در شکل های آزاد منتشر شد. بهمنی در ادامه راه با چاپ دو مجموعه «گاهی دلم برای خودم تنگ می شود» و «شاعر شنیدنی است» از چهره های صاحب نظر و تاثیر گذار در حوزه غزل شناخته شد و توانست به فضای غزل امروز، چه در زمینه شکل و چه در زمینه معنا گسترش و عمق بیشتری ببخشد. وی متولد ۱۳۲۱ دزفول است و تجربه چند دهه ترانه سرایی را نیز در کارنامه اش دارد و در طول این مدت موفق به خلق آثاری شده که دغدغه های شخصی و اجتماعی چند نسل را بازتاب می دهد. این ترانه ها در حافظه تاریخی ما ماندگار شده اند. شبی که با او تماس گرفتم تا از جدیدترین آثارش بگویم و دیدگاه هایش را در ارتباط با شعر امروز ایران و جهان با ما در میان بگذارد به دلیل وقوع زلزله در بندرعباس و نگرانی از تکرار یک فاجعه، همراه خانواده، شب را در باغ و بوستان شهر در کنار دیگر شهروندان سر می کرد. اما در این گیرودار به پاس دوستی و خلق و خوی نجیبانه از گفت و گو تن نزد و از زیر بار پاسخ به پرسش ها شانه خالی نکرد.

گفت و گو با محمدعلی بهمنی

نقد بی دروغم آرزوست

در بین شاعران جهان که در ایران هم شناخته شده اند، ریتسوس یونانی، لورکای اسپانیایی، نرودای شیلیایی و اکتاویوپاز مکزیک از بقیه محبوب ترند. شما با شعر کدام یک بهتر رابطه برقرار می کنید؟

من آثار همه این شاعران را که در دسترس بودند یا سعی در نزدیکی و ایجاد ارتباط با سروده هایشان داشتم، مورد مطالعه قرار دادم و از خواندن اشعارشان در موقعیت های گوناگون لذت بردم. ولی وقتی بحث از شعر لورکا می شود، زمانی که درگیر یک موقعیت اجتماعی و سیاسی خاص می شوم، طبیعی است که ترجیح می دهم لورکا بخوانم. علاقه به شعر یک شاعر بستگی به مولفه های متعدد و بستگی به عینکی دارد که به چشم می زنیم. این که از چه زاویه ای به جهان می نگریم و چه چشم اندازی را متصوریم؟ من اگر بگویم در این لحظه چه کتابی می خوانم، دلیل بر این نمی شود که کار روزمره ام مطالعه همین کتاب باشد و کتاب دیگری نمی خوانم. من فکر می کنم هر انسانی وقتی می بیند سفره



و نیاز به مطالعه برخی از این آثار پردازم. در بین شاعران مدرن و مطرح جهان به آثار کدام یک بیشتر علاقه دارید و آن را می خوانید؟

من در زمینه شعر جهان، قبل از همه، با شعر و شاعران عرب انس و الفت بیشتری داشتم. چون زبان این دسته از اشعار حتی پس از ترجمه به زبان فارسی نیز شعریّت خودش را حفظ می کند. این شاید به ظرفیت خود شعر عرب مربوط باشد. به این دلیل بخش زیادی از مطالعه من در دوران جوانی و حتی اینک، شعر شاعران عرب است. منتها این خودبه خود مانند دایره ای است که انسان وقتی تاثیر شعر جهان را در شعر عرب می بیند، مانند شعاع آن دایره همه نقاط پیرامون را طی می کند و نمی تواند از مطالعه شعر گوشه و کنار جهان بی تفاوت بماند.

شما در بین شاعران عرب، شعر محمود درویش را بیشتر می پسندید یا شعرهای آدونیس را؟ چون شعر آدونیس جهانی تر و مدرن تر به نظر می رسد. آدونیس جایگاه خودش را دارد و محمود درویش هم جایگاه خودش را. سمیع القاسم و نازک الملائکه هم هریک ارزش و اهمیت ویژه خودشان را دارند. این شاعران را، به عقیده من، نباید این گونه مقایسه کرد. هر زمان آثار هر شاعری را که مطالعه می کنیم با عینک خاص همان زمان است. هر کسی در دوران مختلف زندگی بسته به موقعیت های گوناگون از شعر شاعری بیشتر خوشش می آید یا کمتر با آن ارتباط برقرار می کند. عینک من شاید امروز شعر نازک الملائکه را بپذیرد، فردا ممکن است چنین نباشد. به عقیده من هر کسی روی یک شاعر مکت کند، اشتباهی را مرتکب می شود. چون یک مخاطب شعر نمی تواند همیشه اندیشه و احساسش با شعر یک شاعر خاص گره بخورد.

فضای فکری و فرهنگی جامعه، شرایط روحی و روانی شخص در موقعیت های مختلف، بسته به نیاز آن مقطع، شعر متناسب با آن لحظه را می طلبد، بنابراین نمی توان در هر موقعیتی و در هر زمانی شعر آدونیس یا شعر درویش را خواند.

انحراف کشیده شدن او شود و او را از مسیر درست و اصلی دور کند و به حاشیه برود. در نقد امروز، دوستی ها و دشمنی ها بسیار نقش تعیین کننده و تاثیر گذاری دارد.

اندیشه در شعر چه جایگاهی دارد؟ شما در شعر خود چقدر به تفکر و اندیشه بها می دهید؟

من اندیشه را حاصل استنتاج از مطالعات مستمر آثار فلسفی، ادبی، تاریخی و... می دانم که قبل از اجرای شعر در ذهن شاعر اتفاق می افتد. هنگام آفرینش اگر شاعری در پی آن باشد که چه بگوید و چه تفکر و اندیشه ای را در شعر مطرح کند، حداقل از آن باوری که من از شعر دارم، دور می شود. اندیشه و تفکر، همان چیزهایی است که شاعر در فعالیت های روزمره خود با آن زندگی می کند. استنتاج های شعری هر شاعری از پدیده های پیرامونش، همه سرشار از اندیشه و تفکراتی است که شاعر در طول زندگی کسب می کند. حالا من نمی خواهم بگویم که در شعر خودم چقدر اندیشه و تفکر مستتر است. این را باید دیگران بررسی کنند. دوستانی که شعرهای مرا می خوانند، بهتر می توانند در این مورد قضاوت کنند. به اعتقاد من شعر و اندیشه نمی توانند از هم جدا باشند.

شما به عنوان شاعر، چقدر به مطالعه آثار فلسفی، تاریخی، ادبی و... اهمیت می دهید؟ آیا جدیدترین آثاری را که در این حوزه ها منتشر می شوند، می خوانید؟

من مدعی مطالعه زیاد این آثار نیستم. ولی به اندازه نیاز روحی خودم و برای شناخت نسبی حوزه های مختلف اعم از فلسفی، سیاسی، تاریخی یا ادبی، به مطالعه این آثار می پردازم و از انتشار این آثار بی خبر نیستم. البته کتاب هایی که در حوزه های مختلف هر ماه منتشر می شوند، آنقدر زیادند که شاید من فرصت جست و جو و مطالعه همه این آثار را نداشته باشم و از تعقیب و تدقیق مستمر همه آثار منتشر شده باز بمانم. این را صادقانه اعتراف می کنم. ولی مسلماً یک شاعر، یک نویسنده یا کسی که با کلمات زندگی می کند، نمی تواند از مطالعه این آثار چشم ببوشد و از کتاب های تازه فاصله بگیرد.

من به عنوان شاعر، به عنوان کسی که زندگی اش با کتاب و کلمه پیوند خورده، بی هیچ ادعایی سعی می کنم در جریان چاپ و انتشار جدیدترین آثار در حوزه های مختلف قرار بگیرم و بر حسب ضرورت



اندیشه را حاصل استنتاج از

مطالعات مستمر آثار فلسفی،

ادبی، تاریخی و... می دانم که

قبل از اجرای شعر در ذهن

شاعر اتفاق می افتد. اندیشه و

تفکر، همان چیزهایی است که

شاعر در فعالیت های روزمره

خود با آن زندگی می کند

آقای بهمنی! چرا مجموعه شعر «عامیانه» را تجدید چاپ نکرده اید؟

مجموعه شعر «عامیانه» را در سال ۵۰ نشر پدیده چاپ و منتشر کرده بود که امروز هیچ نام و نشانی از آن نیست. در مورد واگذاری این کتاب هم به ناشر دیگر، فکر نکرده ام، قبل از این که شما این پیشنهاد را با من در میان بگذارید. چون الان می خواهم «عامیانه» هایی را که بعد از آن مجموعه سروده ام، به دست چاپ بسپارم، اصلاً به فکر تجدید چاپ آن مجموعه توسط ناشر دیگر نبوده ام. البته منظورم از عامیانه ها در این مجموعه اشعاری است که به زبان محاوره ای یا عامیانه سروده شده اند.

شما در حوزه غزل، یکی از چهره های شاخص شعر امروزید و یکی از تاثیر گذارترین شاعران در این عرصه طی سه دهه اخیر به حساب می آید، در حالی که در عرصه شعر آزاد یا سپید از چنین جایگاهی برخوردار نیستید. چه اصراری بر سرودن شعر سپید دارید؟

واقعیت این است که در سرودن شعر، تعیین کننده اصلی من نیستم. خود شعر است که در لحظه جوشش شکل نهایی اش را نشان می دهد. الهه شعر در آن لحظات ناخودآگاه در هر شکل و هیاتی، در هر لباسی که حضورش را اعلام می کند، مقدمش گرامی است. گاهی که شعر سپید می آید، من نمی توانم از نوشتن و ثبت آن دریغ کنم...

یعنی اقبال جامعه به شعر سپید و شکل و فرم به ظاهر مدرن آن هیچ تاثیری در گرایش شما به سرودن این گونه شعر ندارد؟

نه. نه. من همیشه و در همه جا ارادت و علاقه ام را به غزل اعلام کرده و می کنم. اما شکل های مختلف شعری هم به هر صورت برای من محترم اند. هریک از این شکل و فرم شعری با زبان خاص خود فرصت های خوبی برای بیان دغدغه های درون سراینده اش هستند.

نقد شعر چقدر در پیشرفت شما و در جهت اعتلای شعر شما موثر بود؟ به ویژه در نخستین سال هایی که به سرودن شعر روی آوردید؟

عزیزان منتقدی که به من با به شعر لطف و مرحمتی داشتند، در مجلات فرهنگی و ادبی آن زمان ما را می نواختند و به نقد سروده هایم می پرداختند. مسلماً آن نقدها در پیشرفت کار من موثر افتاد. نقدی که خالصانه باشد و بر اساس حب و بغض نوشته نشده باشد، همیشه راهگشاست. آن روزها کسی که نقد می نوشت، بیشتر به خاطر ارادت و علاقه اش به شعر بود، نه به خاطر رفاقت با شاعر. یعنی منتقد سعی داشت که شاعر مسیر درست خودش را پیدا کند.

گویا امروز از وضعیت نقد و نقدنویسی چندان راضی به نظر نمی رسید؟

واقعیت این است که من نقد را به معنا و مفهوم ذاتی اش دوست دارم. ولی گاهی می بینم که در این عرصه، برخی دوستان منتقد، نسبت به برخی از آثار کم لطفی می کنند. البته منظورم از کم لطفی، بررسی اشعار یک شاعر و نقد علمی و اساسی شعرها نیست که منجر به نفی کارهای شاعری می شود. گاهی تعریف و تمجیدهای یک منتقد هم می تواند سبب به

من آثار همه این شاعران را که در دسترس بودند یا سعی در نزدیکی و ایجاد ارتباط با سروده هایشان داشتم، مورد مطالعه قرار دادم و از خواندن اشعارشان در موقعیت های گوناگون لذت بردم. ولی وقتی بحث از شعر لورکا می شود، زمانی که درگیر یک موقعیت اجتماعی و سیاسی خاص می شوم، طبیعی است که ترجیح می دهم لورکا بخوانم. علاقه به شعر یک شاعر بستگی به مولفه های متعدد و بستگی به عینکی دارد که به چشم می زنیم. این که از چه زاویه ای به جهان می نگریم و چه چشم اندازی را متصوریم؟ من اگر بگویم در این لحظه چه کتابی می خوانم، دلیل بر این نمی شود که کار روزمره ام مطالعه همین کتاب باشد و کتاب دیگری نمی خوانم. من فکر می کنم هر انسانی وقتی می بیند سفره

بهرتر که با طعم همه آنها آشنا بشود و همه آنها را تجربه کند.

وضعیت غزل امروز را چگونه می بینید؟ آثار کدام یک از غزلسرایان جوان را می خوانید؟

در بین غزلسرایان امروز، بیشتر غزل جوانان را می خوانم بین جوانان هم شاعرانی هستند که به عقیده من توانسته اند آن خلأی را که عده ای مطرح می کردند، پر کنند. اگر چه اجرایشان به نظر من - شاید هم به دلیل پسند نسل من - اجرای چندان دلیخواهی نباشد. ولی فضا سازی هایی که این دسته از شاعران در غزل دارند، قابل تحسین است. حداقل به خود من در غزل خیلی کمک کرده است.

من چند غزل از همین جوانان را که توسط انتشارات سوره مهر در کتاب های کم حجمی منتشر شده خوانده ام که واقعا رشک انگیز است. این غزل ها عموماً در اوزان بلند سروده شده اند و بسیار زیبا هستند. واقعا زیباست. من نمی دانم شما چقدر با کارهای خانم مریم جعفری آشنایی دارید. موقعی که شعر این شاعر را می خوانم مرا حیرت زده می کند. شعرهای خانم جعفری مرا حسود می کند. واقعا مرا به آنچه که در غزل نتوانستم پیاده کنم، واقف می کند، چون این جوانان به خاطر نوع نگاهی که به غزل امروز دارند کارشان خیلی برجسته است و این تهمت هایی که به آنها زده می شود، مقدار زیادی از خودشان را کتمان کنند. این شاعران جوان دست کم دریچه ها و فضاهای تازه ای را به روی غزل امروز باز کرده اند که اگر نسل من و شاعران نسل قبل نتوانستند چنین دریچه هایی باز کنند، اما می توانند در این فضا نفس تازه کنند و چشم اندازهای جدیدی را به روی خود گشوده ببینند. سعید میرزایی هم یکی از همین شاعران موفق نسل امروز است که من او را به عنوان یک آغاز کننده می شناسم. من هر موقع آثار او را می خوانم، واقعا دگرگونم می کند.

چرا شعر موقعیت و جایگاهی را که نزد مخاطبان در دهه چهل داشت از دست داد و دیگر نتوانست به جایگاه سابقش برگردد؟

این هم یکی از آن تهمت‌هایی است که به شعر امروز زده می‌شود. یک نوع بی‌مهری به شعر چند دهه اخیر و تلاش شاعران این دوره است. واقعیت امر این گونه نیست. ما چرا باید این دو دوره را با یکدیگر مقایسه کنیم؟ اگر در دهه چهل و پنجاه آن اتفاقات شگفت در شعر افتاد و ما هم از آن بهره بردیم، ناشی از موقعیت سیاسی-اجتماعی و فرهنگی خاص خودش بود. محصول بلاواسطه همان تاریخ است، شاعرانی که امروز دارند کار می‌کنند، بهره‌ر زبان خاص خودشان را دارند به ما می‌دهند. من فکر می‌کنم یک مقدار باید منصفانه‌تر به این موضوع نگاه کنیم. اصلا این طوری نیست که فکر کنیم در دهه چهل و پنجاه نسبت به شعر اقبال عمومی وجود داشت. اما امروز شعر آن اقبال عمومی را از دست داده است.

شعرهایی که از دهه چهل و پنجاه برای ما باقی مانده‌اند و امیدواریم در تاریخ ادبیات این سرزمین برای همیشه باقی بمانند و استحقاق چنین جایگاهی را هم دارند، شاعران آن شعرها کار خودشان را در روزگار خودشان به بهترین شکل انجام دادند.

خب ارج و قرب آن شاعران برای ما همیشه باقی است. ولی نباید چون آن اتفاق در شعر دهه چهل و پنجاه افتاد، به نفی و طرد شعر و شاعران این دو دهه بپردازیم. نباید به خود بقبولانیم وقتی حافظ و مولانا و سعدی را به عنوان قله‌های شعر فارسی داریم، پس خودمان خیلی ضعیفیم. این قله‌ها اتفاقا به ما کمک می‌کنند تا چشم‌اندازهای گسترده‌تر و وسیع‌تری را در مقابل داشته باشیم و به اوج‌های درخشان‌تری دست یابیم. بچه‌های امروز هم قله‌های خودشان را دارند، اما قله‌هایی که امروز الی ماشاءالله آنقدر کنار هم چیده می‌شوند که شاید ما هیچ وقت به قله‌بودنشان توجه نکنیم و فکر کنیم که این اتفاق باید می‌افتاد. حتی اگر این گونه هم ببیندیشیم، باز منصفانه است. ولی این که چشم خود را به روی واقعیت‌های شعر امروز بندیم و فکر کنیم که باید مسائل دیروز و امروز را از هم جدا کنیم و از آن شاعران حرف بزنیم، غیر منصفانه است.

بحث من بیشتر بر سر جذب مخاطب شعر است. در دهه‌های چهل و پنجاه شعر نو در جامعه رسوخ غیر قابل باوری داشت. دانشجویان آن شعرها را از بر بودند، حتی آن شعرها هنوز هم در جامعه علاقه‌مندان بسیاری دارد. اما در شعر امروز چنین اتفاقی را شاهد نیستیم!

دانشجویان ما امروز مشغله‌های دیگری برای خود دارند تا مشغله شعر! این یک واقعیت است اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم. تعداد شاعران دهه چهل را با تعداد شاعران امروز مقایسه کنید، پس نباید ویژگی‌هایشان را با یکدیگر بسنجیم. به عقیده من این اشتباه بزرگی است که ما مرتکب می‌شویم. غزل امروز اقلا به درکی رسیده که تهمت قالب بودن را دارد از خودش دور می‌کند. هنوز که هنوز است بزرگان ما و عزیزان منتقد که نقد می‌نویسند، غزل را در کمال بی‌خبری به عنوان یک قالب شعری معرفی می‌کنند در صورتی که ما وقتی به قالب بودن یک شکل شعری می‌اندیشیم، حدود مشخصی را برای خود تعریف می‌کنیم که نباید از آن حدود عبور کرد در حالی که به باور من غزل یک قالب از پیش تعیین شده برای شعر نیست. این، تهمتی بود که به این شکل شعری زده شد. غزل یک شکل شعری است. ما وقتی به شکل شعری ببیندیشیم، می‌توانیم عبور راحت‌تری از قالب داشته باشیم. آنچه که در باور ماست این است که ما داریم در یک قالب از پیش تعیین شده کار می‌کنیم. بچه‌های امروز توانسته‌اند این را نشان بدهند که غزل یک قالب شعری نیست و این را به نمایش گذاشتند. اگر غزل را به عنوان یک قالب تصور نکنیم، خیلی از مسائل در حوزه غزل حل می‌شود.

به اعتقاد شما غزل چارچوب‌های از پیش تعیین شده ندارد مثل قاصیه‌بندی، مصراع‌بندی، متسای‌الارکان، اوزان عروضی مشخص تمام ایات و...

این چارچوب‌ها را ما پذیرفته‌ایم. ولی موقعی که بتوانیم این چارچوب‌ها را متوجه شویم و به گسترش آن بپردازیم، هنر کرده‌ایم. مگر در شکل آزاد شعر، چارچوب‌هایی نداریم که باید رعایت کنیم؟ مگر در شعر نیمایی چارچوب نداریم؟ در هر شکل شعری یا در هر شکل هنری قواعدی وجود دارد که می‌توانیم این قواعد را با توجه به ضرورت روزگار خود گسترش بدهیم. نه این که منکرش باشیم، می‌توانیم قواعد را تصحیح کنیم. می‌توانیم توانایی بیشتری به این قواعد بدهیم.

فکر نمی‌کنید اقبال مخاطبان شعر در دهه چهل به خاطر سیاسی شدن شعر بوده باشد؟ در حالی که در شعر بعد از انقلاب توجه کمتری به سیاست شده است؟

اگر بخواهیم سیاست را با شعر گره بزنیم، شاید حرف و نظر شما درست باشد. من فکر می‌کنم سیاسی اندیشیدن یا به شکل عریان‌تر اجتماعی اندیشی آیا می‌تواند در شکل‌های دیگر شعر اتفاق بیفتد؟ نه. ما غزل‌های فراوانی داریم که گویاترین شکل بیان اجتماعی را دارند. شما موقعی که شعر محمد سلمانی را می‌خوانید «بی‌حرمتی به ساحت خوبان قشنگ نیست» متوجه می‌شوید این شعر سیاسی‌ترین حرف را نه به شکل حزبی و شعاری بلکه به شکل هنری و اجتماعی‌اش بیان می‌کند. اتفاقاتی از این دست فراوان دارد می‌افتد.

حالا اگر به هر دلیلی ما با این سروده‌ها روبه‌رو نمی‌شویم، دلیل بر این نیست که چنین آثاری سروده و اجرا نمی‌شوند. این نوع شعرها سروده می‌شوند. لاف‌شما در نشست‌های دوستانه و در محفل‌های ادبی این اشعار را می‌شنوید و این اتفاق شگفتی است و اتفاقات شگفت‌تری هم در راه است.

البته در آن زمان هر کس چهار سطر شعر شعاری می‌نوشت از شعاری که ده‌ها غزل انسانی و عاشقانه می‌سروده شهرت و محبوبیت بیشتری می‌یافت.

آن زمان البته شرایط اقتضا می‌کرد که هر کسی فریاد بلندتری می‌کشید، نامش بیشتر بر سر زبان‌ها بود و با اقبال بیشتری روبه‌رو می‌شد. ولی واقعا صدای ماندگار به فریاد بلند نیست. آن صداهایی که ماندگار شده‌اند نسبت بیشتری با شعر دارند.

با نظریه پردازی‌هایی که در حوزه شعر مطرح می‌شود، چقدر موافقت می‌کنید و این نظریه پردازی در شعر شما چقدر موثر بوده؟

من این نظریه‌ها را برای شعر مخرب می‌دانم. این تئوری‌ها به جای این که کمکی به اعتلای شعر بکنند، در جهت تخریب شعر عمل کرده است. نظریه‌های دیگران هنگام آفرینش شعر با شاعر نیست، اگر چه لازم است که شاعر از همه نظریه‌های شعری باخبر باشد، ولی باز همه این نظریه‌ها باید از صافی ذهن و ضمیر شاعر عبور کند تا تبدیل به شعر موفقی شود. فرض کنید، شاعری مثل فریدون مشیری، اشعار عاشقانه‌اش را وقتی می‌خوانیم، می‌بینیم ارتباط بسیار خوبی با آن برقرار می‌کنیم تا با شعرهای اجتماعی‌اش. شعرهای عاشقانه مشیری در حافظه جمعی مردم ماندگار و در صدایشان جاری است ولی واقعیت این است که وقتی شعرهای مشیری را می‌خوانیم، می‌بینیم بخشی از آنها شعر است، نه همه آنها و آنچه نام او را ماندگار می‌کند، بخش شعری سروده‌هایش است نه آن بخش شعاری. مثلا مشیری در شعر «اشکی در گذرگاه تاریخ» وقتی می‌سراید: «از همان روزی که دست حضرت قایل گشت آلوده به خون حضرت هایل» تا می‌رسد به این سطر که «قرن موسی چومبه هاست» موسی چومبه به اعتقاد مشیری دولتمردی است که در آن روزگار به مردم جامعه‌اش ظلم می‌کرد. بعد از آن، آنقدر خونخوارانی بدتر از چومبه دیده‌ایم که وقتی موسی چومبه را به عنوان نماد ظلم و خونخوارگی در شعر می‌آوریم، انگار از تاریخ بی‌خبریم. موسی چومبه در همان عصر خودش مدفون می‌شود. اما وقتی شما از رنج کل جامعه صحبت کنید و شاعرانه هم باشد، برای سال‌ها ماندگار می‌شود. همان کاری که حافظ بزرگوار در مورد ریاکاری و تزویر کرده است. یا شاعران عزیز و قله‌نشین دیگری انجام

داده‌اند.

علت این که به طرح این سوال پرداختم این است که شما در غزل هم به ساختار عمودی و هم به ساختار افقی شعر توجه ویژه‌ای دارید. تئوری ساختار شعر کشف جدیدی است که شما در غزل به آن توجه نشان داده‌اید.

من شناخت تئوری‌های جدید ادبیات و نقد را ضروری می‌دانم. اما از درون ذهن و ضمیر شاعر، نویسنده یا هنرمند باید عبور کند، تا بدل به یک اثر هنری شود. وقتی حافظ می‌سراید: غلام آن کلماتم که آتش انگیزد/نه آب سرد زند در سخن چو آتش تیز. مگر حافظ با آن برجستگی زبانی یک شعار را دستمایه این بیت از غزلش نکرده است؟ شعاری که شعریش بیشتر از شعارش است. شاعر امروز اگر بتواند خودش را به چنین مرحله‌ای برساند، کاری کرده است کارستان. وگرنه، کارهایی می‌شود که ما در گذشته هم داشته‌ایم و شاید امروز دیگر برای ما جلوه ویژه‌ای نداشته باشند.

شما به شعر جوششی اعتقاد دارید. آیا کوشش را در سرودن شعر رد می‌کنید؟

من به شعر کوششی اعتقاد ندارم. کوشش را در حد ویرایش و پیرایش شعر بعد از آفرینش قبول دارم. من خودم موقعی که یک شعر تازه بنویسم، صادقانه می‌گویم شاید به مدت ده روز سراغش نمی‌روم و با آن هیچ ارتباطی برقرار نمی‌کنم تا از سلطه آن بیرون بیایم. بعد از آن را می‌خوانم و با خوانشی که در مرحله بعد اتفاق می‌افتد، به خودم اجازه می‌دهم که آن را ویرایش کنم یا احتمالاتی در آن بدهم. هیچ ابایی هم از بیان آن ندارم، چون فکر می‌کنم کار درستی است.

شما در حوزه ترانه و ترانه‌سرایی هم کار کرده‌اید و از صاحب‌نظران در این زمینه محسوب می‌شوید. وضعیت ترانه‌سرایی امروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من ترانه را هم شکلی از شعر می‌دانم که زبان صریح‌تر و گویاتری برای پیدا کردن مخاطب دارد. چون مخاطب به ناگزیر در اماکن مختلف به آن گوش می‌دهد. مثلا فرض کنید اگر کتابی منتشر کنیم یک نفر اگر علاقه‌مند بود، می‌تواند آن را بخرد و اگر دوست نداشته باشد، آن را نمی‌خرد که مطالعه کند. اما در مورد ترانه وضع فرق می‌کند، چون در خیابان، در محل کار و در تاکسی ناگزیر است آن را گوش کند. پس خودبه‌خود مخاطب‌پذیری ترانه خیلی بیشتر از شکل‌های دیگر شعری است. پس سرودن ترانه را باید خیلی جدی بگیریم بر خلاف آن سال‌هایی که من سرودن ترانه را شروع کردم. شاید بسیاری از بزرگان هم در این عرصه مشغول کار بودند و کارهایشان هم ماندگار شده است اما سعی می‌کردند نامی از خود نبرند. در واقع یک جور شرم دنبال ترانه‌سرایی بود، انگار بر مبنای این حرف که «تو شاعر نیستی، تصنیف‌سازی»، خجالت می‌کشیدند که خود را ترانه‌سرا معرفی کنند. اما امروز به اعتقاد من باید با غرور به دنبال ترانه‌سرایی رفت. اما غروری که ریشه اجتماعی داشته باشد و حتی اگر ترانه‌اش تغزلی است، یک تغزل اجتماعی باشد.

شما ترانه‌سرایی بعد از انقلاب را در مقایسه با قبل از انقلاب رو به پیشرفت می‌دانید؟

ما هنوز ترانه‌سرایان بسیار خوبی داریم. از این منظر که این ترانه‌ها هم دریچه‌ای به جهان تازه باشد، هم مسائل اجتماعی را بازتاب دهد چون بخشی از ترانه‌سرایی به مسائل مالی مربوط می‌شود و ترانه‌سرا برای جبران بخشی از هزینه زندگی روزمره به آن می‌پردازد، سبب می‌شود که ترانه‌سرا ناگزیر سفارش‌پذیر شود و آنچه را که به او سفارش داده‌اند، انجام دهد. در این مرحله است که شاهد کارهایی هستیم که سطحی و نازلند و از شنیدن آن متأسف می‌شویم. چراکه احساس می‌کنیم دارند ترانه را به ابتدال می‌کشاند. اما اگر بخش عمده کار را نگاه کنیم، باید اعتراف کنم که امروز ترانه آسیب دیده است ولی اگر به آن دسته از ترانه‌های ماندگار این سال‌ها توجه کنیم، هرچند اندک است اما می‌تواند نوید آینده درخشانی در این حوزه باشد.

معرفی کتاب

مینا زندی

نگاهی به «برای اطلسی‌ها نامه بنویس»

قدیمی نو



یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر توجه بیشتری به آن شده است، توجه به قالب‌های کلاسیک شعر فارسی است، قالب‌هایی که مردم اتفاقا توجه بیشتری در طول تاریخ به آن داشته‌اند. یعنی مردم ما همواره به غزل، دو بیتی، رباعی، مثنوی و قصیده، بیشتر از قالب‌های نو شعر فارسی از جمله شعر نیمایی، سپید و آزاد توجه کرده‌اند. اما نکته‌ای که در رویکرد معاصر به قالب‌های کلاسیک وجود دارد، آن است که شاعرانی که از این قالب‌ها استفاده می‌کنند، رویکردی نو به زبان و فضا دارند. به عبارتی آن‌ها در تلاش بوده‌اند تا دستاوردهای نیما و شعر معاصر فارسی را در قالب‌های کلاسیک مورد استفاده قرار دهند. شریعت رسولی نیز در مجموعه شعر «برای اطلسی‌ها نامه بنویس» درصدد بوده تا چنین رویکردی داشته باشد. وی شعرهای خود را در قالب رباعی عرضه کرده است، اما نگاهی که او در این شعرها به نمایش می‌گذارد، نگاهی است که به شعر معاصر نزدیکی‌های فراوانی دارد.

مهم‌ترین ابزاری که رسولی در کتابش به آن توجه کرده، تصویرگرایی آن‌ها به شکل امروزی آن است. این نگاه تصویرگرایی که گاه سبب می‌شود تا رباعی‌های این مجموعه به «هایکو» نزدیک شوند، در بیشتر کارهای شاعر وجود دارد. اما برای روشن‌تر شدن موضوع، چند رباعی از او را به عنوان نمونه خواهیم آورد. به عنوان نمونه، به دو مین رباعی کتاب می‌پردازیم: «دو دستش رو به بالا ایستاده/کلافه، گپیج و تنها ایستاده/مترسک دانش آموزی است تببل/که عمری روی یک پا ایستاده».

شعر در ابتدا فضایی تصویری از یک مترسک را در اختیار ما می‌گذارد، اما به نظر می‌رسد که ارائه این تصاویر، فراتر از بیان صوری آنهاست: «دو دستش رو به بالا ایستاده»، تا اینجا شعر نمی‌دانیم که قرار است چه بخواهیم. با خود حدس می‌زنیم که انسانی دستش را به سوی بالا دراز کرده تا مناجات یا دعایی بخواند. مصرع دوم نیز کمکی به فهم بیشتر ما نمی‌کند. اما بیت دوم، مساله را حل می‌کند: «مترسک دانش آموزی است تببل». در اینجا متوجه این منظور می‌شویم که ما انسانی را در پیش روی خود نداریم و مترسکی موضوع شعر است، اما آنچه در این شعر آن رابه‌نشانه‌شناسی معاصر می‌آرید، توجه شاعر به عامل‌های زندگی و شعر امروز است. کودکی که برای تنبیه، روی یک پا می‌ایستد (هرچند که چندسالی است این شیوه متداول نیست)، جان دادن به اشیاء بی‌جان و بیان استعاره مناجات به شکل دو دستی که به بالا ایستاده از جمله مسائلی است که این رباعی را امروزی می‌کند، البته با این توضیح که شاید بتوان برخی از این مصادیق را در شعر کهن نیز دید، اما کاربرد آنها در شعر معاصر افزون است. شعری دیگر را نیز به عنوان نمونه ذکر کنیم: «همه از خواب برفی می‌پریدند/تو را از قاصدک‌ها می‌شنیدند/ به استقبال فروردین چشم‌ت/درختان پابره‌نه می‌دویدند».

مجموعه «برای اطلسی‌ها نامه بنویس» به‌تازگی در شمارگان ۱۲۰۰ نسخه با قیمت ۱۴۵۰ تومان، توسط انتشارات داستان‌سرا منتشر شده است.



چراغ زرد در برابر کتاب‌های حوزه راهنمایی و رانندگی

لطفاً با احتیاط بنویسید!

صاحب نظران نوشته می‌شوند و طرح‌های پیشنهادی مورد استقبال قرار می‌گیرند. این را سروان خزائی، مسوول تحقیق و پژوهش راهور اعلام می‌کند و می‌گوید: «در تالیف کتاب‌ها، نویسندگان و کارشناسان راهنمایی و رانندگی و افراد دانشگاهی با تجربه در زمینه حمل و نقل همکاری دارند، در واقع دفتر پژوهش راهور از افراد صاحب ایده استقبال می‌کند تا با همکاری افراد مختلف آثاری درخور تهیه شوند.»

با وجود مشکلات و کاستی‌ها، بیشتر صاحب نظران به یک وفاق جمعی معتقدند. سروان علی اصغر شریفی به حضور کادر اجرایی در تالیف کتاب و محمود برآبادی به مراحل تولید و نظارت آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «تالیف کتاب دارای مراحل تولید و نظارت است که هر دو مرحله باید مورد توجه قرار بگیرند. در مرحله تولید باید نویسندگان و کارشناسان با هم همفکری کنند، به این نحو که کارشناسان، مسائل و مشکلات را مطرح کنند و نویسندگان با توجه به دانش و توانایی خود، آن را به رشته تحریر درآورند و گروهی دیگر که تحریر بیشتری در این زمینه دارند، بر این کتاب‌ها نظارت کنند تا نتیجه مثبتی حاصل شود نه آن که کارشناسی که کاری را بر عهده دارد، دست به قلم ببرد و آن را در قالبی که فاقد ساختارهای ادبی است، ارائه دهد یا برعکس، نویسندگان بدون در نظر گرفتن مسائل فنی، کتابی را تالیف کنند. زهر اجملی اجرای این امر را به تلاش شهرداری تهران منوط می‌داند و می‌گوید: «شهرداری تهران باید در این زمینه همایشی را با حضور کارشناسان و نویسندگان برگزار کند تا با ارائه و تبادل اندیشه‌ها، نتیجه‌ای مثبت به دست آید.»

ناشران کم شمار

چاپ و نشر کتاب‌های آموزشی، یکی دیگر از مشکلاتی است که تا حد زیادی در تالیف این کتاب‌ها اثرگذار بوده است.

برآبادی در این مورد معتقد است: «کتاب‌ها توسط بخش خصوصی و دولتی و گاه نیمه دولتی منتشر می‌شوند، اما بخش خصوصی در این زمینه چندان فعال نیست که شاید هم دلیل آن به بازار کتاب برگردد. آنچه در بازار پراستفاد کتاب راهگشا می‌شود تا باری از مشکلات بردارد، نظارت و تشویق است که گاه از سوی سازمان‌های ذیربط و در قالب برگزاری جشنواره‌ها نمود پیدا می‌کند.

مدیر آموزش ترافیک در این باره می‌گوید: «وزارت آموزش و پرورش، هر دو سال یک بار جشنواره‌ای را برای نظارت و ارزیابی بر کتاب‌های آموزشی انجام می‌دهد، اما در زمینه آموزش ترافیک، هر سازمانی مستقل از دیگری، کتاب‌ها را تالیف می‌کند و هیچ دستگاه فراسازمانی وجود ندارد که بر کتاب‌های تالیفی در این حوزه نظارتی داشته باشد.»

این در حالی است که موفقیت در زمینه آموزش، علاوه بر همکاری مردم نیازمند توجه و برنامه‌ریزی بیشتر است تا نهادهای مرتبط با همکاری بیشتر، کتاب‌هایی را روانه بازار کنند که جوایز خوبی نیازهای مخاطب باشند و علاوه بر پیوند افراد با کتاب، آنچه را عرضه می‌کند در ترازوی علم نیز از اعتبار برخوردار باشد.



بسیار ضعیف است و در کنار جنبه آموزشی، ارزش ادبی زیادی ندارند. این کتاب‌ها از نظر داستانی، فضا سازی و شخصیت پردازی ضعیف‌اند و از جذابیت‌های لازم برای تاثیرگذاری بر مخاطب برخوردار نیستند.»

داستان‌های آموزشی راهنمایی و رانندگی به دلیل آموزشی بودن، گاه با وجود اهمیت، فروش چندانی ندارند. برآبادی با تالیف این مطلب می‌گوید: «در اغلب این کتاب‌ها، آموزش به صورت مستقیم است، در صورتی که کتاب‌ها باید پیام‌رسان به صورت غیرمستقیم و با شخصیت پردازی جذاب به مخاطب ارائه دهند. در واقع، باید به کتاب‌های آموزشی مانند کتاب‌های ادبی نگاه کرد و آن را بی‌نیاز از تکنیک‌های داستان‌نویسی ندانست.» نکته دیگری که در تالیف کتاب‌ها اهمیت دارد و کمتر به آن توجه می‌شود، تصویرگری آن است. برآبادی در این باره می‌گوید: «این کتاب‌ها از لحاظ نقاشی و تصویرسازی نیز بسیار ضعیف‌اند و حتی اشکالات فنی دارند. علائم، آن گونه که تعریف شده‌اند، در تصویرگری نشان داده نمی‌شوند یا گاهی اشتباه هم توضیح داده شده‌اند!»

استقبال می‌شود یا نمی‌شود؟

«کتاب‌ها با مشارکت کارشناسان و

سروان خزائی با مهم قلمداد کردن این موضوع تاکید می‌کند: «چند سال پیش، سردار رویانیان قراردادی با آموزش و پرورش منعقد کرد تا نکات ترافیکی در کتاب‌های درسی گنجانده شوند و این نوع آموزش شکل جدی‌تری به خود بگیرد اما متأسفانه این مهم، هنوز عملی نشده است.» نویسندگان حوزه کودک و نوجوان نیز بر این امر مهم تاکید دارند. زهر اجملی نویسنده و مدیر مسوول نشر همداد، در این باره می‌گوید: «مشکلات ترافیکی حمل و نقل، از جمله معضلات شهرهای بزرگ است و تردیدی نیست که زندگی در این شهرها نیازمند آموزش شهروندان برای رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی است. به نظر من، مدارس بهترین مرکز آموزش‌اند و آموزش این قوانین باید به عنوان یک درس فوق برنامه در کلاس‌ها گنجانده شود.»

اشتباهات جدی

در کتاب‌های نه چندان جدی!

بیشتر کتاب‌های تالیفی در زمینه آموزش کودکان از طریق کارشناسان راهور تهیه می‌شوند و آنان که دستی به قلم دارند، تجربیات خود را به عنوان راهکار ارائه می‌دهند، اما این کتاب‌ها بازده خوبی ندارند و استقبال از آنها آن گونه نیست که نشان از موفقیت آن داشته باشد.

محمود برآبادی مدیر آموزش سازمان ترافیک تهران در این باره می‌گوید: «کتاب‌هایی که در این زمینه منتشر شده‌اند، کتاب‌های جدی‌ای نبوده‌اند، حتی در بخش دولتی که نهادهای وابسته به شهرداری تهران، مناطق آن و ادارات راهنمایی و رانندگی و ارگان‌های دیگر در آن حضور دارند، کتاب‌ها را بر اساس شخصیت‌های کارتونی و تبلیغاتی تهیه کرده‌اند. به نظر من، این امر بر ساختار کتاب تاثیر گذاشته و مانعی برای استقبال از آنها شده است.»

برآبادی توضیح می‌دهد: «ساختار این داستان‌ها

طرح پلیس جامعه محور، چند سالی است که با اهداف و برنامه‌های متنوع تلاش دارد زمینه‌ساز بستری فرهنگی و مناسب برای رشد و بالندگی در زمینه تحقق اهداف و کارآمدی قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی باشد و با آموزش افراد در سنین مختلف به ویژه دانش‌آموزان، رعایت قوانین از سوی همه افراد جامعه مورد توجه قرار گیرد. نیروی انتظامی، در کنار ساخت برنامه‌های تلویزیونی نظیر تیزرهای تبلیغاتی و اجرای طرح پلیس مدرسه، تالیف کتاب را به عنوان یکی از ابزارهای ضروری آموزشی مورد توجه قرار داده است.

ملزم کردن افراد به رعایت قوانین و مقررات یک کار فرهنگی است که موفقیت آن را برگ‌های تاریخ در چند سال آینده نشان می‌دهد، امری که سرآغاز آن آموزش کودکان است تا در آینده، کار پلیس آسان‌تر و آمار تصادفات و مرگ و میر کمتر شود.

سروان امید خزائی مسوول تحقیق و پژوهش پلیس راهور تهران بزرگ، آموزش کودکان را نقطه آغاز تعلیم مبانی و قوانین راهنمایی و رانندگی می‌داند و معتقد است: «آموزش آنان از مدتی پیش با ساخت انیمیشن و تیزرهای تبلیغاتی آغاز شده و اکنون تالیف کتاب، مرحله بعدی است.»

سروان خزائی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «کودکان می‌توانند تاثیرگذارترین اهرم برای رعایت قوانین و کنترل بر خانواده‌ها باشند. زیرا آنان در کنار پدر و مادر خود با جامعه در ارتباطند و اولیای آنان نمی‌توانند از قوانینی که فرزندانشان آنها را گوشزد می‌کنند، سر باز بزنند. به همین منظور، کتاب‌هایی با عنوان «پلیس مدرسه» برای آموزش علائم راهنمایی و رانندگی تدوین شده که در قالب شعرهای کودکانه و طنز، رعایت قوانین را به آنان آموزش می‌دهد.»

اما آیا کتاب‌ها، توانسته‌اند در جذب مخاطب موفق باشند؟ آیا این گونه آثار آموزشی، ارزش‌های ادبی و تکنیکی قالب خود را رعایت کرده‌اند؟

فرمان آموزش در دست کودکان

کتاب، زمانی تاثیرگذار است که بر اساس نیازسنجی‌های جامعه تهیه شود و به نحوی پاسخ پرسش‌های جواب داده نشده، به حساب آید.

سروان خزائی در این باره می‌گوید: «کتاب‌هایی که برای کودکان تالیف می‌شوند، با نظرسنجی روانشناسان، جامعه‌شناسان و کارشناسان راهنمایی و رانندگی همراهند و واحد پژوهش ما انجام این کار را برعهده دارد.»

وی در این باره توضیح می‌دهد: «آموزش بیشتر کودکان و دانش‌آموزان از طریق اجرای نمایش عروسکی و شیوه‌های اتومبیلرانی و آموزش علائم در پارک ترافیک صورت می‌گیرد. البته امسال کتابچه‌ای تهیه کرده‌ایم که با یک لوح فشرده تکمیل می‌شود و کودک در زمان خواندن کتاب، موضوعات را نیز به تصاویر ارتباط می‌دهد.»

در کنار فعالیت‌های راهور، آنچه می‌تواند به تحقق اهداف فرهنگی کمک کند، همکاری وزارت آموزش و پرورش با این نهاد است که می‌تواند با گنجانیدن مسائل آموزشی در کتاب‌های درسی، از نقص‌های فرهنگی بکاهد.



«چند متر آسفالت خیس» در گفت و گو با حمید روشان

چند متر فلسفه در شعر!

«چند متر آسفالت خیس» عنوان مجموعه ای از اشعار آزاد حمید روشان، شاعر شیرازی است که به تازگی توسط انتشارات داستان سرا منتشر شده است. روشان در این مجموعه ۵۰ قطعه شعر آزاد ارائه داده است که مضامین اجتماعی و فلسفی در آنها به چشم می خورد. با حمید روشان که متولد سال ۱۳۵۷ و کارشناس ارشد علوم سیاسی است درباره اولین مجموعه شعرش گفت و گویی انجام داده ایم. او می گوید: «به تاثیر محیط اجتماعی در شعر خیلی معتقدم و فکر می کنم این نگاه واقع گرایانه در آثارم دیده می شود.»

چه شد که مجموعه شعر خود را برای چاپ به انتشارات داستان سرا سپردید؟

پیش از این کتاب های این ناشر را دیده بودم و می دانستم که در زمینه ادبیات کار می کند. شاعران شیرازی دیگری را هم می شناختم که کارهای خود را توسط این ناشر منتشر کرده بودند. به همین دلیل شعرهای خود را برای چاپ به این ناشر دادم. پیش از این هم مجموعه شعری از شما منتشر شده بود؟

خیر. این اولین مجموعه شعر من است. از سال ۷۹ در مطبوعات محلی شروع به نوشتن نقدهای ادبی در زمینه ادبیات مدرن و به خصوص ادبیات فرانسه کرده بودم و اشعارم نیز از سال ۸۴ به این سو در همین مطبوعات منتشر می شد. «چند متر آسفالت خیس» اولین مجموعه شعر منتشر شده من است.

در ابتدای کتاب شما جمله ای از مارسل پروست به چشم می خورد و یکی از اشعار کتاب چند تکه آسفالت خیس هم به او تقدیم شده. دلیل این مساله چیست؟

راستش را بخواهید رشته تحصیلی من علوم سیاسی بود و از ادبیات متنفر بودم! در سال ۷۸ یکبار به با کتاب «در جستجوی زمان از دست رفته» پروست آشنا شدم که نه تنها در کارم، بلکه در زندگی ام منشأ اثر شد. بنابراین خودم را خیلی به او مدیون

مجموعه شعر «پشت این غزل مردی است از همیشه عاشق تر» به تازگی توسط انتشارات داستان سرا منتشر شده است. با سید جعفر عزیزی، متولد ۱۳۵۷ و دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی و سراینده این مجموعه درباره دومین مجموعه شعرش گفت و گویی انجام داده ایم. از عزیزی پیش از این مجموعه شعر «چشمان تو شناسنامه من است» توسط انتشارات نگینا منتشر شده بود. عزیزی با اینکه اعتقاد دارد شعر سپید ظرفیت بیشتری برای القای مفاهیم امروزی دارد، اما می گوید: «با وجود اینکه به پتانسیل بالای شعر آزاد در ارائه مفاهیم نو اعتقاد دارم، اما فکر می کنم غزل هویت بیشتری دارد.»

چه شد که دومین مجموعه شعرتان را توسط انتشارات داستان سرا منتشر کردید؟

این کتاب را به معرفی یکی از دوستانم یعنی آقای سیامک بهرام پرور برای چاپ به این ناشر دادم چون شیوه کار این ناشر و کیفیت کتاب برایم اهمیت ویژه ای داشت و دیدم که ناشر در کتاب آقای بهرام پرور به کیفیت کتاب از نظر چاپ گرافیک و نمونه خوانی توجه ویژه ای داشته است. حقیقتش را بخواهید از کیفیت کتاب اولم چندان راضی نبودم بنابراین در تجربه دوم با این ناشر کار کردم.

شاعران جوان و به خصوص شاعران شهرستانی برای انتشار مجموعه اشعار خود با چه مشکلاتی روبه رو هستند؟

می دانم و این جمله و آن شعر هم به همین دلیل در کتاب آمده است.

اکنون هم مشغول نوشتن مجموعه داستانی هستم که به شدت تحت تاثیر پروست است. من پروست را نقطه عطفی در ادبیات جهان می دانم.

فکر می کنید شعر سپید امروز در مقایسه با دهه های آغازین چه ویژگی هایی پیدا کرده است؟

عصر امروز، عصر دلهره ها، تشویش ها و دورافتادگی و تنهایی انسان مدرن است. این مسائل چه بخواهیم و چه نخواهیم، در ادبیات نیز منعکس می شود.

ما مدیون پایه گذاران شعر نو و سپید هستیم. اما عصر سایبر و شکل گیری نظام های جدید اجتماعی و سیاسی، خواه ناخواه نیازمند شکل گیری نظام های ادبی جدید نیز هست. در این زمانه، مرزهای گذشته از میان برداشته شده و انسان امروز به دیدی جهانی دست یافته است. در این عصر تحولات مهمی در حال اتفاق افتادن است و شعر سپید نیز شکل دیگری به خود گرفته و خواه ناخواه از گذشته فاصله گرفته است.

خودتان را تا چه حد در خلق فضاهای جدید و استفاده از مضامین امروزی موفق می دانید؟

تلاش خودم را در این زمینه کرده ام. حال این که چقدر موفق بوده ام را دیگران باید بگویند. اما به طور

کلی فضاهای متفاوت را می پسندم و در مجموعه داستانی هم که در حال کار روی آن هستم، تلاش کرده ام فضاهای کاملاً بکری خلق کنم.

چه تقابل ها یا تشابهاتی میان رشته تحصیلی خود و شعر می بینید؟

من ادبیات را نوعی طغیان درونی انسان و شورش او علیه خود و محیط اطرافش می دانم. در عصر پست مدرنیسم که بیشتر مرزها از میان برداشته شده است، می توانم بگویم که ادبیات و علوم سیاسی هم به هم نزدیک تر شده اند. فکر می کنم در حال حاضر مرزی میان ادبیات، فلسفه، شعر و سیاست وجود ندارد و همه با هم عجین شده اند. کسی که می خواهد یک اثر ادبی بیافریند، ناخودآگاه تحت تاثیر مسائل سیاسی، اجتماعی، روان شناسانه و هزار مساله دیگر قرار دارد. در اشعار من بن مایه های سیاسی، فلسفی و هستی شناسانه زیادی دیده می شود. به رغم رشته تحصیلی ام تقریباً کاری در زمینه علوم سیاسی نداشته ام، ولی کارهای ادبی ام بیشتر در حوزه فلسفه ادبیات بوده و سعی کرده ام بن مایه های مسائل را بررسی کنم.

تحصیل در رشته علوم سیاسی تا چه حد بر دایره واژگان شما در این مجموعه اثر گذاشته است؟

من به این مساله قائلم که ترکیب سازی های جدیدی ارائه داده ام و ریشه های فلسفی که در ذهن داشته ام، در آفرینش ترکیبات جدید ادبی به من کمک

با سید جعفر عزیزی درباره «پشت این غزل مردی است از همیشه عاشق تر»

غزل هویت بیشتری دارد

حد در ارائه مفاهیم امروزی موفق می دانید؟

من برای غزل و سایر قالب های شعری به یک اندازه احترام قائلم. قالب فقط یک محمول و ظرف است که می شود در آن حرف زد. ما سابقه هزار ساله قالب کلاسیک را هم پشت سر خود داریم و روح و ذهن ما با آن هماهنگ است. اما به طور کلی معتقدم شعر سپید ظرفیت بیشتری برای القای مفاهیم امروز دارد و اتفاقاً مجموعه شعر بعدی که منتشر خواهم کرد در قالب شعر آزاد است.

اما به قول احمد عزیزی «غزل غزال کلمات است!» و به نظر من حال و هوای خاص خود را دارد. بنابراین با وجود اینکه به پتانسیل بالای شعر آزاد در ارائه مفاهیم نو اعتقاد دارم، فکر می کنم غزل هویت بیشتری دارد.

گویا کار خود را هم با غزل شروع کرده اید؟

بله. من شعر را با غزل شروع کردم. چون پیش از

متأسفانه برای انتشار مجموعه های شعر مشکلات زیادی وجود دارد که مهم ترین آنها توزیع کتاب های

شعر است. این روزها که ادعا می شود در هر خانه یک شاعر هست و هر یک از ما شاعران زیادی را در شهر خود می شناسیم، اما جای تأسف است که یک کتاب ۱۲۰۰ نسخه ای روی دست شاعران می ماند. مشکل اصلی را هم باید در توزیع جست و جو کرد. ناشران هیچ تعهدی در قبال توزیع کتاب ها ندارند.

از طرف دیگر بیشتر شاعران جوان ناچارند هزینه انتشار اولین مجموعه های خود یا بخشی از آن را پرداخت کنند که در توان همه آنها نیست.

برای حل مشکل توزیع کتاب هیچ فعالیتی صورت نگرفته است. اما خود شاعران کتاب هایشان خود را با یکدیگر مبادله می کنند و در واقع کار توزیع کتاب های شعر را خودشان بر عهده می گیرند! قالب های کهن شعری و خصوصاً غزل را تا چه



کرده است. از طرف دیگر تحت تاثیر محیط شهری هم بوده ام.

به یاد جمله از اوژن یونسکو افتادم که می گوید: ما تنهایی هستیم که دور هم جمع شده ایم. من به تاثیر محیط اجتماعی در شعر خیلی معتقدم و فکر می کنم این نگاه واقع گرایانه در آثارم دیده می شود.

معمولاً شاعران شهرستانی برای انتشار اشعارشان با چه مشکلاتی روبه رو هستند؟

به نظرم دور بودن از مرکز، مهم ترین مشکل شاعران شهرستانی است. خود من در زمینه گرفتن مجوز مشکلی نداشتم و این کار توسط آقای ولی زاده، مدیر انتشارات «داستان سرا» انجام شد اما شنیده ام که صدور مجوز در ادارات ارشاد استان ها ممکن نیست و مجوز انتشار همه کتاب ها باید از تهران صادر شود. وزیر ارشاد هم اخیراً گفته است که شاید این مشکل حل شود.

اما مشکل مهم دیگر شاعران شهرستانی توزیع کتاب های شعر است. خیلی از کتابفروشی ها این کتاب ها را قبول نمی کنند و شاعران ناچار می شوند خودشان دست به کار توزیع کتاب خود شوند. از طرف دیگر کتاب های شاعران شهرستانی در کل کشور هم توزیع نمی شود به همین دلیل با مشکلاتی روبه رو می شوند.

من برادرم شعر می گفت و مرا با قالب های شعری آشنا کرده بود. زمانی که در سال دوم دبیرستان درس می خواندم، کارم را با غزل شروع کردم. برادرم در همان آغاز نگاه مرا به غزل عوض کرد و باعث شد از زبان کهنه فاصله بگیرم و بتوانم از مفاهیم نو در شعرم استفاده کنم.

در زمان آفرینش شعر به مخاطب و کلماتی که انتخاب می شود تا چه حد اهمیت می دهید؟

دغدغه ام شاعری است و لحظه آفرینش شعر را با هیچ چیزی عوض نمی کنم اما معتقدم که در همین لحظه هم نباید مخاطب را نادیده گرفت. من هم او را نادیده نمی گیرم و برای او احترام قائلم ولی دغدغه کلمات را ندارم و در لحظات شکل گیری شعر، آفرینش کلمات در لحظه برایم اهمیت دارد.

ارزیابی شما از غزل امروز چیست؟

نسل من پس از پایان جنگ تحمیلی و در حوالی آغاز دهه ۷۰ شعر گفتن را آغاز کرده است و سبک و سیاق شعر همه ما شباهت هایی به یکدیگر دارد. متأسفانه چیزی که در غزل امروز در حال اتفاق افتادن است، این است که شاعرانی که غزل مدرن و پست مدرن کار می کنند، به حدی دغدغه تئوری و کلمات را دارند که روح شاعری از کارشان محو شده است. فکر می کنم توجه و احترام به تجربه مخاطب و توجه داشتن به اینکه زبانی که انتخاب می کنیم، تا چه حد می تواند در برقراری ارتباط با مخاطب موثر واقع شود، ما را به راهی راهنمایی خواهد کرد که به نفع غزل امروز باشد.



دیدگاه‌های داوران جشنواره نقد مقالات

نقد را نقادی باید

درواقع، این شیوه کار باعث شد تا داوری‌ها بابی طرفی بیشتر و در نظر گرفتن تمام جوانب کار تخصصی بررسی شوند اما کیفیت آثار و مقالات ارائه شده موضوعی است که می‌تواند نشان از رشد و بالندگی دانش در کشور باشد.»

سجادی در توضیح کیفیت مقاله‌های ارائه شده می‌گوید: «این مقاله‌ها در قیاس با دیگر کشورها در سطح پایینی قرار دارند، اما نسبت به آثار محققان و نویسندگان داخلی خوبند. خانه کتاب در چند سال اخیر با برگزاری برنامه‌ها و جشنواره‌های نقد مقالات نوعی رقابت آشکار و پنهان ایجاد کرده تا محققان در آثار خود دقت بیشتری داشته باشند.»

آنچه می‌تواند به کیفیت این مقالات بیفزاید توجه مسوولان مجلات پژوهشی به چاپ این مقاله‌هاست. سجادی در این باره می‌گوید: «سردبیران مجلات باید برای چاپ مقاله‌های علمی، تمامی جوانب یک کار تحقیقی را در نظر بگیرند و اگر مقاله‌ای از استانداردهای علمی برخوردار نیست، آن را چاپ نکنند ولی متأسفانه، بسیاری از مجلات علمی و پژوهشی مقالات بسیار ضعیفی چاپ می‌کنند و برخی مجلات که علمی و پژوهشی نیستند، مقالات خوب و کاملی دارند. متولیان نشریات باید دقت بیشتری در چاپ مقاله‌ها داشته باشند. هر چند مقالات علمی خوبی در سطح بین‌المللی داریم اما تعداد آنها بسیار محدود است.»

شهرت، منفی یا مثبت

توجه به نام نویسندگان و محققان، یکی از موضوعاتی است که گاه بر داوری‌ها تأثیر می‌گذارد و پیامدهای منفی آن بر قضاوت‌های درست سایه شک و تردید می‌افکند. سجادی در این باره می‌گوید: «متأسفانه این مسائل بر داوری‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود محققانی که نام آشنا نیست؛ فرصت را از دست بدهند. این اتفاق بیشتر برای محققانی که در شهرستان‌ها زندگی می‌کنند روی می‌دهد. باید برای

نقد، تحولی فرهنگی است که به عنوان یک گام موفق توانسته قالب‌های علمی مقالات را ارزیابی کند تا کاستی‌ها و نقص‌های آن نمایان شود. خانه کتاب به عنوان متولی این امر، جشنواره نقد مقالات را با حضور داوران برجسته برگزار کرد تا ارزیابی ساختارهای پژوهشی از سوی داوران به کیفیت مقالات بیفزاید. در این ارزیابی‌ها بسیاری از داوران آثار ارائه شده را فاقد ویژگی نقد علمی برشمردند و ارائه گزارش از کتاب‌ها را به عنوان نقد، نشانه ضعف آموزشی قلمداد کردند که باید از سوی سردبیران مورد توجه قرار بگیرد.

همچنین شیوه‌های متفاوت داوری این جشنواره باعث شد برخی داوران از قضاوت‌های صحیح دور بمانند و شیوه کار سردبیران و مسوولان مجلات علمی و پژوهشی نقد شوند.

داوران این جشنواره ۸۳۳ مقاله را که از سوی ۱۱۸ عنوان نشریه، جلسه و روزنامه به دبیرخانه خانه کتاب ارسال شده بود، طی دو ماه و نیم در سیزده حوزه شامل کلیات، فلسفه، دین، علوم اجتماعی، علوم و فنون، هنر، ادبیات داستانی، ادبیات فارسی، ادبیات عرب، زبان‌شناسی، شعر، تاریخ و جغرافیا و حوزه کودک و نوجوان داوری کرد تا در کنار محاسن خود، معایبی را آشکار کند که بر طرف کردن آن می‌تواند به رشد و بالندگی تحقیقات علمی در کشور بینجامد. جشنواره نقد مقالات، این بار با رویکردی متفاوت، آثار ارائه شده را ارزیابی کرد تا با به کارگیری نظریات افراد متخصص به نتیجه دقیق‌تری دست یابد. سید صادق سجادی داور حوزه تاریخ و جغرافیا که در آن گروه ۸۵ مقاله ارزیابی شد، می‌گوید: «کیفیت داوری نقد آثار، امسال رشد چشمگیری نسبت به سال‌های قبل داشت که طی آن داوران در چند مرحله مقاله‌ها را ارزیابی کردند و به جای حذف اثر، به آن نمره دادند که در پایان با جمع بندی نمره‌های کسب شده، مقالات مورد تایید و تکذیب داوران قرار گرفتند.



بستر علمی مناسب به این جشنواره‌ها پیوند دهند تا به کیفیت مقالات ارائه شده افزوده شود.»

ساختارها ضعیف بود

وجود چارچوب آرایش شکلی و محتوای مقاله‌ها، از ارکان اصلی بر علمی شمردن مقاله‌هاست که از نظر سید مهدی مطهر نیا داور حوزه فلسفه اکثر مقالات فاقد این چارچوب‌ها بودند. وی در توضیح این موضوع می‌گوید: «بیشتر این مقالات شبیه به گزارش از یک کتاب بود، نه مقاله علمی، بنابراین سردبیران و مسوولان این نشریات باید قالب‌های مشخصی برای ارائه مقاله نقد به نویسندگان عرضه کنند تا با رعایت ساختارها در ارائه مقالات، نقد این آثار تخصصی‌تر شوند. در برخی از آثار دیده شد که ارجاعات نقد بیشتر به مستندات همان مقاله محدود می‌شد و نویسنده یا منتقد کمتر اشرافی به موضوع داشت.»

مطهر نیا برای رسیدن به سطحی مطلوب در ارائه مقالات، به آموزش از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این باره معتقد است: «مراجع ذریع و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید به آموزش نقد اهتمام داشته باشند، زیرا نقد امری مهم در تولید فکر است و نقد آثار گذشتگان و بیگانگان مقدمه‌ای ضروری برای تولید فکر است که تحقق آن به آموزش صحیح شیوه‌های نقد بستگی دارد لذا در این باره باید نشریاتی به نام نقد و نقادی تهیه شوند که هم به آموزش نقد بپردازند و هم بتوانند نقدهای برتر را در مقالات بررسی کنند.»

فراهم آوردن فرصتی برای حضور علم در جشنواره‌ها می‌تواند حوزه دانش را به گستره دانایی

این پژوهشگران برنامه‌ای در نظر گرفته شود و ادارات کل ارشاد نشریات پژوهشی بومی را راه‌اندازی کنند تا این محققان فرصتی برای بروز افکارشان داشته باشند.»

برگزاری جشنواره نقد مقالات باعث شده تا در کنار کاستی‌ها، بسیاری از معایب علمی تحقیقات نمایان و تأثیری مثبت در ارائه مقالات ایجاد شود.» سجادی می‌گوید: «برگزاری جشنواره نقد باعث شده نویسنده در ارائه مقالات خود دقت بیشتری به خرج دهد و سردبیران و صاحب‌امتیازان مجلات علمی برای حفظ اعتبار علمی کار خودشان، مقالات را با دقت بیشتری بررسی کنند.»

مقالات عرضه شده در این جشنواره در نشریات، روزنامه‌ها و مجلات معتبر چاپ شده‌اند و در میان آنها کمتر مجلات دانشگاهی به چشم می‌خورند.» دکتر محمود بشیری، داور حوزه ادبیات داستانی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «در باره این جشنواره اطلاع‌رسانی جامعی صورت نگرفته و کمتر مقاله دانشجویی یا دانشگاهی در بین آثار دیده شد. از بین بیست مقاله‌ای که مورد داوری قرار دادم، دو یا سه اثر قابل توجه وجود داشت، یکی از آنها به دلیل چاپ شدن در یکی از مجلات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کنار گذاشته شد، در حالی که نباید این شیوه احتیاطی بر نقدهای خوب، تحمیل شود. خانه کتاب باید این اطلاع‌رسانی را گسترده‌تر انجام دهد تا افرادی که این جشنواره را نمی‌شناسند از طریق بروشورها و فراخوان‌ها، مقاله‌های علمی خود را عرضه کنند و محیط‌های دانشگاهی را به عنوان یک

یک تا ۲۴ و ۳۲ با همکاری گوجینی و اودرزو و ۲۵ تا ۳۱ و ۳۳ و ۳۴ تنها به وسیله اودرزو خلق شده‌اند.

آلبر اودرزو ابتدا در نظر داشت آستریکس را به صورت جنگجویان قدیمی گلی با هیکلی بزرگ و قدرت بدنی فراوان طراحی کند، اما گوجینی تصویر دیگری از قهرمان خود در سر داشت. او آستریکس را به صورت یک شخصیت ریزنقش و باهوش در نظر داشت؛ شخصیتی که هوش و ذکاوتش نسبت به زور بازوی او برتری دارد. با این وجود، اودرزو فکر می‌کرد در کنار این شخصیت باهوش به کاراکتری قوی اما کودن نیاز است. به این صورت گوجینی پذیرفت و ابلیکس به وجود آمد.

پس از مرگ گوجینی، اودرزو به تنهایی انتشار داستان‌های «آستریکس و ابلیکس» را ادامه داد، اما با وجود آن که اودرزو پیش از این مانند هر ژره (نویسنده و طراح مجموعه داستان‌های تن‌تن) اعلام کرده بود پس از مرگش هرگز دوست ندارد کسی پس از او داستان آستریکس را ادامه دهد، اما اکنون این دیدگاه او تغییر کرده است و تصمیم گرفته پس از مرگش نیز نویسنده خوش ذوقی داستان آستریکس را ادامه دهد؛ تصمیمی که باعث خشم خانواده او شده است. در نامه‌ای نوشته سیلوی، دختر آلبر اودرزو، که در روزنامه لوموند به چاپ رسید، سیلوی پدر خود را به باد انتقاد گرفته و ناراضی خود را از پدرش به دلیل فروش حقوق نشر آستریکس که متعلق به خانواده اودرزو است، اعلام کرده بود. در نامه ارائه شده به لوموند آمده است: «قهرمان کتاب مصور فرانسه (اودرزو)، جنگجوی گلی را به رومیان جدید (مردان صنعت و پول) تسلیم کرد.»

فضای داستانی آستریکس در روستایی بی‌نام در منطقه آرموریکای گل در حدود سال‌های ۵۰ پیش از میلاد مسیح می‌گذرد. ژولیوس سزار تقریباً بر تمام سرزمین گل‌ها غلبه و همه آن را ضمیمه امپراطوری روم کبیر کرده است. با این وجود تنها روستایی در آرموریکا وجود دارد که

«ابلیکس» دست به ماجراهای گوناگونی می‌زند. در برخی موارد، قهرمانان داستان مجبور به انجام سفرهایی به کشورهای مختلف دنیا می‌شوند و برخی دیگر از ماجراهای این مجموعه در دهکده آنها و اطراف آن اتفاق می‌افتند.

آستریکس یکی از مشهورترین داستان‌های خنده‌دار فرانسوی - بلژیکی در جهان محسوب می‌شود، به طوری که ماجراهای آنها تاکنون به بیش از صد زبان در دنیا ترجمه شده‌اند و در اکثر کشورهای اروپایی شهرت فراوانی دارند. با این وجود داستان‌های «آستریکس و ابلیکس» در آمریکا و ژاپن از شهرت نسبی کمتری برخوردارند.

موفقیات ماجراهای «آستریکس و ابلیکس» منجر به ساخت یازده فیلم اقتباسی، هشت انیمیشن و سه اجرای زنده از داستان‌های گوناگون این مجموعه شده است. علاوه بر آن، چندین بازی رایانه‌ای با تمرکز بر آستریکس و ابلیکس طراحی و ساخته شده و در پاریس نیز پارکی با موضوع آستریکس و ماجراهای سلسله‌وار او ساخته شده است.

تاکنون بیش از ۳۲۵ میلیون نسخه از ۳۳ داستان چاپ شده پیشین آستریکس و ابلیکس در جهان به فروش رفته است؛ آماري که برای طراحان و قصه‌پردازان فرانسوی، رنه گوجینی و آلبر اودرزو، موفقیتی رویایی و بی‌نظیر محسوب می‌شود.

پیش از خلق داستان آستریکس و ابلیکس، اودرزو و گوجینی با ارائه مجموعه داستانی «اوپا - پا» که در مجله «تن‌تن» به چاپ می‌رسید، موفقیتی نسبی کسب کرده بودند، اما پس از آن، در ۲۹ اکتبر ۱۹۵۹ نخستین داستان «آستریکس» را در مجله پیلوت به چاپ رساندند و در سال ۱۹۶۱ اولین کتاب این مجموعه داستانی به نام «آستریکس گلی» را منتشر کردند. پس از آن تقریباً به طور سالانه کتابی از ماجراهای آستریکس به چاپ می‌رسید. از میان آثار مجموعه داستان «آستریکس و ابلیکس» از شماره

بازگشت قهرمانان فرانسوی

خالد کارون

«آستریکس» و «ابلیکس» نام دو قهرمان اصلی مجموعه‌ای از داستان‌های سلسله‌واری‌اند که نخستین شماره از این مجموعه در سال ۱۹۵۹ توسط «آلبر اودرزو» و «رنه گوجینی» در مجله پیلوت به چاپ رسید و تا سال ۲۰۰۸ سی و سه شماره از این مجموعه داستانی منتشر شدند.

امسال پس از گذشت پنجاه سال، سی و چهارمین شماره داستانی ماجراهای قهرمانان نژاد گل فرانسوی به نام «تولد آستریکس و ابلیکس» توسط «اودرزو» بدون همراهی یار قدیمی فقیدش روانه بازار شد.

پیش از مرگ رنه گوجینی در سال ۱۹۷۷ طراحی و تصویرسازی داستان‌های آستریکس و ابلیکس بر عهده آلبر اودرزو و قصه‌پردازی آن توسط رنه گوجینی صورت می‌گرفت، اما در داستان جدید، علاوه بر تصویرسازی این داستان مصور، قصه آن نیز از آن اودرزو است.

«ماجراهای آستریکس و ابلیکس» حول محور داستان رویارویی اهالی روستایی از ساکنان قدیمی نژاد گل (نژاد اصیل فرانسوی) در برابر هجوم و اشغال امپراتوری روم روایت می‌شود. عامل موفقیت و مقاومت قهرمانان این داستان نیز شرتی جادویی است که به آنها قدرتی مافوق بشری می‌دهد.

آستریکس قهرمان اصلی داستان است و همراه با دوست چاق خود

آن شرکت کنند تا ارزش فرهنگی خود را در جامعه پیدا کنند. در این برنامه ها باید چند نمونه از مقاله های منتخب که برای مخاطب جذابیت دارد به بحث و گفت و گو گذاشته شوند تا فضای کسالت آور این برنامه ها تغییر کند.»

سید احمد نادمی، داور حوزه شعر، شیوه برگزاری این جشنواره را ضعیف برمی شمرد و می گوید: «متولیان این جشنواره باید دفتری را برای برنامه ریزی کارها در نظر بگیرند تا فراخوان جشنواره ها در اختیار منتقدان قرار گیرد. در آثار ارسالی این دوره، بیشتر مقاله ها به جای نقد یک اثر ادبی، بر کتاب ها موری داشتند و کمتر اثر ارزشمندی در میان آنها دیده می شد، در حالی که نقد ادبی توانسته طی سال های گذشته جایگاه خود را پیدا کند به طوری که در نشریات دانشگاهی و نقدهای آکادمیک شاهد آثار برجسته ای هستیم که متأسفانه در داوری این جشنواره حضور نداشتند.»

نقد، دریچه ای عقلانی بر آثار علمی و پژوهشی است که هرچه دقت در آن بیشتر باشد، صحت و سقم یک اثر بیشتر است. نوشتن نقد درباره مقالات و کتاب های محققان و نویسندگان، گامی بزرگ در تحول ابعاد فرهنگی کشور است، چرا که پذیرش نقد در جامعه تا چندی پیش ممکن نبود. سید صادق سجادی با اشاره به این جایگاه نوپدید در عرصه فرهنگ کشور می گوید: «برگزاری جشنواره نقد این ظرفیت را افزایش می دهد، زیرا بسیاری از افراد جامعه ظرفیت پذیرش نقد را ندارند و آن را به دشمنی تعبیر می کنند، در حالی که در بسیاری از کشورها، نقد به عنوان راهی برای تکمیل یک اثر ارزشمند تلقی می شود. برگزاری جشنواره نقد از سوی خانه کتاب توانسته این جایگاه ارزشی فرهنگی را به خوبی مطرح کند، به نحوی که طی چند سال اخیر، این تغییرات در مقاله ها دیده شده و تقابل با نقد تا حد زیادی تعدیل شده است. ارائه مقاله های پژوهشی و تحقیقی قوی در تمام زمینه های علوم، نشان از رشد سطح علمی یک کشور است که نقد این آثار توسط متخصصان می تواند به بار علمی این آثار بیفزاید.»

برگزاری جشنواره های نقد بسیار بارز است؛ اتفاقی که در سال های اخیر شاهد وقوع آن هستیم و منتقدان ادبی، جایگاهی قابل توجه در فرهنگ رسمی کشور را به چشم می بینند. سید احمد نادمی داور حوزه شعر با مهم قلمداد کردن این جشنواره می گوید: «این جشنواره، اتفاق خوبی است و اگر شیوه های برگزاری این جشنواره ها بازبینی شوند، به طور حتم، نقد در فرهنگ ما جایگاه جدی تری پیدا می کند.»



شیوه که در این مقاله ها ابتدا باید نویسنده اطلاعاتی راجع به مولف و کتاب ارائه می داد و مقاله را از نظر ساختار و مدخل بندی کامل می کرد و بعد از آن در موضوع و محتوا جمع بندی به عمل می آورد که در بسیاری از آثار مورد ارزیابی قرار داده شده، این ساختارها رعایت نشده بود.»

شیوه های تشویق مفید نیست

عبدالعلی دستغیب در گروه داوران حوزه ادبیات کار را به شیوه شورایی اداره کرد که از نظری وی به کیفیت داوری ها افزود. وی می گوید: «کسانی که برای نقد انتخاب شده بودند، با علاقه این کار را انجام می دادند و اگر کسی به داوری انتقادی داشت، مقاله مجدداً خوانده و با مشورت گروه تصمیم گرفته می شد و به آن امتیاز تعلق می گرفت مقاله و امتیازات دیگر داوران نزدیک به هم بود.»

عبدالعلی دستغیب تشویق و تقدیر از این افراد را انگیزه ای برای بهبود کار محققان عنوان می کند و می گوید: «مبلغی که برای تقدیر این افراد در نظر گرفته می شود، اندک است، در حالی که باید از نویسندگان پشتیبانی مالی شود و مردم یا دولت به عنوان حامیان از آثار آنها حمایت کنند. متأسفانه در جامعه ما مردم علاقه چندانی به مطالعه کتاب ندارند و اندیشه استقبال از مقاله ها و کتاب ها نمی تواند به رونق بازار کتاب بیفزاید. بنابراین سازمان های فرهنگی باید موقعیت کار را برای محققان و نویسندگان تسهیل کنند و جوایزی را به آنها اختصاص دهند که باری از مشکلات آنها بردارد.»

شیوه تقدیر و نحوه برگزاری مراسم به اندازه ساختار علمی یک مقاله از نظر عبدالعلی دستغیب مهم است. او می گوید: «متأسفانه در زمان برگزاری جشنواره ها و اعلام نتایج، افراد اندکی حضور دارند که تعداد این افراد نیز در مقابل جمعیت این شهر بسیار اندک است. این جشنواره ها باید مهم تلقی شوند و مردم و علاقه مندان حوزه کتاب و تحقیق در

طبق نظرات کلی داوران، مقاله های برگزیده انتخاب شدند.»

عبدالله انوار می افزاید: «اگر این شیوه داوری در گروه مقاله های نسخ خطی روی می داد، پیامد بهتری داشت زیرا کتابی که من داوری کردم، تمام چارچوب های ساختاری فیزیکی و علمی را دارا بود ولی نمی دانم چرا داور دیگر آن را حذف کرده است. اگر امکان تبادل نظر در این گروه وجود داشت، اثر برگزیده با صحت بیشتری انتخاب می شد.»

در داوری حوزه کتابداری مانند دیگر حوزه ها ضعف در کار سردبیران و مسوولان مجلات به چشم می خورد.

روح الله مرادی در این مورد می دهد: «بیشتر این مقالات ایرادات ساختاری داشتند و بعضی مواقع از موضوع اصلی دور شده بودند. صاحب نظران این عرصه در هیات تحریریه این مجلات باید اصول نقدنویسی را معرفی و از نظرات دیگران استفاده کنند. به عنوان مثال در مقاله ای که در سال ۱۳۲۴ توسط دکتر فاطمه سیاح (اولین زن ایرانی که در حوزه ادبیات فارسی دکتری این رشته را کسب کرد) سولاتی مطرح شد نظیر این که نقد چیست و ناقد کیست؟ در این مقاله همچنین اصول نقدنویسی آموزش داده شد. در واقع محققان می توانند با بهره مندی از این ایده ها و تجربیات، مقالاتی را بنویسند که از بار علمی برخوردار باشند و بتوانند در چرخه داوری، امتیازی درخور تقدیر کسب کنند.»

مرادی درباره وضعیت آثار ارائه شده ادامه داد: «در آثار ارائه شده همه نوع مقاله وجود داشت و در نقد مقالات کتابداری، مقاله ای برتر شناخته شد که توسط یک غیر کتابدار نوشته شده و از استانداردهای تعریف شده برای یک مقاله برخوردار بود.»

آنچه در نقد این آثار مورد توجه بود به کارگیری ضابطه بود. نورالله مرادی در این باره توضیح می دهد: «برای نقد این آثار ضابطه را در نظر گرفتیم، به این

پیوند دهد که تحقیق آن در گروه حضور افراد مجرب است. مظهر نیا در این باره توضیح می دهد: «با استفاده از استادان مجرب و صاحب کرسی در هر یک از تخصص ها، باید آموزش نقد و افکار را تخصصی کرد، زیرا تولید فکر نیازمند «رادار دانش» است که در پرتو استفاده از این رادار دانش، اطلاعات مورد نیاز گردآوری، عالمانه و هدفمند می شوند و سپس با نقد و ارزیابی جدید منجر به بالندگی و تولید دانش در مرحله بعد خواهند شد.» به این ترتیب، نوآوری و شکوفایی در حوزه های گوناگون نه تنها سطح ذهن را به گستره معنایی آن دربرمی گیرد، بلکه در یک روند آرایش شکلی و محتوایی را ایجاد می کند.»

آنچه در کنار آرایش شکلی و محتوایی بر انتخاب آثار اثرگذار است، اشرف منتقدان بر موضوع نشر است که می تواند داوری ها را تحت تاثیر قرار دهد. مظهر نیا در این باره می گوید: «منتقد باید با اشرف بر سامانه های معرفی و چارچوب های تئوریک درباره موضوعات نقد بر جایگاه برتری برای فهم موضوع برآید و آن را مورد قضاوت قرار دهد و در کنار آن از مرجع شناسی و استنادیابی استفاده کند و موضوع مورد نقد خویش را از مرزهای دانش، فهم و ادراک بگذراند تا بتواند به ارزیابی و قضاوت دست در نقد دست پیدا کند.»

مظهر نیا درباره جشنواره نقد مقالات معتقد است: «جشنواره نقد توانسته گام های قابل قبولی برای رسیدن به اهداف خود بردارد، اما این گام های مقدماتی نیازمند حمایت های فرادستی و پشتیبانی های جامعه علمی کشور است.»

همکاری لازم بود

در حوزه علوم و فنون ۱۰۶ مقاله داوری شدند و از آن میان آنها فقط دو مقاله انتخاب شدند. شیوه داوری این گروه کمی متفاوت تر از گروه های دیگر بود و داوران بدون اطلاع از نظرات یکدیگر رأی ها را صادر کردند.

عبدالله انوار، داور این حوزه در مقاله های نسخ خطی می گوید: «مقالات مربوط نسخه های خطی ارائه شده، در سطح خوبی بودند اما اگر در انتخاب این مقاله ها تبادل افکار وجود داشت، قضاوت بهتر و علمی تر می شد.»

این تبادل افکار در بعضی از گروه ها به اجرا درآمد. دکتر نورالله مرادی داور حوزه کتابداری درباره شیوه داوری خود می گوید: «طبق یک برنامه ریزی، مقاله ها را بین سه داور به عنوان مسوول تقسیم کردیم و بر اساس آن، مقالاتی که توسط هر یک از افراد داوری شدند با ذکر نظر به داور دیگر ارجاع داده می شد تا آنها نیز به همین نحو بر آثار داوری کنند و در پایان

هنوز به دست رومیان نیفتاده و علت آن شربتی جادویی است که جنگجویان این روستا را مقاوم و قدرتمند نگه داشته است.

آستریکس قهرمان اصلی داستان و قهرمان این روستا، به علت هوش بالای خود، در تمام امور مورد اعتماد اهالی آنجاست. طی ماجراهایی که آستریکس به انجام آن دست می زند؛ دوستش ابلیکس او را همراهی می کند، شخصیتی چاق و کم هوش که بسیار قوی است و به علت آن که زمان کودکی در دیگ شربت جادویی افتاده بود، از دیگران قوی تر و نیرومندتر است. دکماتیکس، سگ ابلیکس نیز همواره ابلیکس را همراهی می کند.

امسال در فرانسه جشن پنجاهمین سال تولد آستریکس و ابلیکس مانند دو قهرمان ملی جنگ در نبرد نورماندی، گرمی داشته شد. رومانی از سی و چهارمین داستان از ماجراهای آستریکس در نیمه اکتبر، با برنامه ها و جشن های متعددی در پاریس و سایر مناطق فرانسه همراه بود. در شلوغ ترین میدان ها و خیابان های پاریس نظیر شانزله، کنکور و مارس جشن «آستریکس و ابلیکس» برپا شد.

نمایش های خیابانی، نمایشگاه طرح های آستریکس و ابلیکس، پخش فیلم و نمایش های زنده، از برنامه های این جشن بودند. این جشن با شعار «گل ها، برندگان نبرد لوتس» برگزار شد. لوتس نام منطقه ای در پاریس است که در زمان امپراتوری روم کبیر از مناطق گل - رومنی به شمار می آمد؛ منطقه ای که ترکیب فرهنگی گلی (نژاد فرانسوی) و رومی را در خود جای داده بود. همچنین به مناسبت این جشن بزرگ از تمبر «آستریکس و ابلیکس» رونمایی می شود.

سی و چهارمین آلبوم «آستریکس و ابلیکس» نیز همزمان در ۱۵ کشور با شمارگانی بالغ بر ۳/۵ میلیون نسخه (۷ میلیون به زبان فرانسه) وارد بازار می شود. اودرزو درباره داستان جدید می گوید: «در این آلبوم از تمام کاراکترهایی که در آلبوم های پیشین نقش داشته اند، استفاده کرده ام. هر

یک از شخصیت ها در این مجموعه داستان های کوتاه، به دنبال ایده ای برای دادن کادو یا پیغامی به آستریکس و ابلیکس است.»

به مناسبت پنجاهمین سالگرد تولد مجموعه داستان مصور «آستریکس و ابلیکس» و انتشار «تولد آستریکس و ابلیکس» از سوی دانشگاه «پاریس ۱۳» نشان دکترای افتخار به آلبر اودرزو و نشان دیپلم افتخار به رنه گوچینی، خالقان آستریکس و ابلیکس، اهدا شد.

از آنجا که این مجموعه داستان از آثار برجسته کمیک فرانسوی به شمار می آید در دانشگاه پاریس ۱۳، برنامه ای علمی و تخصصی با عنوان «شوخی طبیعی گل ها» (منظور از گل، نژاد مردم قدیم فرانسه است) برای پرداختن به طنز و شوخی طبیعی مردم فرانسه همراه با برگزاری سمینار و افتتاح نمایشگاه برگزار شد.

آلبر اودرزو در نظر دارد پس از او یکی از هنرمندان خوش ذوق داستان مصور، ماجراهای آستریکس را ادامه دهد و در حال حاضر در نظر دارد آستریکس خود را نزد یکی از دوستان خود به نام زپ (با نام اصلی فیلیپ شاپوی) به ارث بگذارد.

زپ متولد ۱۹۶۷ نام هنرمند سوئسی خالق آلبوم های داستان مصور است که از سال ۱۹۸۸ تا کنون ده ها اثر مصور داستانی به چاپ رسانده است. از آلبوم های داستان مصور زپ تاکنون بیش از ۱۶ میلیون نسخه فروش رفته است.

فرصتی دوباره برای هنرنمایی «ساتریکس»

اودرزو به تازگی برای زنده کردن دوباره دوران گذشته و صحبت درباره آینده آستریکس، فرانسوی اصیل ریزنقش خود، با مجله فیگارو گفت و گویی انجام داده است. پس از گذشت پنجاه سال از عمر آستریکس و برگزاری جشن تولد او در نقاط مختلف فرانسه، اودرزو چه احساسی می کند؟ آیا از گذشت پنجاه سال از عمر قهرمان و شهرت جهانی آن به

خود مغرور است، یا از عمر گذشته غمگین و دلگیر است؟ آستریکس و ابلیکس طی این دوره پنجاه ساله به طور حتم از لحاظ ویژگی های طراحی تغییر کرده اند، چرا که آنها در دوره ای به طور شتابزده زاده شده بودند و اودرزو در آن دوره زمان کافی نداشت تا آن طور که در نظر دارد، به ظرافت ها و ویژگی های کاراکترهای داستان خود بپردازد. با این وجود قهرمانان داستان از لحاظ ویژگی های اخلاقی و روانی و چپش و روابط داستانی تغییر خاصی نکرده اند. چرا که خوانندگان اثر آن را نمی پذیرند. حتی اگر شخصیت خاصی در داستان گهگاه اهمیت خاصی پیدا کند که پیش از آن نداشته است، هر کس نقش خود را دارد و باید در نقش خود باقی بماند.

از طرفی آلبر و رنه در طراحی شخصیت های این داستان هرگز مخاطبان خارجی را در نظر نداشتند و تنها تمرکزشان بر مخاطب فرانسوی بود.

اما اودرزو درباره تصمیمی که به تازگی گرفته و با ادامه داستان آستریکس پس از مرگش موافقت کرده است، اعتقاد دارد آستریکس دیگر به او تعلق ندارد و متعلق به خوانندگان اوست.

اودرزو پیش از آن که خود را به چنین تصمیمی متقاعد کند، قصد داشت مانند هرزه که پس از مرگش داستان های تن تن متوقف شدند، داستان های آستریکس نیز به پایان برسند، اما بالاخره قبول کرد به استعداد های ناب و خلاق در زمینه داستان مصور فرصتی دهد تا مانند داستان لوک خوش شناس که پس از مرگ مورس نیز ادامه یافت، آستریکس را بار دیگر مهمان آلبوم های مصور داستانی مردم فرانسه، به ویژه کودکان کنند.

او اکنون در میان هنرمندان این عرصه نیز «زپ» را شایسته ترین هنرمند وارث آستریکس می داند. شاید در سال های آینده، آستریکس را بیشتر با نام «زپ» بشناسیم.



حرف های شنیدنی خادمان نشر



دکتر صفی نژاد درباره وضعیت توجه به کتاب در دانشگاه و به ویژه دانشکده جغرافیا می گوید: «ظاهراً کسی دلش برای جغرافیا نمی سوزد. الان در دانشکده جغرافیا سه مجله منتشر می شوند اما هنوز محصول آن به دست نیامده است. جالب اینجاست که من بدون آن که خودم بدانم، عضو هیأت تحریریه یکی از آنها هم بوده ام! اسم خودم را که دیدم، تعجب کردم! این مسائل متأسفانه وجود دارد. باید بگویم که ارتباطات خیلی خوبی به لحاظ علمی برای تولید کتاب های جغرافیا در میان محافل دانشگاهی و ناشران برقرار نیست و این به جریان تولید کتاب لطمه وارد می کند. اخیراً مقاله مبسوطی راجع به جغرافیا در ایران باستان نوشتم اما هرچه فکر کردم این را برای انتشار به کدام مجله بدهم، جایی را نیافتم که شأن آن، اهمیت این مقاله را برتابد. سرانجام آن را در مجله «آیینه میراث» منتشر کردم، در حالی که حقیقت بود در یک مجله خوب جغرافیا منتشر شود.»

یکی از ویژگی های فعالیت های علمی و تالیفات دکتر صفی نژاد آن است که تنها به جغرافیای ایران می پردازد و کشف راز و سرآین جغرافیای غریب همه کوشش او را در چند دهه فعالیت علمی مصروف خود کرده است. وقتی از او درباره این همه عشق به جغرافیای ایران می پرسم، می گوید: «وقتی در رشته جغرافیا تحصیل می کردم، استادانمان در کشورهای مختلفی درس خوانده بودند و به طور مرتب درباره جغرافیای آن سرزمین ها صحبت می کردند. من با خودم می گفتم مگر ما جغرافیا نداریم؟ مگر کشوری با این وسعت موضوع جغرافیایی برای طرح در کلاس درس ندارد؟ پیش خودم عهد کردم که اگر در جغرافیا به جایی رسیدم، همیشه از خودمان بنویسم. نخستین کتابی که نوشتم راجع به جغرافیای انسانی بود که زیربنای همه مباحث آن ایران بود. پس از آن نیز هرچه نوشتم راجع به جغرافیای خودمان نوشتم. تاکنون ۳۰ کتاب در این حوزه منتشر کرده ام و همچنان در حال کار کردن روی همین حوزه ام؛ جغرافیای انسانی ایران.»

به گفته دکتر صفی نژاد، جغرافیا یعنی زندگی مردم و اگر کسی بخواهد با زندگی مردم آشنا شود، باید جغرافیای انسانی بداند به طور مثال ضعف و

یا دنبال موضوعات دیگرند.» البته این پژوهشگر و مولف حوزه جغرافیا با سابقه ای که دارد به خوبی می تواند دلایل این غفلت از جغرافیا را در بازار کتاب رصد کند. او در تشریح دلایل کم رنگ و کم اثر بودن کتاب های حوزه جغرافیا در بازار نشر می گوید: «شاید گزینش های دانشگاه برای رشته جغرافیا اشتباه است و افراد با علاقه وارد این حوزه نمی شوند و به صورت روزمره به این موضوعات نگاه می کنند. من در دانشکده تاریخ دانشگاه تهران «سیاق» تدریس می کنم. دانشجویان رشته تاریخ خیلی فعال اند اما در دانشکده جغرافیا یک استاد، کتاب استاد دیگر را نمی شناسد. شاید بازگو کردن این موارد خیلی مناسب نباشد. مطبوعات را هم که نگاه می کنید، همین ضعف ها را می بینید. به تازگی مجله ای یک شماره ویژه جغرافیا منتشر کرده است اما من هرچه مطالب را نگاه کردم، هیچ یک رنگ و بوی جغرافیا نداشت. اگر هم داشته باشد باید بگویم جغرافیای طبیعی گوی سبقت را از جغرافیای انسانی ربوده است.»

به اعتقاد دکتر صفی نژاد تولید کتاب را باید در دانشگاه ها جست و جو کرد، چرا که خروجی های دانشگاه یافته های علمی شان را به صورت کتاب منتشر می کنند و به ویژه وقتی بحث ذوق و استعداد ذاتی را کنار بگذاریم و بخواهیم درباره یک موضوع علمی و تخصصی اظهار نظر و آن را به صورت کتاب منتشر کنیم، لازم است موضوع مورد بحث بنیان های علمی خوبی داشته باشد که این بنیان های علمی اغلب در دانشگاه ها ایجاد می شوند.»

جواد صفی نژاد: اگر بشنوم کتابی راجع به دره گز چاپ شده آن را تهیه می کنم چون بسیار علاقه مندم که کتاب های مربوط به مناطق مختلف کشور را داشته باشم

آبیاری در ایران به طور عمده در موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران، گروه جغرافیای دانشگاه تهران و نیز دانشگاه علامه طباطبایی پرداخته است. از فعالیت های پژوهشی صفی نژاد طی این سال ها می توان به مطالعات میدانی در میان ترکمن ها و شاهسون ها و مناطقی از کهگیلویه و بویراحمد، سبزی کاری و سبزی کاران شهرری، پیشینه جغرافیایی و تاریخی شمال خراسان، انجام مونوگرافی های متعدد، پژوهش در موضوعاتی چون قنات، بنه، نظام های زراعی، نظام های آبیاری و اسناد عشایری در ایران اشاره کرد. جواد صفی نژاد درباره علاقه خود به تحقیق درباره ایران می گوید: «همه آثار من، تحقیقی اند و در حوزه وطن عزیز ما ایران قرار دارند. من جز به مناطقی روستایی و عشایری، وارد حوزه های دیگر نشدم. در کتابخانه شخصی من، ۹۰ درصد از آثار متعلق به پژوهش های ملی است. مثلاً اگر بشنوم در دره گز کتابی راجع به دره گز چاپ شده آن را تهیه می کنم چون بسیار علاقه مندم که کتاب های مربوط به مناطق مختلف کشور را داشته باشم.»

او شیفته کتاب است و از آثارش می توان به «پهنه جهان» (تلیخیص و بازنویسی کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب از نویسنده ای ناشناخته)، «آبیاری در روستاهای بیابانی کاشان»، «آبیاری سنتی در کاشان»، «گل و گلاب در کاشان»، «اسناد بنه های شهرری (غار و فشافویه)»، «اطلس ایلات کهگیلویه»، «بررسی اقتصادی و اجتماعی سی سخت بویراحمد»، «بنه: نظام های تولید زراعی جمعی»، «قبل و بعد از اصلاحات ارضی»، «طومار دشمن زیاری»، «اسناد زراعی ورامین» و ... اشاره کرد.

بخشی از حرف های دکتر صفی نژاد آمیزه ای از نقدهای دلسوزانه ای است که او به دلیل سال ها فعالیت علمی و پژوهشی در حوزه جغرافیای انسانی و عشق به کتاب و نشر نمی تواند آنها را ناگفته بگذارد. اگر چه او برگزاری آیین هایی چون تجلیل از خادمان نشر را اقدامی سازنده و مؤثر برای توسعه کتابخوانی و تقدیر از کسانی که زندگی شان را وقف کتاب کرده اند می داند، اما نسبت به تغییر مدیریت در حوزه کتاب انتقاد می کند و می گوید: «تغییر مدیران و برنامه ها بر حوزه کتاب کیفیت آثار و برنامه ها تأثیر منفی می گذارد. به اعتقاد من باید برنامه های بلند مدت برای توسعه نشر، تولید کتاب و ورود جامعه به حوزه کتاب و کتابخوانی تدوین شوند و مدیران کارآمد در رأس این برنامه ها ثابت کافی داشته باشند تا این برنامه ها به نتیجه مطلوب برسند.»

وی پس از این، اشاره کلی به مقوله تولید کتاب و سیاست های نشر به حوزه تخصصی فعالیت های علمی خود باز می گردد و می گوید: «متأسفانه رشته تخصصی ما در بخش تولید کتاب بسیار مظلوم واقع شده است. وقتی شما به ادبیات نگاه می کنید، می بینید سهم عمده تولید کتاب به این حوزه اختصاص پیدا کرده است، اما وقتی به کتاب های جغرافیا نگاه می کنید، می بینید اوضاع انتشار کتاب در این حوزه اصلاً خوب نیست. یا از ابتدا ضعیف بوده است یا استادان توانمند از میدان بیرون رفته اند. به طور مثال کتاب های تاریخ و جغرافیا را که نگاه می کنید، می بینید اغلب مباحث تاریخی در آنها منعکس شده اند و کمتر به جغرافیا توجه شده است. متأسفانه استادان جغرافیا اغلب فعال نیستند

هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با تقدیر از پدید آورندگان کتاب، خادمان نشر و شایستگیان کتاب سال ۸۸، برگزاری چهارمین دوره جشنواره کتاب برتر، تشکیل نشست چالش ها و رهیافت های پدید آورندگان و ناشران در حوزه نشر، رونمایی از چهارمین کتاب سال تصویرگران و برپایی جشن شب تصویرگران کتاب، آغاز شده است.

تجلیل از خادمان نشر نیز از جمله برنامه های پیش بینی شده در هفدهمین دوره هفته کتاب اعلام شده است.

در برگزاری این آیین، دفتر مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد، جهاد دانشگاهی، انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان، انجمن تصویرگران کتاب کودک، انجمن فرهنگی ناشران آموزشی، موسسه خانه کتاب و دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها مشارکت دارند.

در این گزارش ضمن معرفی خادمان برگزیده نشر در هفدهمین دوره هفته کتاب، به فعالیت های حرفه ای سه تن از آنها که در حوزه هایی مهجور اما بنیادی با کتاب انس گرفته اند، پرداخته ایم.

ثبات مدیران تضمین توسعه نشر

دکتر جواد صفی نژاد، مولف برتر حوزه جغرافیا، نهم شهریور ۱۳۰۸ شمسی در شهرری متولد شد، در همان شهر تحصیلات خود را به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافیای دانشگاه تهران



پذیرفته شد. او در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی، در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. در سال ۱۳۴۰ بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهرری دریافت کرد. وی در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روز افزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری، بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را به طور مستقل پایه گذاری کردند. با آغاز این کار بخش مطالعه میدانی گروه به قلمرو ترکمن ها و سپس مناطق عشایر نشین شاهسون گسترش یافت. از سال ۱۳۴۶ پژوهش های عشایری استاد گسترش یافت. از سال ۱۳۴۶ پژوهش های عشایری استاد صفی نژاد در قلمروی کهگیلویه و بویراحمد آغاز شد که تا امروز ادامه دارد. وی در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) مدت یک سال به همکاری با موسسه شرق شناسی دانشگاه مونیخ آلمان در بخش ایران شناسی پرداخت و در آن دانشگاه تدریس کرد. حاصل این امر اثری است با همکاری کامران هاشمی که مجموعه ای از ۶۰ سند تاریخی درباره کشاورزی سنتی ایران را شامل می شود.

جواد صفی نژاد تاکنون به تدریس دروسی نظیر مبانی جغرافیای انسانی، جامعه شناسی ایلات و عشایر، مردم شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر، زمینه ها و شیوه های همیاری، مسائل کوچ نشینی، انسان و محیط، منابع و مآخذ جغرافیا و نظام های



گزارشی از مراسم سومین دوره جایزه گام اول

غرور ممنوع، استحکام لازم!

مرتضی قدیمی: هفته گذشته در آستانه برگزاری هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، سه رویداد فرهنگی قابل توجه مرتبط با کتاب و کتابخوانی در غرب کشور اجرا شد که هر یک از این برنامه‌ها سرآغازی بر شکل‌گیری رخدادهای و اتفاقات هفته کتاب شدند. برگزاری نمایشگاه‌های کتاب کرمانشاه و ایلام و برپایی سومین دوره جایزه گام اول در ارومیه، مرکز آذربایجان غربی، برنامه‌هایی بودند که توسط موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و خانه کتاب و با همت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شکل گرفتند.

جایزه گام اول که پرونده سومین دوره آن، هفدهم آبان‌ماه جاری بسته شد تا مقدمات شکل‌گیری چهارمین دوره آن در یکی دیگر از استان‌های کشور فراهم شود، اولین قدم آن در استان اردبیل برداشته و دومین دوره آن سال گذشته در بندرعباس برپا شد. برگزاری اختتامیه نخستین دوره جایزه گام اول در اردبیل به علت حضور مرحوم سیدرضا سید حسینی بسیار پرخاطره شد، به ویژه آنجا که همه گرد مولف کتاب «مکتب‌های ادبی» جمع شدند تا عکس یادگاری بگیرند. جایزه گام اول که در آن موسسه خانه کتاب جوایزی را برای گسترش، ارتقا و تعمیق فرهنگ مکتوب و شناسایی، معرفی و تشویق نویقلمان که اولین کتاب خود را منتشر کرده‌اند، اهدا می‌کند، پس از سه دوره شکل‌گیری توانسته جایگاه قابل توجهی بین نویقلمان و ناشران پیدا کند، زیرا باعث تشویق نویقلمان و مطرح شدن نام آنها در بین دیگر نویسندگان کشور شده و از طرف دیگر طرح نام نویسنده گام اولی و کتاب او بر معرفی بیشتر ناشر نیز موثر بوده است.

در سومین دوره جایزه گام اول ۱۷۶۶ اثر چاپ اول در حوزه‌های شعر بزرگسال، داستان بزرگسال، شعر کودک و نوجوان و داستان کودک و نوجوان ارزیابی و داوری شدند که پس از دو مرحله داوری، در حوزه داستان بزرگسال، کتاب «مرگ همین گوشه کنارهاست» اثر کیومرث مسعودی برگزیده شد و در حوزه شعر بزرگسال کتاب «طوفان و آژه‌ها» اثر حمیدرضا برقعی به عنوان برگزیده شعر کلاسیک و کتاب «دالان حاج مختار پلاک ۹» اثر مجید سعدآبادی فراهانی به عنوان برگزیده شعر سپید معرفی شدند.

در حوزه داستان نوجوان برگزیده‌ای وجود نداشت و دو کتاب «میهمانی از صحرا» اثر سعیده محمدزکی گوردزی و «سیا سیا در شهر مارمولک‌ها» اثر سیدامین حسینیون به طور مشترک تقدیر شدند. حوزه داستان کودک نیز کتاب برگزیده‌ای نداشت و دو اثر «روزی که جواب آزمایش مثبت بود» اثر سهیلا شمس‌اللهی و «کلاغ خنزر پنزری» اثر سروناز پریشانزاده به طور مشترک تقدیر شدند.

شایسته تقدیر شناخته‌نشده، در مراسم اختتامیه این دوره از جایزه گام اول که در سالن شمس مجتمع فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی برگزار شد، دکتر محسن پرویز معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتقاد از برخی جوایز ادبی که هویت آنها مشخص نیستند، گفت: دولت به نمایندگی از کل جامعه فرهنگی از جوایز ادبی حمایت می‌کند. معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنانش گفت: «ما دو نوع جایزه در کشور داریم، جوایز ملی نظیر جایزه گام اول، کتاب سال و کتاب فصل که با آیین‌نامه مشخص تمام کتاب‌های حوزه مورد نظر را بررسی می‌کنند و نوع دیگری از جوایز که هویت مشخص ندارند و تنها به چند نفر محدود می‌شوند که جمع می‌شوند و با سلیقه خاص کتاب انتخاب می‌کنند. باید بدانیم اندازه این نوع جوایز سلیقه‌ای به اندازه همان چند نفر است و نباید آن را با جوایز ملی مقایسه کرد.»

دکتر پرویز در بخش دیگری از سخنانش گفت: «اهدای جایزه گام اول سبب می‌شود نویسندگانی که گام اول را خوب برداشته‌اند و توانسته‌اند آثاری شایسته خلق کنند، قدم‌های بعدی خود را مستحکم‌تر بردارند.» در این مراسم علی شجاعی صائین مدیرعامل خانه کتاب نیز با اشاره به نگاه ویژه‌ای که درباره گام اول وجود دارد، گفت: «این جایزه از یک حادثه خبر می‌دهد که آن معرفی یک قلم و اندیشه جدید است، شاید هم این که شاعر یا داستان‌نویس بزرگ در حال تکامل است تا نام ایران را پرآوازه کند.»

وی افزود: «درست است که جایزه گام اول و وسعت جوایزی نظیر کتاب سال را ندارد اما لطافت و شیرینی خاصی دارد به ویژه این که در استان‌های مختلف برگزار می‌شود و نویسندگان جوان را امیدوار می‌کند. همچنین چهره‌های جدید جامعه ادبی ایران در سایه برگزاری آن، معرفی می‌شوند.»

جواد محقق، دبیر علمی جایزه گام اول نیز در این مراسم ضمن تقدیر از تمام دست‌اندرکاران برگزاری این جایزه گفت: «توجه همزمان به ناشر و مولف تلاش برای نزدیکی این دو گروه به یکدیگر است که این از ابداعات گام اول است.» محقق ادامه داد: «تنها توصیه‌ام به برگزیدگان گام اول این است که نگذارند این جایزه سبب غرور آنها شود.»

در این مراسم حجت‌الاسلام کریمی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی هم پس از بیان مطالبی درباره کتاب و کتابخوانی و توسعه فرهنگ مطالعه، گفت: «امیدوارم شکل‌گیری سومین دوره جایزه گام اول در ارومیه، شروعی برای برگزاری دیگر برنامه‌های فرهنگی در این خطه از کشور باشد.»

می‌کنند. در فهرست نویسی نسخه‌های خطی، یکی از مهم‌ترین مشکلات، وجود نسخه‌های مجهول است؛ نسخه‌هایی که از اول و آخرش افتاده است.

آنها که تخصص و تشخیص صحیح نام کتاب را ندارند، این نسخه‌ها را با نام نسخه‌های مجهول ثبت می‌کنند و بعد می‌بینید یک فهرست پر شده از نسخه‌های مجهول و برای اهل فن مشخص است که این موضوع به ناتوانی فهرست‌نگار در ثبت درست نسخ برمی‌گردد.»

ابوالفضل حافظیان که در ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه قم شده و از ۲۳ سالگی فهرست‌نگاری را به عنوان حرفه تخصصی دنبال می‌کند، درباره آیین تجلیل از خادمان نشر می‌گوید: «به نظر من این کار حرکت بسیار خوبی است. عده‌ای عمر خود را در خدمت به کتاب صرف کرده‌اند و این اقدام باعث دلگرمی آنها و تشویق دیگران خواهد بود.»

تجلیل از خادمان نشر دلگرم‌کننده است

علیرضا کمره‌ای، از برگزیدگان آیین تجلیل از خادمان نشر و مولف برتر در حوزه تاریخ شفاهی نیز درباره اهمیت تاریخ شفاهی و جایگاه علمی آن در ایران و جهان می‌گوید: «بخش وسیعی از مطالعات علمی تاریخ شفاهی در خارج از کشور انجام شده و ما در این محبت مبتدی هستیم و گام‌های نخست را بر می‌داریم.»



وی با اشاره به برخی آثار نویسندگان غربی در حوزه تاریخ شفاهی تأکید می‌کند: «نیاز داریم این مباحث را بخوانیم، بیابیم و البته در آنچه آنها گفتند نمایم و به تناسب اقتضائات فرهنگی و نیازهایمان از آن بهره‌برداری کنیم. به نظر من ممکنات مطالعات نظری و علمی درباره تاریخ شفاهی وجود دارد اما این ممکنات بالفعل نشده‌اند.»

این پژوهشگر، موضوع یابی در قلمروی عمل در تاریخ شفاهی را مورد توجه قرار داده و می‌افزاید: «ما نیازمند مطالعات جدی و داشتن چشم و گوش حساس تاریخی‌ایم. تقریباً دو دهه است که ما با مباحث خاطره‌شناسی و تاریخ شفاهی تحت تأثیر دو واقعه انقلاب و جنگ تحمیلی آشنا شده‌ایم و آشنایی ما با این مسائل، اغلب براساس بن‌مایه‌های دینی، اعتقادی، ادبی و احساسی بوده است تاجنبه‌های شناختی - تاریخی.»

وی با بیان این‌که، اگر چه یاد (خاطره) هسته اولیه تاریخ شفاهی است، اما خاطره تا تاریخ شفاهی بسیار فاصله دارد، می‌گوید: «ما به موضوع شناسی نیاز داریم و درباره ما موضوعات فراوانی در قلمرو تاریخ شفاهی وجود دارد که از شدت تنوع و فراوانی و نزدیکی به چشم، از آنها غافلیم.»

وی مباحث انقلاب و جنگ را تنها موضوعات مطرح شده در تاریخ شفاهی نمی‌داند و از اهمیت مسائلی که با ورود دنیای مدرن به ایران اتفاق افتاد، غافل نیست. او در توضیح این موضوع می‌گوید: «به طور مثال اجرای اصلاحات ارضی در ایران بافت جمعیتی ایران را به هم زد و زیرمایه‌های اقتصادی را عوض کرد و به تدریج جریان روستامحوری به شهرگرایی مصنوعی تبدیل شد که اگر این مسأله در تاریخ شفاهی مطالعه شود، ریشه بسیاری از مشکلات فعلی را می‌توان بررسی کرد.»

کمره‌ای، چگونگی عمل در تاریخ شفاهی و سازوکار نهادها و افرادی که به این موضوع ورود دارند را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید: «لازم است ببینیم در این بیست و اندی سال چه کار کرده‌ایم و ببینیم چقدر این تولیدات از مصاحبه، تدوین و ... دارای بن‌مایه‌های درست نظری و علمی‌اند و به جنبه‌های نقادانه رجوع کرده و از احساسات و عواطف دست بکشیم. تاریخ شفاهی در بن‌مایه‌های وجودی خود نوعی اعراض از تاریخ، وضع رسمی و بفرموده و تک‌صدایی است به همین دلیل ما به نگاه‌های متعدد و متفاوت نیاز داریم و هنر خوب شنیدن و درست پرسیدن را باید یاد بگیریم.»

قوت ما در زندگی روستایی و کشاورزی ایران به میزان توجه ما به مباحث جغرافیای انسانی بستگی دارد.

کم و کسرهای کتاب در حوزه فهرست‌نگاری
ابوالفضل حافظیان بابلی فهرست‌نویس برگزیده درباره وضعیت نشر فهرست‌ها و فهرست‌نگاری می‌گوید: «حدود هفت هزار عنوان فهرست مخطوطات به صورت کتاب یا مقاله در دنیا چاپ و منتشر شده است تا آنجا که عده‌ای به این فکر افتادند فهرست فهرست‌ها را بنویسند تا نشانه این فهرست‌نگاری‌ها از بین نرود. جالب اینجاست که ۱۰ درصد از کل این فهرست‌ها در ایران نوشته شده‌اند.» وی سپس به مشکلاتی که در راه فهرست‌نگاری وجود دارد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «مهم‌ترین مسأله این است که معمولاً فهرست‌ها با شمارگان پایین منتشر می‌شوند. به طور مثال آخرین فهرستی که من تدوین کرده‌ام، جلد سی‌ام فهرست کتاب‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که یک سال برای تهیه آن زمان صرف شد. شمارگان این فهرست تنها ۳۰۰ نسخه است و با توزیع نامناسبی که دارد، به دست کسی هم نمی‌رسد! در حالی که ما برای کارهای علمی و پژوهشی به فهرست‌ها نیاز داریم. فهرست‌هایی که در بقیه نقاط جهان نوشته می‌شوند، قابل دسترسی نیستند و اگر بتوان به آن دسترسی پیدا کرد، باید هزینه سنگینی برای آن پرداخت. به تازگی من فهرستی را که در لبنان نوشته شده بود به قیمت ۷۵ دلار خریدم. متأسفانه فهرست‌ها در کتابخانه‌های ماجایگاهی ندارند و هیچ کتابخانه‌ای جز کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی نیست که همه فهرست‌ها را برای استفاده محققان در اختیار آنها بگذارد.»

موضوع دیگری که در فهرست‌نگاری وجود دارد، این که فهرست‌های زیادی وجود دارند که به چاپ نمی‌رسد. در طول ۱۰ سال گذشته من بیش از ۱۰ جلد فهرست نوشته‌ام ولی جایی نیست که آن را منتشر کند. کتابخانه‌ای مثل کتابخانه آیت‌الله صافی گلپایگانی تنها ۱۰ هزار نسخه خطی دارد به همین دلیل دو سال زمان صرف شد تا تمام این نسخ فهرست‌نگاری شدند اما چاپ و منتشر نشده است هر چند بقیه کتابخانه‌ها هم همین‌طورند.»

این برگزیده جشنواره خادمان نشر به موضوع دیگری نیز اشاره می‌کند که سازوکار نشر برای حل آن باید راه‌های تازه‌ای پیدا کند. حافظیان درباره فهرست‌های کوچکی می‌گوید: «برخی فهرست‌ها حجم اندکی دارند و در حد یک کتاب نیستند و شاید در حد یک مقاله باشند که متأسفانه شیوه‌ای برای انتشار آن وجود ندارد. به این ترتیب خود فهرست‌ها نیز در معرض تهدید قرار دارند از این رو باید برای حفظ این فهرست‌ها که تلاش بسیاری صرف تهیه آنها شده است، تمهیدی اندیشید.»

این فهرست‌نگار به تازگی مجموعه‌ای از فهرست‌نگاری‌های خود را که هر یک در اندازه یک مقاله‌اند، به صورت یک مجموعه تدوین و نام «نسخه پژوهی» را بر آنها گذاشته است. چندی پیش سه جلد از این مجموعه منتشر شد که حاوی فهرست یازده هزار نسخه خطی است. به اعتقاد حافظیان، فهرست نویسی حلقه اتصال میراث علمی و محققان است و آشنایی پژوهشگران با کتاب‌های گمنام از طریق فهرست‌ها میسر می‌شود. از سوی دیگر، فهرست نویسی گامی در جهت حفاظت فیزیکی از نسخه‌هایی است که تاکنون کسی از وجود آنها اطلاع نداشته است.

حافظیان درباره فضای حرفه‌ای حاکم بر جریان فهرست‌نویسی نیز معتقد است: «اهمیت فهرست‌نویسی بر همه محققان آشکار است، اما فهرست‌نگار موفق کسی است که با رجال و تراجم و علوم اسلامی آشنا باشد. متأسفانه گروهی وارد این کار می‌شوند که آشنایی کاملی با زبان عربی ندارند و نمی‌توانند نسخه‌ها را از هم تشخیص دهند یا به دلیل احاطه نداشتن بر علوم اسلامی و انسانی و نشناختن کتاب‌های این حوزه نسخه‌ها را اشتباه می‌نویسند مثلاً کتاب حوزه فلسفه را به عنوان کتاب منطق ثبت



نگاهی اجمالی به کتاب «ورای نمودها و نمادها»

ضرورت پابندی همگانی به حفظ مصالح ملی

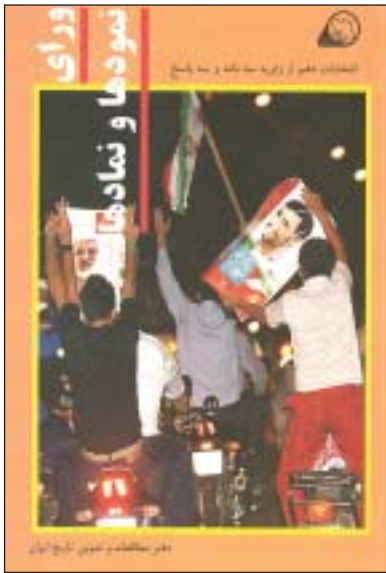
داخلی نیز می‌دانند که برای تقویت اقتدار کشور در برابر بیگانگان در این عرصه خطیر به چه باید‌ها و نباید‌هایی باید پایبند باشند. آرزوی همه دلسوزان این مرز و بوم آن است که فرهنگ رقابت سیاسی در میان احزاب و گروه‌ها به نوعی تقویت شود که کمترین آسیبی به مصالح ملی وارد نیاید. ملت ایران قبل از انتخابات با وجود بازتر شدن فضای رقابت، نشان داد که از ظرفیت بالایی در این عرصه برخوردار است. نیروهای طرفدار هریک از نامزدهای ریاست جمهوری در روزهای پراشتاب تبلیغات انتخاباتی، در کمال نظم و انضباط تا پاسی از شب به بحث‌های سیاسی پرداختند. اما هرگز شاهد قانون شکنی نبودیم. اما با مشخص شدن نتیجه انتخابات فضای سیاسی جامعه بر هم خورد...»

کتاب حاضر، دربردارنده سه نامه و پاسخ به آنها درباره انتخابات دهم است. «نقد و بررسی نامه هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری» عنوان بخش اول این نامه‌هاست که حاوی متن نامه هاشمی رفسنجانی، پاسخ به نامه وی، جوابیه دفتر هاشمی رفسنجانی و توضیحات به جوابیه دفتر توسط عباس سلیمی نمین است.

«نقد و بررسی نامه میرحسین موسوی به شورای نگهبان (در تاریخ ۳۰ خرداد ۸۸) عنوان بخش دوم این کتاب است که متن نامه میرحسین موسوی به انضمام نقد و بررسی آن با عنوان «چند کلام با میرحسین موسوی» توسط مسعود رضایی تنظیم و به چاپ رسیده است.

سومین بخش این مجموعه «نقد و بررسی سخنرانی محسن کدیور» نام دارد که دربردارنده «متن سخنرانی محسن کدیور» است که در تاریخ هفتم تیر ۸۸ در شهر تورتوتی کانادا ایراد شده و توسط مسعود رضایی، سخنرانی وی با عنوان «چند کلام با محسن کدیور» نقد و بررسی شده است.

چاپ سوم کتاب «ورای نمودها و نمادها» در شمارگان هزار نسخه در ۱۳۶ صفحه و با بهای ۲۰۰۰ تومان راهی بازار نشر شده است.



نمی‌تواند توجیه‌گر شکستن مرزبندی‌ها با بازوهای رسانه‌ای کشورهایی باشد که به طور رسمی از براندازی دولت ایران سخن می‌گویند. البته در این جا منظور رسانه‌های ملی کشورهای غربی نیستند؛ بلکه تاکید بر رسانه‌های فارسی زبان است که تنها برای دخالت در امور داخلی ایران راه اندازی شده‌اند... رقابت‌ها هرگز نباید موجب تضعیف وحدت ملی شوند. معارضان خارجی استقلال ایران به خوبی واقفند که نظام جمهوری اسلامی کاملاً متکی به رأی مردم است و رهبری محور اعتماد مردم در انسجام و وحدت اقشار جامعه به شمار می‌آید. رسانه‌هایی چون «بی‌بی‌سی» می‌دانند که به علت قدرتمند بودن این مناسبات در جامعه نمی‌توانند گذشته خود را در ایران احیا کنند حتی با تمسک به شیوه‌هایی که در سال ۱۳۳۲ آنها را قادر ساخت به حکومت ملی پایان دهند.

از دیدگاه نویسنده اثر، همه جریان‌های سیاسی

خاصی برخوردار شده است؛ زیرا در این زمینه علاوه بر تلاش‌های سویه ساز، جنگ روانی سنگینی را نیز علیه جمهوری اسلامی ایران شاهدیم. هر چند فضای سیاسی در جریان رقابت‌های انتخاباتی این دوره یک گام بلند به جلو برداشت، اما به زعم مخالفان استقلال این مرز و بوم، اختلافات داخلی فرصت مغتنمی برای آنان فراهم ساخته است. ایران جوان تا قبل از انتخابات دهم ریاست جمهوری به اعتراف دوست و دشمن، با سختی‌های کمتری روند تکاملی چشم‌گیری را جهت توسعه سیاسی و تعالی فرهنگ سیاسی طی کرده بود، اما در رقابت انتخاباتی اخیر، این روند دچار گردبادی سهمگین شد. این که هر یک از جریان‌های سیاسی چه سهمی در بروز خطاهایی داشتند که مرزبندی‌ها را به ویژه میان نیروهای سیاسی داخلی و بیگانه در هم ریخت، موضوع بحث این اثر نیست. در این مختصر، تاکید ما بر آن است که در شرایط ویژه‌ای همچون شرایط بعد از انتخابات دهم برای تشخیص حقیقت، می‌بایست اولاً از قطعی تصور کردن اظهارات غیر مستند به‌طور جدی اجتناب کرد، ثانیاً بهترین راه دستیابی به حقیقت، انعکاس اظهار نظرهای معارض با یکدیگر است؛ لذا در کتابی که تقدیم می‌شود ابتدا استدلال‌های شاخص داخلی که به روند انتخابات (قبل و بعد از رأی‌گیری) معترض بودند انعکاس می‌یابد و سپس به نقد آنها می‌پردازیم.

به عقیده نویسنده، در فضای بعد از انتخابات، آنچه سخن گفتن نیروهای داخلی را با یکدیگر دشوار کرد، مشروعیت دادن به رسانه‌های وابسته به بیگانه بود. به طور قطع، اگر برخی سیاستمداران برای تقویت مواضع خویش گسترش دایره رقابت سیاسی داخلی را به خارج کشور مجاز نمی‌پنداشتند، یافتن زبان مفاهمه مشترک بین نیروهای پای‌بند به مصالح ملی بسیار سهل‌تر بود. این که احزاب و گروه‌های داخل کشور با چه انگیزه‌ای در جاده سیاست گام برمی‌دارند، خارج از حیطه مباحث پیگیری شده در این اثر است، اما باید توجه داشت که هیچ بهانه‌ای

کتاب «ورای نمودها و نمادها» اثر مسعود رضایی شریف‌آبادی و عباس سلیمی نمین از سوی دفتر مطالعات و تدوین تاریخ معاصر ایران به چاپ سوم رسید.

این اثر، سعی دارد در قالب بحثی دوسویه، تعقل‌گرایی در فضای احساسی کنونی تقویت شود. لذا مهم‌ترین استدلال‌های منتقدان به روند انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری به قلم خودشان بدون کم و کاست آورده شده و سپس نویسندگان کتاب، در مقام کندوکاو صحت و سقم این ادله برآمده‌اند. رخدادهای ملی در جهت دهی به مجموعه عظیمی که با عنوان «تاریخ» شناخته می‌شود، نقش کلیدی ایفا می‌کنند؛ از همین رو این گونه رویدادهای مهم برای درک کنندگان اهمیت تاریخ در سرنوشت کشش فراوانی ملت‌ها دارند. در حالی که سرمایه‌گذاری‌ها با گرایش‌ها و تمایلات مختلف برای ثبت و ضبط ابعاد وسیع یک رخداد دارای اهمیت، گوهر حقیقت را به شدت در معرض پیرایه‌ها و دخل و تصرف‌ها قرار می‌دهد.

تحولات ایران در چهار دهه اخیر، علاوه بر تأثیرات شگرف آن در سطح ملی، مناسبات کشورهای سلطه‌گر و تحت سلطه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است بنابراین رخدادهای مهم ایران، هم در داخل و هم در خارج با حساسیت بسیار پی گرفته می‌شود. همین اهمیت نیز موجب می‌شود صاحبان قدرت سیاسی در داخل و خارج از کشور با انگیزه‌های گوناگون به ثبت روایات بپردازند و از این طریق، سمت و سوی مطلوب خویش را به رخدادهای مهم بدهند. بدیهی است تأثیرات چنین سرمایه‌گذاری‌هایی تشخیص حقیقت را بسیار دشوار می‌سازد.

عباس سلیمی نمین، مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در مقدمه کتاب حاضر، ضمن با اهمیت خواندن انتخابات دهم ریاست جمهوری در فضای سیاسی کنونی می‌نویسد: «میان رخدادهای این سال‌ها، انتخابات دهم ریاست جمهوری از اهمیت

«مسافر بی توشه» عنوان نمایشنامه‌ای است از نویسنده فرانسوی، «ژان آنوی» که مانند اکثر نمایشنامه‌هایش از تحلیلی موشکافانه در روان‌شناسی بهره می‌برد.

گاستون، شخصیت اصلی این نمایشنامه، در جریان جنگ جهانی اول دچار فراموشی شده است و گذشته خود را به خاطر نمی‌آورد. به پیشنهاد یک روان‌شناس او به خانواده‌هایی که نزدیکان آنها ناپدید شده‌اند معرفی می‌شود. تا شاید به این شکل به هویت گمشده خود نزدیک شود. به زودی مردم که از ثروت قابل توجه گاستون تحت تأثیر حمایت دولت، آگاه شده‌اند، از دور و نزدیک سراغ او می‌آیند تا بتوانند گذشته خود را به یاد آورد. اما بحران اصلی زمانی شکل می‌گیرد که او سابقه‌ای مملو از تباهی اخلاقی را در پیشینه خود می‌یابد. از جمله اعمال وحشیانه‌ای که در قبال دوست خود انجام داده است. گاستون که اکنون روحی شریف و آرام دارد، خود را در دوراهی انتخاب بین واقعیت و رویاهایش می‌بیند که هیچ شباهتی به یکدیگر ندارند.

در حقیقت اصلی‌ترین کشمکش متن در نتیجه همین جدال درونی شکل می‌گیرد. جوهری که «آنوی» پیوسته در مضمون نمایشنامه‌هایش آن را عرضه می‌دارد دوگانگی بین آنچه هست و آنچه باید باشد. گذشته گاستون متعلق به او نیست، بلکه

نگاهی به نمایشنامه «مسافر بی توشه» اثر ژان آنوی

مسافر بی توشه و زندگی یک هنرمند

الهام نامی

اجتماعی و روانی یعنی جنگ است. دوگانگی دیگری در لایه زیرین این پدیده وجود دارد و آن، جامعه قبل و بعد از جنگ است. پرداختن به این مضمون که جهان پس از جنگ، جامعه پیش از آن را بر نمی‌تابد، دستمایه بسیاری از آثار ادبی جهان قرار گرفته است. در اثر آنوی نیز شخصیت اصلی تلاش می‌کند تا همه آنچه از سال‌های پیش از جنگ به همراه دارد، نیمه فراموش شده او فرض شود و همچنان که خود می‌گوید هیچ تمایلی به تداعی خاطرات گذشته‌اش ندارد.

درگذشت گاستون، تجربه‌ای از هر دو جامعه، همچون دو کفه ترازو، که گاه یکی سنگین‌تر از دیگری می‌شود، او را بی‌ثبات می‌کند. گرچه زمانی که او به انتخاب‌نهایی دست می‌زند، به نظر می‌رسد تعادل برای همیشه به او بازمی‌گردد. در حقیقت، با اشاره تیزهوشانه نویسنده که نشان تسلط او به روابط نمادین است، گاستون به خانواده‌ای تعلق می‌گیرد که همه اعضای آن جز پسری خردسال، از بین رفته‌اند. بنابراین نقطه پایانی طرح داستانی، رفتن

بستری است که دیگران برای اعمال غیراخلاقی او فراهم ساخته‌اند. چنانچه برادرش «ژرژرنو» در خلال گفت‌وگو با گاستون، خانواده را مهم‌ترین عامل گستاخی‌های او در گذشته معرفی می‌کند، اما در جنگ و پس از آن، با محو شدن همه چیز از ذهن گاستون، او گویی دوباره متولد می‌شود و این بار خود رسالت شکل دادن به خمیرمایه شخصیت‌اش را به دست می‌گیرد. انتخاب او، در نهایت گزینش همین انسان خودساخته است که با فرار از گذشته‌اش به آن می‌رسد.

گاستون در پایان نمایشنامه خانواده‌ای را که واقعی بودن آنها برایش ثابت شده است، کنار می‌نهد و به دروغ، در جایگاهی معرفی می‌کند که به ذهنیت آرمانی او از خودش شباهت دارد. در حقیقت با دیدن واقعیت رعب‌انگیز وجودش به رویاهای دلچسب خود پناه می‌برد.

اما نویسنده در خلال سامان یافتن این ستیز درونی، تقابل دیگری را نیز مطرح می‌کند و آن پرداختن به یکی از تأثیرگذارترین پدیده‌های

گاستون سراغ آینده‌ای است که در آن کمترین وابستگی به گذشته وجود ندارد. آخرین جمله‌ای که گاستون به خانواده حقیقی خود می‌گوید، رساندن این خبر است که فرزند آنها در همان خندق‌های آلمان دفن شده است و از جانب او به خاطر اعمال زشت گذشته‌اش، طلب بخشش می‌کند.

نمایشنامه «مسافر بی توشه» یا به طور مشخص، ترجمه‌ای از نمایشنامه که در پیش روی ماست همانند بسیاری از آثار هم‌سبک خود به سمت گفت‌وگو‌هایی مملو از روایت نزدیک شده است. غالباً این رویداد درباره نمایشنامه‌هایی که شخصیت‌ها تمرکز ناگزیر بر زمان گذشته دارند، طبیعی است. تحت تأثیر همین گرایش، جنبه داستانی اثر بر ویژگی‌های درام گونه آن غلبه می‌کند.

«آنوی» در این اثر همچون دیگر آثار خود، به فجایع ناشی از درگیری‌های سیاسی توجه می‌کند. فضای انتزاعی که بر کل نمایشنامه حاکم است و از پوچی و بی‌هویتی شخصیت اصلی نشأت می‌گیرد، نمایش سکوت تلخ پس از طوفان جنگ است.

«مسافر بی توشه» همراه نمایشنامه‌ای تک‌پرده‌ای با عنوان «زندگی یک هنرمند»، به تازگی از سوی انتشارات افراز در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه به چاپ رسیده است. هر دو اثر توسط منیژه محامدی، مترجم، کارگردان و مدرس تئاتر به فارسی ترجمه شده است.



ظهور پدیده‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی همه جوامع بشری را تحت تأثیر قرار داده است و روابط عمومی‌ها نیز از این قاعده کلی مستثنی نیستند. برقراری ارتباط با مخاطبان هر سازمان، از وظایف اصلی روابط عمومی‌ها است که استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی می‌تواند کیفیت عملکرد آنها را ارتقاء بخشد. به همین دلیل کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات به سازمان‌ها، شرکت‌ها و موسسات توصیه می‌کنند با کمک روابط عمومی الکترونیک و روش‌های نوین آن، با مخاطبان خود ارتباط مؤثرتری برقرار کنند و از نظرات آنها در نيل به اهداف خود بهره‌مند شوند. علی‌اکبر جلالی یکی از این صاحب‌نظران و مؤلف کتاب «روابط عمومی ۲» در مقدمه این کتاب می‌گوید: «روابط عمومی عصر حاضر بر مبنای اصول جامعه‌اطلاعاتی، باید توجه خاص خود را به دو عنصر اطلاعات و ارتباطات معطوف کند.» برای آشنایی با محتوای این کتاب که هم‌زمان با برگزاری نخستین کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی ۲ منتشر شد، با وی گفت‌وگو کرده‌ایم. علی‌اکبر جلالی دارای فوق‌دکترای برق از دانشگاه ویرجینیای غربی آمریکا است و به صورت پاره‌وقت در این دانشگاه تدریس می‌کند. وی همچنین عضو هیأت علمی دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت ایران است و در این دانشگاه به صورت تمام‌وقت فعالیت می‌کند. دکتر جلالی پروژه‌های بسیاری در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام داده است که می‌توان به بعضی از آنها از جمله شهرهای الکترونیکی، روستاهای الکترونیکی و مدارس هوشمند اشاره کرد.

گفت‌وگو با دکتر علی‌اکبر جلالی به بهانه تالیف کتاب «روابط عمومی ۲» برای اولین بار در ایران

فناوری‌های نوین اطلاعاتی برای ارتباطات بهتر

خودشان اطلاعات را ذخیره می‌کنند، هر لحظه به حجم بالایی از اطلاعات دسترسی خواهند داشت. مسأله مهم دیگر این است که اطلاعات نیاز به سازماندهی براساس تکنولوژی روز دارند. یعنی روابط عمومی‌ها باید بدانند، اطلاعات زمانی کارایی لازم را خواهد داشت که با استفاده از فناوری‌های نوین مدیریت شوند. با توجه به اینکه شما یک متخصص در مسائل فنی و فناوری اطلاعات هستید، چگونه توانستید کتابی در حوزه ارتباطات تألیف کنید؟

اگر چه رشته من علوم ارتباطات نیست اما چند سالی است که با کارشناسان این حوزه مثل آقای دکتر معتمد نژاد و خانم دکتر خوارزمی و غیره در ارتباطم. در این ۵-۶ سالی که با چنین افرادی کار می‌کنم دیدگاه‌های آنها را درباره علوم ارتباطات متوجه شده‌ام و با آنچه در حوزه فناوری اطلاعات می‌دانم، ترکیب کرده‌ام. در واقع این کتاب حاصل چنین تلفیقی است که ادعا نمی‌کنم آنچه در حوزه ارتباطات گفته‌ام کاملاً جنبه تخصصی دارد.

با توجه به آنکه این کتاب برای نخستین بار است که در ایران تألیف می‌شود، برای یافتن منابع اطلاعاتی با مشکل مواجه نشدید؟

تتها یک کتاب در این حوزه با عنوان روابط عمومی ۲ یافتیم که خارجی است. این کتاب در قالب مصاحبه‌هایی با مدیران بخش‌های مختلف مثل کارخانه HP تنظیم شده است که آنها نظرهای خود را درباره شبکه‌های اجتماعی گفته‌اند. اما دیدگاه این کتاب که برای کشورهای دیگر نگارش شده است برای شرایط ایران مناسب نیست و من تنها از آن ایده گرفتم. چون ما با جامعه‌ای در ایران مواجه‌ایم که شاید اصلاً ندانند فناوری اطلاعات چیست. برای همین با توجه به واقعیت‌های موجود در جامعه خودمان و با کمک منابع اطلاعاتی که بسیار محدود بودند و در انتهای کتاب به آنها اشاره کرده‌ام، توانستم این مجموعه را برای کارگزاران روابط عمومی در ایران تألیف کنم.

آیا کتاب ویرایش علمی هم شده است؟

بله. ۳ نفر آن را ویرایش کرده‌اند. وازگان فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی که در انتهای کتاب مشاهده می‌کنید، حاصل همین ویرایش است. همچنین این گروه ۳ نفره به اشکالاتی در کتاب اشاره کرده‌اند که من آنها را تصحیح کردم.



یعنی کارمندان روابط عمومی با آشنایی از علم ارتباطات در عصر حاضر می‌توانند در انجام امور تبلیغاتی یک سازمان موفق باشند. حالا بخشی از مسائل، مربوط به ارتباطات فنی‌اند که مثلاً رنگ قرمز مهیج است و رنگ آبی آرامش‌بخش و بخش مهمی از ارتباطات به این مسأله بر می‌گردد که کارگزار روابط عمومی بدانند در هزاره سوم مردم با چه دیدگاهی به اطرافشان نگاه می‌کنند و این دیدگاه چه مفهومی دارد. من در کتاب تأکید کرده‌ام که یک روابط عمومی باید هر دو وجه را یعنی اطلاعات و ارتباطات را خوب بداند تا بتواند در انجام وظایف روزمره خود به نتیجه لازم برسد.

با توجه به آنکه هر روز بر حجم اطلاعات افزوده می‌شود، آیا در کتاب به روابط عمومی‌ها گفته شده چگونه از این اطلاعات استفاده کنند تا بتوانند بهترین کاربری را داشته باشند؟

اتفاقاً من در کتاب به آینده روابط عمومی‌ها در دنیا اشاره کرده‌ام و گفته‌ام که به تدریج ذخیره اطلاعات در حافظه کامپیوتر کاربردی نخواهد داشت. دنیا به سمتی پیش می‌رود که روابط عمومی‌ها دیگر نیازی ندارند بر حجم حافظه اطلاعاتی خود بیافزایند؛ بلکه آنها با استفاده از تکنولوژی‌هایی مثل «Google wave» که

سایت سازمان مربوطه قرار دهند. روابط عمومی ۲ با بهره‌گیری از چنین فرایندهایی و با اشتراک اطلاعات در سایت سازمانش، به تعامل وسیع‌تری با جامعه دسترسی می‌یابد. این عملکرد را در سایت‌هایی مثل «ویکی‌پدیا» هم دیده‌ایم که مثل یک دایره‌المعارف است و همه مردم اطلاعات مربوط به یک موضوع خاص را در این سایت قرار می‌دهند و همگان آن را می‌بینند. اطلاعات در سایت‌های اینچنینی توسط خود مردم اصلاح می‌شوند و عموماً صحیح‌اند. همچنین روابط عمومی ۲ امتیازهای دیگری دارد که سبب می‌شود در یک شبکه نیروی انسانی، همه افراد اعم از مدیر، کارگزار روابط عمومی و مردم در یک سطح قرار گیرند و هرروز بر کیفیت اطلاعات افزوده شود که به همه این موارد در کتاب اشاره کرده‌ام.

در بخشی از کتاب به اطلاعات و روابط عمومی اشاره شده است، در حالی که انتظاری رود از ضرورت آشنایی کارگزاران روابط عمومی با ارتباطات سخن گفته شود. علت این امر چه بوده است؟

من به هر دو مسأله اشاره کرده‌ام. گفتیم که روابط عمومی‌ها وظیفه دارند در تولید، توزیع و استفاده اطلاعات دقیق باشند تا بتوانند سازمان خودشان را به خوبی معرفی کنند. اما از طرف دیگر روابط عمومی‌ها به ارتباطات هم نیاز دارند که در کتاب به شبکه‌های اجتماعی و نوع استفاده از آنها در اینترنت اشاره شده است. به کمک چنین شبکه‌هایی، روابط عمومی‌ها در هر ساعت از شبانه‌روز می‌توانند با هر فرد در هر جایی از دنیا ارتباط برقرار کنند و فعالیت‌های سازمان مربوطه‌شان را با کشورهای دیگر توسعه دهند.

با توجه به آنچه در کتاب آمده، کدام جنبه مهم‌تر است؟ ارتباطات یا اطلاعات؟

باز هم می‌گویم، ارتباطات و اطلاعات هر دو برای روابط عمومی‌ها لازمند. در اینجا یک مثال می‌زنم تا مسأله بهتر روشن شود. به عنوان نمونه، هرچه اطلاعات یک فرد در روابط عمومی یک سازمان برای طراحی یک پوستر تبلیغاتی بیشتر و تعداد پوسترهای بیشتری را دیده باشد، بهتر می‌تواند یک تابلوی مناسب را برای تبلیغات سازمانش طراحی کند. همچنین پوستر طراحی شده وی در صورتی مناسب آن سازمان خواهد بود که با مخاطبان از لحاظ روانی ارتباط خوبی برقرار کند.

مفهوم روابط عمومی ۲ چیست که در این کتاب به آن پرداخته‌اید؟

چون می‌گوییم روابط عمومی ۲، ذهن مخاطب به سمت معنی روابط عمومی ۱ می‌رود که باید اول بگوییم روابط عمومی ۱ چه بوده و حالا به شماره ۲ آن رسیده‌ایم. همه ما روابط عمومی‌های سنتی را می‌شناسیم که در اداره‌ها و سازمان‌ها و وظیفه‌های مشخصی دارند. آنها به عنوان رابط میان رسانه‌ها و مدیرانند که خبر تولیدات سازمان مربوطه‌شان را به رسانه‌ها اطلاع‌رسانی می‌کنند و همچنین وظیفه برگزاری جشن‌ها و مراسم سوگواری سازمان‌ها را بر عهده دارند. اما چند سالی است که با گسترش مفهوم روابط عمومی سنتی و مطرح شدن بحث‌هایی درباره روابط عمومی الکترونیکی، تسهیلاتی به وجود آمده است که پیشرفت کارهای اداری را تسریع می‌بخشد. ورود کامپیوتر به سیستم‌های اداری، نقش کاغذ را کم‌رنگ کرده است و با صرف هزینه و وقت محدود، کارهایی در حجم بزرگ انجام می‌شوند. به عنوان مثال نامه‌ای که قبلاً در سیستم سنتی چندین بار نوشته می‌شد، الان پس از یک بار تایپ شدن، در کامپیوتر ذخیره می‌شود. سپس در دفعات بعدی از نامه موجود در حافظه کامپیوتر به تعداد مشخص پرینت تهیه می‌شود و در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. اما خدمات روابط عمومی الکترونیکی یا همان روابط عمومی ۱ که در همه دنیا شکل گرفته است به همین مسأله ختم نمی‌شود. چنین سیستمی به کارگزاران روابط عمومی کمک می‌کند تا بتوانند با سایر روابط عمومی‌ها ارتباط برقرار کنند و با یکدیگر انجمن‌های تخصصی تشکیل دهند. تشکیل انجمن‌های روابط عمومی نیز تأثیرات مثبتی همراه دارد که می‌توان از هم‌افزایی اندیشه و دانایی کارگزاران روابط عمومی یاد کرد. پس از این، روابط عمومی ۲ باشکلی گری وب ۲ پدید آمد که سبب بروز تحول عظیمی در دنیای روابط عمومی‌ها شد. وب ۲ با خود ابزارهایی را به ارمان آورد که به افزایش تعامل افراد با یکدیگر انجامید. قبل از وب ۲ و در وب ۱ که روابط عمومی الکترونیکی از آن بهره می‌گرفت، تنها کارگزاران با استفاده از خدمات الکترونیکی، اطلاعات مربوط به سازمانشان را در اینترنت قرار می‌دادند. اما به مدد ایجاد وب ۲ تسهیلاتی ایجاد شد که علاوه بر روابط عمومی‌ها، مخاطبان سازمان‌ها هم این اجازه را دارند تا اطلاعات خود را در

معرفی کتاب

اصول ماشین‌کاری و ابزارشناسی

علم ماشین‌کاری، مطالعه چگونگی برش فلزات توسط ابزار برشی است که کتاب «اصول ماشین‌کاری و ابزارشناسی» مناسب‌ترین متغیرهای برش، شکل هندسی و جنس ابزار برش با توجه به جنس کار را تعیین می‌کند. چنان که در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: در این کتاب سعی شده است کلیات علم ماشین‌کاری (برش فلزات) و ابزارشناسی معرفی شوند تا مخاطبان بتوانند قطعات کار را با هزینه کمتر و کیفیت بهتر تولید کنند. مطابق با گفته محمدرضا رازفر مؤلف این اثر علمی مکتوب، از بهترین منابع موجود در رابطه با علم ماشین‌کاری و ابزارشناسی در نگارش این کتاب استفاده شده است که برای دانشجویان رشته مکانیک کاربردی خواهد بود. در فصل اول این کتاب، کلیات چهار عملیات مهم ماشین‌کاری یعنی تراشکاری،

سوراخکاری، فرزکاری و سنگ‌زنی به طور خلاصه معرفی شده است و در فصل دوم هندسه ابزار برش و تأثیر آن بر فرآیند ماشین‌کاری توضیح داده می‌شود. مکانیک برش فلزات در تراش متعامد و تحلیل فرآیند ماشین‌کاری موضوع فصل بعدی است و فصل چهارم به بررسی عمر ابزار، حرارت حاصل از عملیات برش و سیالات برش می‌پردازد. «اصول ماشین‌کاری و ابزارشناسی» بهار امسال توسط انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک) منتشر شده است که با قیمت ۴۵۰۰ تومان به متقاضیان عرضه می‌شود.

طراحی رآکتورهای پلیمری

امروزه باید به این نکته اذعان کرد که دانش پلیمری یکی از شاخه‌های علمی است که نسبت به رشته‌های علمی دیگر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است. رشد سریع این علم به دلیل کاربردهای فراوان مواد پلیمری در بسیاری از ابعاد زندگی بشر بوده است. بسیاری کارشناسان

معتقدند که علم مهندسی واکنش‌های پلیمری پیچیدگی و وسعت بسیار زیادی دارد که کتاب «طراحی رآکتورهای پلیمری» سرآغازی برای آشنایی با دانش مذکور است. دکتر وحید حدادی اصل، مؤلف این کتاب با ارائه شناخت اولیه نسبت به روش‌های عمومی تولید پلیمرها و مبانی سینتیک این مواد، به مباحث مدل‌سازی واکنش‌ها، مباحث انتقال حرارت، طراحی رآکتورهای پلیمری و سرانجام طراحی فرآیندهای تولیدی پلیمرها می‌پردازد. وی در مقدمه می‌گوید: «این کتاب برای دانشجویان مقاطع مختلف علوم، تکنولوژی و مهندسی شیمی، پلیمر، نساجی و شیمی کاربردی تدوین شده است که آنها را با خلاصه‌ای از موضوعات متنوع و زمینه‌های مختلف مانند آمار، ریاضیات مهندسی و مبانی سینتیک و طراحی رآکتورهای شیمیایی آشنا می‌کند. کتاب «طراحی رآکتورهای پلیمری» به تازگی از سوی انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک) با قیمت ۴۴۰۰ تومان راهی کتابفروشی‌ها شده است.



یگانه وصالی

درباره ژوزه ساراماگو بسیار گفته شده است. او متولد سال ۱۹۲۲، نویسنده برنده نوبل ادبیات، روزنامه نگار و نمایشنامه نویس است. برخی از آثار او به گونه‌ای تمثیل وار، تصاویری ویرانگرانه و شورشی از وقایع تاریخی ارائه می‌دهند که بیشتر بر عوامل انسانی تاکید دارند. او اکنون همراه همسرش در لانزاروت، واقع در جزایر قناری اسپانیا زندگی می‌کند. وی در آخرین کتابش «قابیل»، خوانندگان را به سفری در جهان کتاب مقدس و عهد عتیق می‌برد. در این کتاب، ساراماگو با نگاهی انتقادی به مسائل تاریخی می‌پردازد، همچنان که در مصاحبه‌هایش همواره به سیاست‌های دولتش پرداخته است. نگاه انتقادی وی به سیاست‌های جنگ طلبانه آمریکا نیز نام او را بارها بر سر زبان‌ها انداخته است. مصاحبه‌ای که در ادامه می‌آید گزیده‌ای است از نشست مطبوعاتی رونمایی این کتاب که توسط خبرگزاری پرتغال منتشر شد و در پایان، بخشی از گفت‌وگوی ایندیندنت را نیز با این نویسنده آورده‌ام.

رمان «قابیل» در گفت‌وگو با ژوزه ساراماگو

هیچ کس در اینجا آزاد نیست

عجیب است که یک سخنگو، چیزهایی را بگوید، اما نداند که در مورد چه صحبت می‌کند. و البته، من کتابی در ضدیت با خدا ننوشتم، بلکه موضع من در برابر چیز دیگری است.

در داستان «قابیل» چه می‌گذرد؟

این کتاب داستانی است از کتاب عهد عتیق، که «قابیل» برادر جوانش «هابیل» را از روی حسادت می‌کشد. تنها کاری که من کردم این بود که کمی با دقت بیشتری به ماجرا نگاه کنم. در این کتاب «قابیل» در زمان سفر می‌کند و شاهد عینی حوادثی مثل ویرانی «سودوم (Sodom)» و «گومرا (Gomorrah)» و طوفان و کشتی نوح، و سقوط آریحا (در شمال شرق بیت المقدس) و ماجرای ابراهیم و اسماعیل می‌شود. شاید این موضوع کلی‌نگری محض باشد، اما چیز دیگری که در داستان‌های شما به چشم می‌آید این است که اغلب شخصیت‌های داستانی شما اشخاصی منزوی و ناتوان از کنترل شرایط پیرامون‌شان هستند و معتقد به درک واقعیت، با انتخاب‌هایی معقول در برابر نامعقول بودن آنها. اگر به راستی این حال و اوضاع انسانیت است، چگونه می‌توانیم از آن فرار کنیم؟

من گنجی و سردرگمی، شک و عدم اطمینان را ترجیح می‌دهم. نه به این خاطر که مواد خام بیشتری برای خلق یک اثر به من می‌دهد، بلکه به این خاطر که این طریقی است که ابناء بشر همواره بوده‌اند. انسان، وجودی است که همواره در دست ساخت است، اما به طور موازی با آن، همیشه در مرحله ویرانی دائمی هم به سر می‌برد. خاطرم هست که مارکس و انگلس در «خانواده مقدس» نوشته بودند: «اگر انسان را شرایط پیرامونش می‌سازد، پس انسان هم باید بتواند شرایط اطرافش را خودش شکل دهد.»

حقیقت دارد که شخصی منفی‌نگر هستید؟

بعضی‌ها گمان می‌کنند که چون گذشته من در نواحی روستایی همراه با پدر بزرگ و مادر بزرگم طی شد، موجب بدبینی افسانه‌ای من شده، اما این طور نیست. من از کودکی همیشه جدی و مالیخولیایی بوده‌ام. همیشه سعی می‌کردم که نیمه تاریک همه چیز را ببینم، فکر کنم کلا این طور زاده شده‌ام. ممکن است شما با این دید منفی‌نگر من مخالف باشید، اما اگر راهی هم برای بهتر شدن جهان وجود داشته باشد، فقط به واسطه منفی‌نگری و بدبینی امکان‌پذیر است. مثبت‌اندیشی هرگز چیزی را بهتر نمی‌کند.

چه حسی نسبت به خوانندگان احتمالی کتاب دارید؟

من ۸۷ ساله‌ام و آرزوی چندانی نمی‌توانم داشته باشم. اما شما جوانید، شما باید افق دیدتان را وسیع‌تر کنید. گمان نمی‌کنم که این کتاب بتواند به طور کلی نوع نگرش جهان را تغییر دهد، اما ببینید: قدرتمندان آنجا نشسته‌اند، چون شما آن جایگاه را به آنها بخشیده‌اید. اگر از عهده‌اش نمی‌تواند بر بیایند، پس بیرون! و اجازه بدهید دیگران هم تلاشی بکنند. دلایل زیادی است که باعث می‌شود جهان را همان‌گونه که هست ببینیم، اگر کتاب هم پیام خاصی داشته باشد، امیدوارم آن احساس همواره‌راهی و آزادی‌گدایی باشد.



ندارند، دیگر مربوط به خودشان است. البته این را هم بگویم، روزی تقریباً در اواسط روز بود، در حالی که در خیابان‌های نیویورک قدم می‌زدیم دوستی به من گفت: «نگاه کن این همه آدم در حال راه رفتن در پیاده‌روها، حتی خیابان، اگر نیمه‌های شب هم بیایی تقریباً همین‌طور است، مردم مدام در حال رفت و آمد و در جنب و جوش‌اند. پس چه طور چنین نظری در مورد آمریکا دارید؟» من هم خنده‌ای کردم و خیلی معمولی گفتم: شما در مورد آمریکا از من سوال کردید. نیویورک که آمریکا نیست، نیویورک، نیویورک است.

از کتاب «انجیل به روایت عیسی مسیح» بگویید، چون ظاهراً در نمایه داستان‌ها یکی هستند.

سال ۱۹۹۱ کتاب «انجیل به روایت عیسی مسیح» را نوشتم که به وسیله دولت محافظه‌کار وقت (نخست وزیر کنونی)، آنیبال کواکو سیلوا متوقف شد و به آن اجازه ندادند تا در رای‌گیری برای جایزه ادبی اروپا شرکت کند، آن هم به خاطر همین بحث‌ها بود که این مطالب برای کاتولیک‌ها آزاردهنده است و ... در آن زمان، دولت پرتغال نقدهایی را از دموکرات‌های داخل و خارج از کشور ایراد کرد و دست آخر هم اعمال سانسور را مجاز شمرد. در پاسخ به این سانسورها هم من تبعید نمادین و خودخواسته‌ای را تعبیه کردم و به جزایر قناری رفتم و تا همین الان هم در آنجا ساکن هستم.

خیلی‌ها اتفاقاتی را که همزمان با چاپ این کتاب به وجود آمد، به دلیل فروش بیشتر کتاب عنوان کردند. نظر شما چیست؟

مروجاو (یک کشیش) گفته بود که کتاب سرشار از عبارات‌های تکان‌دهنده‌ای است که قلب میلیون‌ها کاتولیک را در سرتاسر جهان به درد آورده و همین‌طور اینکه من اطلاعات زیادی از کتاب مقدس ندارم. من در عوض خشم از این اظهار نظر، متعجب شدم که چقدر این آقایان سطحی‌نگر هستند که کتاب را نخوانده‌اند، اما با سرعت نامعمولی شروع می‌کنند به نظرپراکنی و توهین‌های بی‌پروا به کتاب و نویسنده‌اش. مروجاو گفته که خواندن داستان «قابیل» برای او جزو ضروریات به حساب نمی‌آید. البته صداقت ایشان قابل تحسین و در عین حال بسیار

نمی‌کند و دوست دارد به قرون وسطی برگردد. در جایی گفته بودید بیشتر آثار شما جز همین اثر آخرتان، سیاسی هستند. فکر می‌کنید در جهان پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، رابطه هنر و سیاست چگونه است؟

در تمام کتاب‌های من می‌توان معنای ضمنی سیاست و طبیعت اجتماعی را تشخیص داد، بعضی اوقات کاملاً صریح و واضح، برخی مواقع هم غیر صریح. و اما در مورد رابطه میان هنر و سیاست، من تفاوتی میان پیش و پس از ۱۱ سپتامبر نمی‌بینم. نویسندگان و به طور کلی هنرمندان، همیشه دوست داشته‌اند جلوتر از بقیه مردم بوده و حتی در فعالیت‌های سیاسی هم پیشگام باشند. اما هنر آنها نیز، بی‌هیچ‌شکی، در سطوح مخصوص خودشان به فعالیت‌های آنان صدا می‌بخشد.

ببینید، نقاش نقاشی می‌کند، موسیقیدان موسیقی می‌سازد، نویسنده هم می‌نویسد. اما من عقیده دارم که همه ما تاثیر و نفوذ داریم، نه فقط به خاطر اینکه هنرمند هستیم، بلکه به این خاطر که شهروند هستیم. تمام شهروندان، همه ما، این وظیفه را داریم که در حوادث مداخله کنیم، درگیر شویم، بعد این همان شهروندی می‌شود که می‌تواند خیلی چیزها را تغییر دهد. من هرگز نمی‌توانم خودم را خارج از هر نوع درگیری سیاسی یا اجتماعی تصور کنم. بله، من یک نویسنده‌ام، اما در این جهان زندگی می‌کنم و نوشته‌هایم هم در سطح جداگانه‌ای از این جهان نیست. و اگر مردم بدانند من چه کسی هستم و کتاب‌هایم را بخوانند، خوب، عالی است. این طور، اگر من چیز بیشتری برای گفتن داشته باشم، همه‌شان سود خواهند برد.

نظرتان در مورد آمریکا چیست؟ از سفرتان به آمریکا بگویید که برای ملاقات با ناشر کتاب‌هایتان در آنجا داشتید.

آمریکا... من در آمریکا فقط ماشین می‌دیدم. هنوز هم نمی‌فهمم چرا. البته بخش فیزیکی آن‌را می‌فهمم، اما بخش انسانی‌اش را نمی‌فهمم. چرا مردم پیاده‌روی نمی‌کنند؟! همیشه با ماشین این طرف و آن طرف رفتن درست مثل این است که در یک سفینه فضایی نشسته باشی و مدام مراقبت باشند. اما به هر حال اگر خود آمریکایی‌ها با این نوع زندگی کردن مشکلی

شما در این کتاب نگاهی انتقادی به مسائل تاریخ دارید. چطور شد این نگاه را برگزیدید؟

ما بسیاری از مسائل تاریخی را پذیرفته‌ایم، بی‌آنکه به درستی بدانیم که چرا و چگونه شکل گرفته‌اند. به عنوان مثال ما بارها داستان هابیل و قابیل را خوانده‌ایم، اما هرگز از خود نپرسیده‌ایم که اگر خود جای قابیل بودیم چه می‌کردیم. هیچ وقت از خود نپرسیده‌ایم که چرا او در این موقعیت تاریخی قرار گرفت. ما به طور کل به مسائل تاریخی نگاه جزئی داریم. یعنی هر آنچه را که اتفاق افتاده بدون پرسش می‌پذیریم و اصلاً به این موضوع فکر نمی‌کنیم که می‌توان درباره‌اش به طرح سوال و فکر پرداخت.

چرا مقامات رسمی کلیسای کاتولیک از این کتاب خشمگین شدند؟

شاید به این خاطر که من گفته بودم بدون کتاب مقدس، ما مردمان متفاوتی خواهیم بود. در اصل من هیچ وقت متوجه نشدم که چرا انجیل به عنوان کتاب «راهنمای روحانی» خوانده می‌شود، وقتی مسائلی دارد که مشخص است که نسبت به واقعیت انحراف داشته‌اند. ببینید، من به دنبال مناقشه نیستم، چرا که برای خودم اعتقاداتی دارم که مرا به سمت چیزهایی حقیقی‌تر هدایت می‌کند. هیچ کس در اینجا آزاد نیست.

از تجربه نوشتن این کتاب بگویید.

این کتاب در واقع «تمرین آزادی برای من» بود. من هنوز هم در سن ۸۷ سالگی احساس‌های عصیان و طغیان را در خودم سالم و دست‌نخورده می‌بینم. درست مثل عصیانی که در سال ۱۹۶۹ در برابر حکومت دیکتاتوری پرتغال که از سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۴ ادامه داشت، داشتم. «قابیل» داستانی ۱۸۱ صفحه‌ای که در طول چهار ماه نوشته شد در واقع یک شورش، یا یک تمناست از هر کسی که این جسارت را دارد که به جست‌وجو، برای روی دیگر سکه هم بپردازد. هدفم این بوده که خوانندگان کتاب به فکر فرو رفته و عکس‌العملی نشان دهند، چرا که ما همیشه با مهارت کنترل شده‌ایم، در حالی که باید علیه همه چیز بجنگیم. در واقع من این کتاب را در خلصه‌ای چهارماهه نوشتم که حاصلش متنی است سخت به هم پیچیده، سرشار از لذت داستان‌سرایی، پرسش‌هایی از اعتقادات و لبریز از شوخ‌طبعی.

شما همیشه درباره مسائل سیاسی روز بحث بیشتری دارید و در طول این سال‌ها بسیار از سیاست‌های مطرح روز صحبت کرده‌اید، البته در خلال این صحبت‌ها اسرائیل را عصبانی کرده و همین‌طور نخست‌وزیر ایتالیا و پاپ بندیکت شانزدهم را هم، مایلید در مورد آنها صحبت کنیم؟ البته. اسرائیل بعد از آنکه فلسطین محاصره شده در کرانه غربی را با آشوب‌تپس مقایسه کردم خیلی عصبانی شد و در مورد سیلویو برلوسکونی نخست‌وزیر ایتالیا هم باید بگویم که او همیشه برای من یک چیز، یک چیز مرض‌مانند و ویروس‌مانند بوده است که سعی می‌کند باعث مرگ اخلاق‌گرایانه سرزمینش شود و اینکه می‌تواند تمام احساس‌ها و حالات روحی را تباه کرده و قلب یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌های اروپا را نابود کند. در مورد پاپ بندیکت هم باید اشاره کنم که او انگار در قرن بیستم زندگی

نگاهی به آخرین رمان برنده پرتغالی نوبل ادبیات: «قابیل»

تیغ تیز قابیل ساراماگو برای بریدن سر هابیل



جمله های فراموش نشدنی ساراماگو

- من همیشه دو سوال دارم: چند کشور در آمریکا پایگاه ارتشی دارند؟ و در مقابل آمریکا در چند کشور نظامیان را جولان داده است؟
- آمریکایی ها تنها ملتند که فهمیده اند ترس چیست.
- به عنوان یک شخص ۸۳ ساله امید دیگری ندارم، اما تک تک شما باید بیش از حد خود را حفظ کنید.
- رمان به تنهایی یک سبک ادبی نیست. اما فضای ادبی مثل دریایی است با رودهای بسیاری که به آن ریخته.
- سرانجام متوجه می شویم که تنها شرط زندگی، مردن است.
- من برای ۲۰ سال کار نویسندگی کم نوشتم و در واقع هیچ چیز به ثبت نرساندم.
- اینجا در اسپانیا، نود درصد مردم مخالف جنگ اند. باور می کنید که همه افراد صاحب قدرت مخالف مردم اند؟
- دایره کلمات بشر بسیار محدود است. آنقدر که هیچ گاه نخواهد توانست یافته ها و کشف هایش را ثبت کند. بشر تنها در این دنیا تجربه می کند و تنها خود می داند که چه تجربه کرده، سپس می میرد.
- من همان آدمی هستم که قبل از دریافت جایزه نوبل بودم. با همان چارچوب های قبل می نویسم. نه عاداتم را تغییر داده ام نه دوستانم را.
- من کمتر سفر می کنم تا بتوانم بیشتر بنویسم. مسیرهای مسافرتی را با بررسی مقدار نوشته هایم انتخاب می کنم.
- من نمی توانم خودم را خارج از هر گونه جامعه سیاسی و اجتماعی تصور کنم.
- من هیچ گاه کتابی در خانه نداشتم. از کتابخانه ملی لیسبون آغاز کردم. بدون هیچ کمکی و تنها با کنجکاوای خودم توانستم یاد بگیرم که بنویسم.

از این پس با احتیاط بیشتری از برداشت هایش درباره داستان های انجیل بنویسد. داستان های این نویسنده که بالحنی طنزآمیز نوشته شده اند، معمولاً شرح رویدادهای تاریخی یا حوادث تخیلی اند که در واقع به انتقاد وضع موجود در جامعه می پردازند. انتقاد به سنت های مذهبی کاتولیک و بی عدالتی اجتماعی در اروپا در محور آثار این نویسنده قرار دارند. او درباره شخصیت های رمانش می گوید:

هم قهر کرد و از پرتغال رفت. مسیحی های کاتولیک حتی هنگامی که چند سال بعد ساراماگو نوبل ادبیات را برد، به شدت به برگزارکنندگان این جایزه اعتراض کردند. بعد از چاپ این اثر و به دنبال جنجال های ناشی از محتوای کتاب، ساراماگو پرتغال را به مقصد اسپانیا ترک کرد. بسیاری از منتقدان پس از انتشار این اثر معتقد بودند که این کتاب احساسات میلیون ها کاتولیک را در سراسر دنیا جریحه دار کرده و از ساراماگو درخواست کردند که

«انجیل را بخوانید و ببینید چگونه ایمانتان را از دست می دهید.» شاید اگر ژوزه ساراماگو این جمله را قبل از رونمایی کتاب جدیدش می گفت، کاتولیک های رم هیچ گاه اجازه نمی دادند او در ملا عام از کتابش دفاع کند.

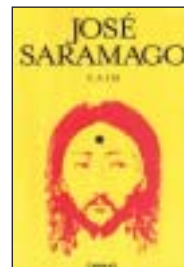
«قابیل» اثر تازه ژوزه ساراماگو بار دیگر مثل زمانی که رمان «انجیل به روایت مسیح» را نوشت، خشم و اتیکان و مسیحیان کاتولیک را برانگیخت. این رمان روایتی است طنزآمیز که بر مبنای داستانی از انجیل نوشته شده و به شرح زندگی قابیل فرزند حضرت آدم و حوا که دست خود را به خون برادرش «هابیل» آلوده کرد، می پردازد.

اما مانوئل مارویانو، سخنگوی کنفرانس کلیساهای پرتغال، کتاب «قابیل» را عملی تبلیغاتی بر ضد مسیحیت خواند و اسقف ضمن ابراز تأسف گفت: «نویسنده ای با خلق و خوی ساراماگو می تواند نقدهایی ارائه کند، اما هیچ آسیبی به کسی وارد نمی شود، مخصوصاً کسی که جایگاه جلیزه نوبل را دارا است.» رابین الیز دی مارتینو، نماینده جامعه یهودیان لیسبون نیز در این باره گفته است: «دنیای یهود از نوشته های ساراماگو یا هر کس دیگری شوکه نخواهد شد. ساراماگو انجیل را در نیافته و تنها به قرآنی سطحی از انجیل پرداخته است.»

ژوزه ساراماگو «قابیل» را تئوری یا نظریه حساب نمی کند، بلکه تنها داستانی می داند برگرفته از انجیل با نگرش خاص و پیچیده در کلمات. وی قدرت داستان را به دست روایت کننده می سپارد و داستانی را بازگو می کند که همه از زیر و بم آن مطلع اند اما باز هم از خوانندگانش احساس خستگی نمی کنند. خواننده در حاشیه خواندن این اثر با هیجان و نگرانی دست و پنجه نرم می کند و از طرفی قدرت بی انتهای ادبیات، او را بی حرکت نگه می دارد و تنها به خواندن ادامه داستان تا انتها ترغیب می کند.

برخی از منتقدان، کتاب ساراماگو را این گونه معرفی کرده اند: «با تیغ برنده تمسخری پوچ، با لحنی سرشار از طعنه، ساراماگو قابیل را در زیر و بم این روایت کهن دنیای می کند. نقاط اوج داستان را می توان سخنان خدا دانست که بین او و موجوداتی که آفریده رد و بدل می شود. مثل زمانی که قابیل با مادرش، حوا که خود را اولین بانوی بهشت می داند، صحبت می کند. نویسنده خوانندگانش را می خنداند و سپس به فکر فرو می برد.» این نویسنده پرتغالی که در سال ۱۹۹۸ موفق به کسب جایزه ادبی نوبل شده پیش تر در کتاب دیگرش با نام «انجیل به روایت مسیح» نارضایتی هواداران کلیسا را موجب شده بود تا جایی که وزیر فرهنگ پرتغال نام او را از یک جایزه مهم ادبی خط زد. نویسنده

پسر کی کشاورز که نوبل برد



ژوزه ساراماگو در ۱۶ نوامبر سال ۱۹۲۲ در میان خانواده ای کشاورز به دنیا آمد. هنگامی که دو ساله بود، همراه خانواده اش به لیسبون رفت. چندین سال پس از آن تحصیلات دبیرستانی خود را برای امرار معاش نیمه تمام گذاشت و به شغل های مختلفی نظیر آهنگری، مکانیکی و کارگری روزمزدی پرداخت. پس از مدتی نیز به مترجمی و نویسندگی در روزنامه ارگان

حزب کمونیست پرتغال مشغول شد. سپس توانست به عنوان نویسنده به کارش ادامه دهد. نخستین ازدواج وی در سال ۱۹۴۴ بود که حاصل آن تنها یک دختر است به نام ویولانت. ژوزه ساراماگو در سال ۱۹۸۸ با روزنامه نگاری به نام پیلار دلریو ازدواج کرد که اکنون نیز مترجم

«شخصیت های من آدم هایی ساده اند نه خیلی زیبا و نه خیلی زشت که در موقعیت های خاص به دلیل احساس دوستی یا عشق، به یکدیگر می رسند.» نگارش برای ساراماگو یک مساله شخصی است که در آن نویسنده، نظریات، تجربه ها و داستان زندگی خود را با استعداد و قریحه خاص خود، به رشته تحریر درمی آورد: «اثر یک نویسنده، تعبیری از جهان است.» بسیاری، ژوزه ساراماگو را با کتاب «کوری» می شناسند؛ اثری که پس از انتشار توجه عام مردم را به خود جلب کرد. این اثر به عنوان داستان فیلم و موضوع نمایشنامه مورد توجه فیلمسازان و کارگردانان تئاتر در جهان قرار گرفته است. شخصیت های این داستان بدون نامند. داستان تخیلی در یک شهر ناشناخته اتفاق می افتد. به دنبال شیوع بیماری مسری کوری، تعداد زیادی در شهر به آن مبتلا می شوند. دولت برای جلوگیری از سرایت این بیماری، مبتلایان را در بیمارستانی در خارج از شهر در قرنطینه نگهداری می کند. در این کتاب سردرگمی انسان ها و مناسبات اجتماعی نادرست و اطاعت کورکورانه به انتقاد کشیده می شود. در واقع بیماری کوری برای او نوعی تمثیل برای نابینایی در عقل و قدرت درک انسان هاست.

با وجود شهرت ساراماگو به عنوان نویسنده ای بدبین و نزدیکی آزارش به آثار نویسندگانی چون فرانتس کافکا، در کتاب های وی اعتقاد ریشه دار به اصل خوبی در انسان ها، جهان و تحسین انسانیت وجود دارد. وقتی چندی پیش از ساراماگو درباره دلیل دیدگاه بدبینانه اش نسبت به زندگی پرسیدند، او در جواب با لحن طنزآمیزی که در بسیاری از کتاب هایش نیز دیده می شود، پاسخ داد: «من بدبین نیستم، بلکه فقط خوشبینی آگاهم.» و بعد ادامه داد: «کسی می تواند خوشبین باشد که بی احساس، احمق یا میلیونر باشد.» او از جهان به عنوان جهنمی یاد کرد و گفت: «میلیون ها نفر به دنیا می آیند تا رنج بکشند و کسی نیست که از آنان حمایت کند.»

ساراماگو تاکنون حدود ۱۶ رمان، دو کتاب از اشعارش و حدود ۱۵ اثر دیگر که شامل داستان کوتاه و نمایشنامه است، به چاپ رسانده که بسیاری از این آثار به فارسی ترجمه شده اند. از جمله ترجمه های فارسی آثار او می توان به این کتاب ها اشاره کرد: «کوری»، «بالتازار و بلیموند»، «بلم سنگی»، «تاریخ محاصره لیسبون»، «انجیل به روایت مسیح»، «همه نام ها»، «غار» و «بینایی». وی برای آثار مختلفش تاکنون به ۱۶ جایزه ادبی متفاوت دست یافته است. ژوزه ساراماگو در بسیاری از ترجمه ها در ایران، با تلفظ خوزه ساراماگو، نوشته شده است.

جملاتش آنچنان طولانی و ثقیل است که گاه در طول جمله حتی زمان هم تغییر می یابد. اگرچه بسیاری از منتقدان ادبی ساراماگو در ردیف نویسندگان پیرو سبک رئالیسم جادویی قرار داده و آثار او را با نویسندگان اسپانیایی زبان آمریکای لاتین مقایسه می کنند، اما او خود را ادامه دهنده ادبیات اروپا و تاثیرپذیری خود را بیشتر از گوگول و سروانتس می داند. با وجود تمام انتقاداتی که از نگرش بدبینانه ساراماگو به دنیا می شود، آثار او چه در سطح عامه مردم و چه در میان نویسندگان خوانندگان حرفه ای مورد اقبال زیادی واقع شده است. هارولد بلوم، یکی از منتقدان ادبی آمریکایی تبار، او را خوش ذوق ترین نویسنده زنده دنیا می داند و فدریکو فلیتی، کتاب «کوری» را زیباترین رمانی که خواننده توصیف کرده است. شهرت ساراماگو در ایران با ترجمه فارسی همین کتاب در سال ۱۳۷۸ آغاز شد، تاکنون سه ترجمه مختلف از «کوری» صورت گرفته که آن را یکی از محبوب ترین نمونه های ادبیات داستانی روز دنیا در ایران ساخته است.

رسمی کتاب هایش است. او در نیمه پنجاه سالگی اش، با نوشتن رمان «بالتازار و بلیموند» شهرت جهانی پیدا کرد. از آن پس سیل جوایز ادبی و کارهای تازه از سوی ساراماگو حیرت جهانیان را برانگیخت. آثارش عموماً با عقایدی غیر معمول آمیخته و همواره بی پروایی اش در بازگویی داستان های انجیل بازار نقد را داغ نگه داشته. انتشار اثر دیگرش با نام «انجیل به روایت مسیح» سبب اعتراض اعضای حزب کاتولیک پرتغال شد و این جنجال تا جایی شدت گرفت که او حتی مجبور شد کشورش را به مقصد اسپانیا ترک کند. او اکنون، همراه همسرش در لانزاروت، جزیره کوچکی در مجموعه جزایر قناری نزدیک اسپانیا ساکن است. ساراماگو در سال ۱۹۹۸ توانست جایزه ادبی نوبل را از آن خود کند. وی به جز نوبل، توانسته تاکنون برنده حدود ۱۷ جایزه ادبی دیگر شود. ساراماگو سبک منحصر به فرد خود را دارد. وی عادت دارد از جملات طولانی استفاده کند. انگار از استفاده از نشانه های سجاوندی می ترسد. با وسواسی عجیب گاه از نقطه و ویرگول استفاده کرده و



از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

عهد الست و سوءفهم های کانت

سرای اهل قلم خانه نشست کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند. در نشست هایی که طی هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های حافظ پژوهی، فلسفه و اشعار دینی در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو پرداختند. سرای اهل قلم خانه کتاب در خیابان انقلاب، خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه خواجه نصیر، پلاک ۲ قرار دارد و حضور برای عموم آزاد است.

حافظ و پاسداشت عهد الست

ششمین نشست از سلسله نشست های «حافظ پژوهی» سرای اهل قلم با حضور پرویز عباسی داکانی، دبیر نشست، عبدالرضا مظاهری، سخنران و جمعی از دانشجویان و علاقه مندان این حوزه برگزار شد و به بررسی موضوع «تفکر عرفانی حافظ» اختصاص یافت.

عبدالرضا مظاهری: عشق برابر با وجود و وجود برابر با شهود و ادراک است و کنار رفتن پرده های حجاب جسمی تنها راه رسیدن به شهود به حساب می آید. چگونگی برقراری ارتباط با خدا مساله و دغدغه ای است که در طول تاریخ به گونه ای تمام عارفان و اندیشمندان به دنبال جواب آن بوده اند. حافظ نیز از جمله این افراد است. رسیدن به مقام «کن» بالاترین مقام عرفانی است و بهشتیان به مقام «کن» می رسند، اما این مقام در درون آدمی تحقق می یابد و نباید در خارج از وجود انسان به دنبال آن بود. عشق نیز مساوی با وجود، ادراک و شهود است. البته این امر مستلزم رسیدن به شهود و کنار رفتن حجاب های جسمی است، اما هنگامی حجاب کنار می رود که تجلی و حضور باشد. در نتیجه آن می توان بدون ابزار هم شنید و دید و درک کرد. برای فهمیدن ادراک باید لطیف شد. انسان لطیف نیست، پس نمی تواند به خوبی به ادراک برسد. به بیان دیگر برای عارف بودن باید به درجه ای از نوع دوستی رسید.

پرویز عباسی داکانی: نکته قابل بحث، عارف بودن شاعر است. اکثر غزل های حافظ به نوعی نمادین است و دو سوبه معنا می دهد. به طور مثال وقتی از شراب در شعرش نام می برد، مناقشه بر سر شراب مادی و روحانی صورت می گیرد. باید توجه داشت که برای شناخت شعر خواجه باید محکومات شعر او را درک کنیم و سپس محتملاتش را در قالب این محکومات تصحیح کنیم.

حافظ کلمه «ازل» را بسیار در شعرش به کار برده و بسیاری از ابیاتش در نسبت با «اهل الست» معنا می شود. عارفان ما به ادوار معتقد بوده اند و زمان را ادواری می دانستند. حافظ و مولانا نیز از این قاعده مستثنا نبوده اند. البته نباید فراموش کرد که نگرش ادواری به تاریخ ممکن نیست، بلکه تنها بر مبنای فراتاریخ امکان پذیر می شود. حافظ نیز خود «دور» را مطرح کرده و ایهام زیبایی توسط آن ایجاد کرده است. حافظ عهدی ازلی را یادآور می شود. به تعبیری کار شاعر یادآوری عهد فراموش شده است. بشریت عهدی با خدای خود دارد و آن را فراموش می کند، حال آن که وظیفه شاعر به یاد آوردن و پاسداشت عهد الست است.

در اشعار و اندیشه حافظ هم جهان بینی عارفانه و هم جان بینی عارفانه وجود دارد. به عنوان مثال درباره عرفان آفاقی حافظ می توان به بیت هایی چون «خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم/ کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت» و «هر کو نکند فهیمی زین کلک خیال انگیز/ نقشش به حرام از خود صورتگر چین باشد» اشاره کرد. همچنین باید دقت نظر ویژه ای درباره کلمه «یک» در شعر حافظ داشت؛ چراکه حافظ خود بر این کلمه بسیار تاکید کرده است.

سوءفهم های کانت

دومین نشست فلسفی سرای اهل قلم با موضوع «کانت در ایران» برگزار شد. سخنرانان نشست، رضا سلیمان حشمت و ان شاء الله رحمتی (استادان حوزه فلسفه) بودند.

رضا سلیمان حشمت: اگر بخواهیم به این جمله هایدگر که می گوید «کانت بر زندگی ما سایه افکنده است» استناد کنیم، متوجه تاثیر بسیار اندیشه های کانت بر موضوعات متعدد می شویم. بسیاری از افراد که اهل فلسفه مابعدالطبیعه اند، به نوعی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر اندیشه های کانت بوده اند، چنان که در ایران هم آثار بسیاری از این اندیشمند ترجمه یا درباره او منتشر شده است. در مابعدالطبیعه کانت ما به شناخت یقینی نمی رسیم، چراکه این نوع شناخت فراتر از قلمرو و تجربه و این نوع تاثیر در پوزیتیویست ها وجود دارد که بر مانیز تاثیر گذاشته است. کانت، فیلسوفی مدرن و مذهب پرستان و به همین دلیل اندیشه هایش به شدت متأثر از تربیت دینی اش است. اندیشه های او حتی در حقوق بشر هم بسیار موثر بوده تا جایی که می توان گفت اندیشه و نظرات کانت اساس اخلاقی و فلسفی حقوق بشر است. و اعتقاد داشت در زندگی باید چنان رفتار کرد که بشریت در مقصد و غایت، آزاد باشد، به این معنی که آزادی هر فرد آزادی دیگری است.

پس از کتاب «بدایه الحکمه» که در آن درباره کانت نوشته شده بود، نام او برای ایرانیان شناخته و پس از انقلاب هم پرداختن به آثار و اندیشه های او بیشتر شد. کانت جوهره دین را ایمان می داند و ایمان را عمل به تکلیف می داند. در نتیجه دین مبتنی بر عمل اخلاقی می شود و اگر دین نباشد، عمل اخلاقی امکان پذیر نیست. البته از این نظرات او نمی توان نتیجه گرفت که کانت به خدا اعتقاد داشته یا نداشته است، ضمن این که اعتقادات مذهبی و شکل ایمان او جنبه مسیحیت دارد چون عقل با دین تقابل دارد، در حالی که در سنت ایرانی و اسلامی تقابل عقل و عشق در میان عرفا و فلاسفه مطرح بوده و هست و کسانی که امروزه سخنانی در این راستا مطرح می کنند، به نظر درست نمی رسد. اکنون بسیاری از متفکران سعی می کنند اندیشه های کانت و دیگر اندیشمندان غربی را شبیه سازی کنند که این کار اشتباهی است، چراکه برای شناخت کانت باید پوست اندازی کنیم، به ویژه این که ما برای آشنا شدن با عقاید اندیشمندان خارجی در زبان و ترجمه مشکل داریم. به طور مثال سوژه و ابژه را عینیت و ذهنیت ترجمه می کنیم، در حالی که این گونه نیست.

منظومه ای از چهار نور سامرا

نشست رونمایی از کتاب «دو آفتاب و دو ماه» با حضور سعید حدادیان، مداح اهل بیت (ع)، علیرضا پورمشیر، شاعر، علیرضا قاسمی (رهیق)، شاعر و جواد هاشمی، شاعر و گردآورنده این کتاب برگزار شد. در این نشست عنوان شد که این کتاب اثری تحقیقی و پژوهشی در اشعاری است که در زمینه چهار نور سامرا سروده شده و برای مداحان و علاقه مندان به اشعار مذهبی مرجعی قابل استناد است.

علیرضا پورمشیر: تاکنون مجموعه اشعار و آثار مذهبی از سوی بسیاری از عاشقان اهل بیت (ع) منتشر شده، اما هر اندازه در این باره گفته و شنیده می شود، حق مطلب ادا نمی شود و گذر زمان گرد کهنگی بر دامن این گونه سخن ها نمی نشاند و تا زمانی که یاد خاندان عصمت و طهارت در دل زنده است، سخن در مدح، منقبت و مرتب آن بزرگواران همچنان تازه خواهد بود.

شعرای مرثیه سرای فارسی به خوبی از عهده ادای حق مطلب برآمده و چنان در این امر موشکافی کرده اند که به واقع حیرت انگیز است. از محترم گرفته تا دلسوختگان و شاعران امروز که هر یک با سوز و شور خود رنگی دیگر به ادبیات آیینی داده اند و هر یک زمانی که از مرثیه و مدح اهل بیت (ع) سخن به میان می آید، قلم به دست می گیرند و خلق آثاری بی بدیل را رقم می زند که این بی شک جز به مدد حضرت حق و ائمه معصومین (ع) میسر نیست.

کتاب «دو آفتاب و دو ماه» درباره غریبان سامرا است. آن چهار نوری که در سامرا می درخشند و نامرد مردمان بی هیچ عرض ارادت به آنان روز را به شب می رسانند و یاد آنان زندگی سپری می کنند. این بزرگواران امام دهم حضرت هادی (ع)، امام حسن عسکری (ع) و حکیمه خاتون عمه بزرگوار امام زمان (ع) و نرجس خاتون مادر گرامی آن حضرت اند.

این اثر از سوی جواد هاشمی و میثم کریمی گردآوری شده است. این دو شاعر مرثیه سرا با تشکیل یک گروه و جست و جو در سروده هایی که در مدح اهل بیت (ع) و بزرگان سامرا سروده شده، این مجموعه را تدوین کرده اند. در این مسیر نیز از

ان شاء الله رحمتی، نویسنده و مترجم حوزه فلسفه: آنچه کانت در فلسفه برای خودش مقرر کرده، این بود که می خواست به بنیادهای استوار دست پیدا کند. به نوعی او عامل به اخلاق، منصف و عقل مدار است و نمی خواهد هیچ چیز را بدون مبنا بپذیرد. کانت تمام عمرش صرف تقادی عقل شده و ورودش به اخلاق هدفمند و فراتر از وظیفه یک فیلسوف بوده است. در واقع او با نقدهای جدی اش به حوزه عقل می خواست بداند آیا ما مبنایی برای اخلاق داریم.

قبل از کانت و حتی در فرهنگ خودمان هم این گونه بوده که غالب افراد اخلاق را متکی به دین می دانند، چنان که افرادی مثل داستایوفسکی معتقدند انجام هر عملی بدون ایمان به خدا مباح است. کانت یک «دئیسم» است. دئیسم یک نوع خدا باوری بر مدار عقل است که اگر ما نتوانیم یک چیز را از طریق عقل بفهمیم، آن چیز نه مرجعیت دارد و نه حیاتی است. دکارت و اسپینوزا هم از تفکر دئیسم دفاع می کنند، با این تفاوت که اندیشه دینی درباره خدا و در واقع شناخت خدا را تنها بر عقل مبتنی نمی دانستند و ایمان را مقدم بر عقل می دانستند.

کانت قوای شناخت بشر را به دو دسته فاهمه و عقل تقسیم می کند. در قوه فاهمه مفاهیم مبتنی بر تجربه اند و قالب هایی پر از شهود وجود دارد و منظور از شهود در اینجا ادراک حسی است، اما در قوه عقل مفاهیمی وجود دارد که کانت آنها را صور معقول می داند. صور معقول تهبی از شهود ادراکات حسی اند. در واقع کانت نظراتش را در دو حوزه نظری و عملی مطرح می کند، به همین دلیل برخی معتقدند جهان شناسی کانت در اخلاق است نه در فلسفه، چراکه در فلسفه، اخلاق نسبی است و چیزی فراتر از آنچه عقل آدمی درک می کند، مطرح نیست.

قبل از کانت، اخلاق مبتنی بر هر امری خارج از اخلاق مثل سعادت، دین، امور طبیعی یا چیزهای دیگر بوده است، در حالی که کانت تمام این نظریات را به دگر آیینی متهم می کند، چراکه خودش معتقد است آنچه می تواند اخلاق را توجیه کند، خود آیینی است. به عبارتی او اخلاق را مبتنی بر خودش می داند، به همین دلیل نظریه کانت وظیفه گرایانه است.

من هم مثل سلیمان حشمت، سوءفهم اندیشه های کانت را می پذیرم، اما زمانی هم وجود داشته که ما از اندیشه های دیگران استفاده کرده ایم و بهتر از دارندگان آن اندیشه موضوع را فهمیده ایم. به طور مثال، استفاده ما از فلسفه سقراط در یونان یا شناخت غربی ها از فلسفه اسلامی که در بسیاری از حوزه های آن از ما بهتر عمل کرده اند.

زندگینامه، مدح، منقبت، معجزات و کرامات گرفته تا تخریب حرمین شریفین، همه را مد نظر گرفته اند. تمامی مداحان، علاقه مندان و محققان می توانند از این مجموعه به عنوان کتاب مرجع استفاده کنند و اشعاری را که درباره این چهار بزرگوار سروده شده، جست و جو کنند.

سعید حدادیان، مداح اهل بیت (ع): این اثر ویژگی های بسیاری دارد و می تواند مورد استفاده محققان و منتقدان قرار گیرد. همچنین می توان این کتاب را به عنوان شروعی خوب در این زمینه در نظر گرفت و گام های دیگری در این راستا برداشت و چنین اثری را درباره سایر معصومین و اهل بیت (ع) تهیه کرد.

برگزاری چنین نشست هایی برای از میان برداشتن فاصله انجمن های ادبی و شاعران مذهبی لازم و ضروری است. البته این فاصله نسبت به گذشته کمتر شده، اما میزان فاصله باقیمانده زیاد است و باید این فاصله از میان برداشته شود. از آنجا که رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران از تخریب حرمین عسکرین به عنوان فتنه دشمن یاد کرده اند، اهل قلم نیز باید در این زمینه بیشتر بنویسند. موضوع فتنه حدود ربع قرن پیش در کتاب گناهان کبیره آیت الله دستغیب مطرح شده است. در این کتاب حدود ۷۰۰ گناه کبیره شمرده شده و در پایان فتنه رانخستین گناهی دانسته که از هر گناه کبیره بالاتر است، زیرا با ایجاد بدعت و جاسوسی، پراکنده کردن اجتماعات دینی و ایجاد شبها در میان مردم، دین آنها را از میان می برد.

جواد هاشمی، یکی از گردآورندگان کتاب: با جست و جو در کتاب های شعر آیینی و تحقیق و بررسی در عرصه ادبیات ولایی دریافتم که تاکنون تحقیق و تالیفی برای اشعار امامین همایین عسکرین منتشر نشده است، به ویژه این که با مدحت و منقبت دو بانوی مکرمه نرجس خاتون (س) و حکیمه خاتون (س) همراه باشد. احساس نیاز به اثری اینچنین، غربت آن چهار اسوه هدایت و تخریب حرم نورانی شان، برترین انگیزه های طلوع این اثر به شمار می آیند. برای گردآوری این کتاب حدود هزار کتاب از دیوان های شاعران و مجموعه های گردآوری شده در حوزه شعر و ادب فارسی مطالعه و بررسی شده اند. همچنین برای یافتن سروده های تازه تر از فراخوان، پیامک و ارتباط تلفنی استفاده کردیم.



کاوه رحمانی

نشانه‌شناسی یکی از رشته‌هایی است که در سده اخیر بسیاری از علوم کلامی دیگر را تحت تاثیر خود قرار داده است. اما چنانچه کارشناسان معتقدند، این رشته، بر هنرهای بصری نیز تاثیر بسیاری داشته است. به عنوان نمونه، آثاری در مورد نشانه‌شناسی سینما نوشته شده که برخی از این آثار نیز به فارسی ترجمه شده‌اند. اما در مورد جزئیات این هنر، مثل موسیقی فیلم، کار چندانی انجام نشده. تورج زاهدی در آخرین کتابش، این مساله را دستمایه کارش قرار داده است. نخستین کتاب او با عنوان «موسیقی فیلم» در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. وی همین کتاب را با افزودن مطالبی در سال ۱۳۷۶، باز نشر کرد. دومین کتاب وی «به رهبری مرتضی حنانه» نام دارد که یکی از موسیقیدانان برجسته ایرانی است. وی در فهرست آثار خود همچنین کتاب‌هایی چون «مجموعه آثار کارلوس کاستندا»، «مرشدی از عالم غیب»، «جذایب عشق»، «سینمای معناگرا در ایران»، «خانه پریان» و «درباره کلنل وزیری» را ثبت کرده است. زاهدی، همچنین «موسیقی عاشورا» را نیز در آستانه انتشار دارد. به گفته وی، این نخستین باری است که ارتباط موسیقی ایرانی و عاشورا بررسی شده است.

«نشانه‌شناسی موسیقی فیلم» در گفت و گو با تورج زاهدی

ما پژوهشگران مقصریم

هم نوشته، نکته جالبی را مطرح می‌کند. او معتقد است که نشانه‌شناسی یک هنر جدید دو هزار ساله است و متفکران حتی در آثار افلاطون نیز این برخورد با آثار هنری را مشاهده کرده‌اند. وقتی غربی‌ها تا این حد به آثار هنری شان بها می‌دهند، چرا ما نباید به فرهنگ خودمان بها بدهیم؟ به گمانم یکی از دلایل این توجه، پژوهش‌های فراوانی است که محققان غربی در مورد فرهنگشان انجام داده‌اند. اما ما در این مورد بسیار کم کار بوده‌ایم. البته ذکر این نکته در اینجا ضروری است که منظور من از توجه به فرهنگ ایرانی، به هیچ وجه توجه به «پان ایرانیسم» نیست. منظور من توجه به هویت ایرانی - اسلامی ماست که به هیچ وجه نباید دست کم گرفته شود. ما حتی باید کاری کنیم که این شیفتگی به غرب مدام کمتر شود.

شما در انتهای هر فصل به منابع و مأخذی که استفاده کرده‌اید پرداخته‌اید. سوالم این است که این منابع و فیش نویسی شما فقط برای این کتاب خاص بوده یا از قبل تهیه شده بود؟ و به طور کلی نگارش این کتاب چقدر زمان برد؟

من در طول سال‌هایی که کارهای پژوهشی انجام می‌دهم، کارهای مختلفی در مورد ادبیات، عرفان، فلسفه، سینما و موسیقی انجام داده‌ام. در یک نگاه کلی، تحقیقاتی که من انجام داده‌ام و بخشی از آنها در این کتاب انعکاس یافته، بسیار طولانی‌تر از عمر این کتاب بوده است. در طول این سال‌ها، من یادداشت‌های بسیاری برداشته‌ام که از آنها استفاده می‌کنم. اما هر گاه تنها از یک کلمه آن بهره برده‌ام، اسمش را ذکر کرده‌ام. البته مقصودم نیست که نعل به نعل عباراتی را مورد استفاده قرار داده باشم، حتی اگر از مفهومی بهره برده باشم، اسم منبعش را ذکر کرده‌ام.

نوشتن این کتاب حدود پنج سال طول کشید. البته من در تمام این مدت مشغول نوشتن کتاب نبودم، بلکه وقت بیشتری را برای تحقیق گذاشتم و فیش‌های بسیاری را تهیه کردم. مثلاً وقتی در مورد نشانه‌شناسی تار می‌نوشتم، ناگهان به ذهنم می‌رسید که نکند علاوه بر فیلمی که من به عنوان مثال آورده باشم، فیلمی دیگر هم در سینمای ایران باشد که از تار بهره گرفته باشد. در میان فهرست فیلم‌های تاریخ سینما می‌گشتم تا فیلمی دیگر را با این رویکرد بیابم. اما بعد از یافتن نام فیلم، این مشکل پیش می‌آمد که چگونه باید فیلم را پیدا می‌کردم. بعضی‌ها ایشان مربوط به قبل از انقلاب بودند که نمی‌شد پیدایشان کرد یا در آرشیو من نبودند. با هزار دردسر باید فیلم را پیدا می‌کردم. در مورد فیلم‌های خارجی هم با این مشکل مواجه شدم. پیدا کردن برخی از فیلم‌ها واقعا مشکل بود. البته در موارد دیگر در این مورد مشکل داشتم. مثلاً پژوهشی در مورد سیر تحول تیتراژ فیلم داشتم که باید فیلم‌های زیادی می‌دیدم و البته با مشکل مواجه بودم. شاید بخشی از مشکل من، به دلیل موضوعاتی است که انتخاب می‌کنم. شاید به طور تصادفی، اکثر این موضوعات منحصر به فرد بوده‌اند. نمی‌خواهم سوء تفاهم شود. منظورم این نیست که کتاب‌هایی که نوشته‌ام، منحصر به فردند. موضوعاتی که به آنها می‌پردازم، اکثراً جالبند. مثلاً وقتی من کتاب «موسیقی فیلم» را نوشتم، کتابی با این عنوان در ایران نداشتیم. یا در مورد کتاب «به رهبری مرتضی حنانه»، تاکنون کتابی با این عنوان ندیده‌ام.



مساله، وقتی شما بخواهید نقد بنویسید، به طور حتم به مسائل نشانه‌شناسانه اثر احتیاج خواهید داشت، به گونه‌ای که می‌توان نفس نوشتن نقد را، توجه به دیدگاه نشانه‌شناسانه دانست. وقتی شما می‌نویسید که این قطعه موسیقی، به خوبی روی این قسمت از فیلم نشسته، در حال نمایش رابطه دال و مدلولی میان آن موسیقی و فیلم هستی. این مسائل ناخودآگاه در نقد هنری روی می‌دهد. یعنی همه منتقدان، نگاهی نشانه‌شناسانه به مسائل دارند، با ذکر این نکته که خودشان این مساله را قبول نداشته باشند و نوشتن به این شیوه را در نظر ندارند. حتی ممکن است آنها اسم «سوسور» و «پیرس» را نشنیده باشند.

در مطالب و مصاحبه‌های قبلی شما دیده‌ام که به جایگاه موسیقی ایرانی در فیلم توجه داشته‌اید. بخش مهمی از این کتاب نیز به همین مساله اختصاص دارد. توجه ما به این مساله از چه روست؟ به دلیل بومی شدن هنر سینما در ایران یا دلایلی دیگر؟

همواره به دنبال مسائل هویتی‌ام و آرزویم این است که موسیقی فیلم‌های ایرانی، ایرانی باشد، آن هم به اصیل‌ترین شکل ممکن. اما در این مورد تعصب نمی‌ورزم. گاهی طبیعت فیلمی، با موسیقی ایرانی همخوان نیست. ولی من فیلم‌هایی را دیده‌ام که می‌شود موسیقی ایرانی را در آنها به کار گرفت، اما چنین نکرده‌اند. به نظر من، وقتی فیلمی از ما در هر جای دنیا به نمایش درمی‌آید، باید صدای موسیقی ایرانی از آن شنیده شود. اما در حال حاضر، موسیقی بسیاری از فیلم‌های ما غربی‌اند. نکته دوم این است که برخی به ناتوانی سازهای ایرانی در موسیقی فیلم اشاره کرده‌اند. یعنی برخی معتقدند که سازهای ایرانی نمی‌توانند حالات تصویری را در فیلم‌ها بیان کنند.

من می‌پذیرم که موسیقی ایرانی از لحاظ بیان تصویری دارای ضعف‌هایی است، اما نه این که فاقد مسائل بصری باشد، بلکه برعکس. موسیقی ایرانی از عوالمی حرف می‌زند که فراتر از عوالم مادی و بصری‌اند. پس گاهی نمی‌توان ترس از یک شیر را با استفاده از این موسیقی به نمایش گذاشت، اما می‌توان «خشیت» را که نوعی ترس عارفانه است، با موسیقی مابه‌نمایش

شما در این کتاب و به ویژه در فصل سوم و با اشاره به آثار شخصیت‌هایی چون مرتضی حنانه، به تفاوت نشانه‌شناسی موسیقی فیلم و موسیقی صحنه‌ای پرداخته‌اید. چطور شد که چنین مساله‌ای را دستمایه کتاب خود قرار دادید؟

ما چه در عرصه نشانه‌شناسی فیلم و چه در عرصه نشانه‌شناسی موسیقی، کم کار کرده‌ایم. دلیل اصلی همین نکته بود. از سویی، ما در عرصه نشانه‌شناسی تعدادی کتاب داریم که اکثراً ترجمه‌اند. تالیف این کتاب گامی بود برای پر کردن این خلاء. من در این کتاب کوشیده‌ام این نکته را مطرح کنم که نقد هنری تنها بر اساس نشانه‌شناسی قابل طرح است؛ یعنی نه تنها هنر بر اساس نشانه‌ها شکل گرفته، بلکه کاربرد نشانه‌ها نیز یک هنر است. زمانی که ما از خوب بودن یک مجسمه، یک فیلم، یک رمان یا یک موسیقی فیلم حرف می‌زنیم، منظورمان این است که نشانه‌ها به بهترین شکل ممکن در آن به کار رفته‌اند. مثلاً وقتی از موسیقی فیلم خوب حرف می‌زنیم، منظورمان این است که این موسیقی به خوبی نشانه‌ها را به نمایش می‌گذارد و حتی آنها را نقد می‌کند. رودلف آرنهایم، منتقد مشهور فیلم، می‌گوید که اگر نشانه‌ها یعنی روابط علت و معلول در اثر هنری بسیار مستقیم و رو باشد، هیچ گونه خلاقیتی نیز در کار نخواهد بود. هنر یعنی این که این نشانه‌ها، وارد رابطه علت و معلولی می‌شوند. هر چند از نظر موسیقی فیلم دارای هیچ مضیفه‌ای نیستیم و هر فیلمی که ساخته می‌شود، دارای موسیقی اختصاصی خود است، اما نقد موسیقی فیلم بسیار مهجور واقع شده. یعنی دیگر آن روزگاری که برای فیلم موسیقی انتخاب می‌شد، به افسانه‌ها پیوسته است، اما همچنان نقدهای هنری در این عرصه کم نوشته می‌شوند.

شما روزگاری در مجله «فیلم» نقد موسیقی فیلم می‌نوشتید...

بله. من از سال ۱۳۵۴ در نشریه «تماشا» نقد موسیقی فیلم می‌نوشتم، نشریه‌ای که پیش‌ترها به جای همین نشریه «سروش» منتشر می‌شد. من در آنجا برای نخستین بار در نشریات ایرانی، نقد موسیقی فیلم نوشتم. بعد از پیروزی انقلاب، یک روز بهزاد رحیمیان به من زنگ زد و از من خواست تا در نشریه «فترهای سینما» که نویسندگانی چون داوود مسلمی، خسرو دهقان و بابک احمدی در آن می‌نوشتند، بنویسم. بعدها همکاری خود را در نشریه فیلم ادامه دادیم. من ده سال در این نشریه نقد موسیقی فیلم نوشتم.

شما این نقدها را به صورت کتاب منتشر نکردید؟ بعضی از این نقدها، در چاپ اول کتاب «موسیقی فیلم» منتشر شد. البته بعد از انتشار این کتاب نیز تعدادی نقد موسیقی فیلم نوشته‌ام که فرصت انتشار آنها به صورت کتاب به وجود نیامد.

شما در پاسخ به سوال اول، به نقد نشانه‌شناسانه به عنوان یگانه‌ترین شیوه نقد هنری اشاره کردید. به این ترتیب شما شیوه‌های دیگر نقد هنری مثل نقد جامعه‌شناسانه یا روانشناسانه را در زیر مجموعه این نقد قرار می‌دهید؟

اساساً وقتی شما به نقد روانشناسانه یا اجتماعی یک اثر می‌پردازید، باید به این دانش‌ها مسلح شوید و از دیدگاه آنها به مسائل نگاه کنید. اما در دیدگاه کلان



روایت اول شخص

بازخوانی «پشت هیچ»

■ طلا نژاد حسن، نویسنده



این روزها مشغول بازخوانی و ویرایش نهایی آخرین رمانم به نام «پشت هیچ» هستم. حدود دو سال نگارش آن به طول انجامید و از سوی چند ناشر پیشنهادهایی برای انتشار آن داشته‌ام اما هنوز ناشری برای چاپ این رمان برگزیده‌ام.

شخصیت اصلی این رمان زنی است که داستان زندگی خودش را به صورت برش‌های زمانی از گذشته تاکنون توصیف می‌کند. کتاب روایت ساده توصیفی ندارد بلکه مقاطع زمانی گوناگون قبل و پیش از انقلاب یعنی حدوداً از سال ۱۳۵۰ تا زمان حال را بیان می‌کند. اما به تازگی بازنویسی «هفت پیکر نظامی» در مجموعه «یکی بود یکی نبود» به پایان رسیده و این کتاب توسط ناشر کتاب پارسه در دست انتشار است. در بازنویسی این اثر سعی کرده‌ام داستان‌های نسبتاً کوتاه از «هفت پیکر» نظامی را به زبانی ساده و بی هیچ دخل و تصرفی برای نوجوانان روایت کنم.

تنها کمی تخیل در روایت این داستان‌ها به چشم می‌خورد تا به شیوایی نثر کمک کند و برای نوجوان خسته‌کننده نباشد. من سال‌ها معلم بوده‌ام و بر همین اساس خوب می‌دانم متن‌های دشوار کلاسیک تا چه اندازه برای کودکان و نوجوانان کسل‌کننده خواهند بود. آخرین کتابی که از من منتشر شده «نقد بی‌نقاب» توسط انتشارات فرهنگ ایلیا است. این کتاب جستاری بر نقد ادبی در ایران و جهان به همراه نقد و بررسی ۱۰ اثر داستانی برجسته از سال ۱۳۸۴ به بعد را شامل می‌شود. در حال حاضر نیز نقدهایی بر داستان‌های تازه منتشر شده می‌نویسم. تعدادی از این نقدهای جدید را نیز گردآوری کرده‌ام و قصد دارم در مجموعه‌ای که عنوان احتمالی آن «نقد بی‌نقاب ۲» خواهد بود، همراه مقاله‌هایی درباره تحلیل ادبیات داستانی منتشر کنم.

مرمت و معماری

■ سیروس ایمانی نامور، مدیر انتشارات رسانه پرداز

انتشارات رسانه پرداز مدتی است که با سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری همکاری دارد و کتاب‌های مرتبط با این سازمان را منتشر می‌کند. به تازگی کتابی با عنوان «ضوابط عمومی مداخله در بافت‌های تاریخی» زیر نظر اداره کل حفظ و احیای بافت‌های تاریخی سازمان میراث فرهنگی در ۱۰۰ صفحه منتشر شده است. این کتاب حاصل تالیف گروهی از مولفان است و نویسندگان آن مهناز اشرفی، علیرضا قلی‌نژاد و افسر خیراللهی‌اند.

همچنین مجموعه مقالات هفتمین همایش «حفاظت و مرمت اشیای تاریخی - فرهنگی و تزئینات وابسته به معماری» که توسط پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی سازمان میراث فرهنگی ۲۳ تا ۲۵ آذر سال جاری در مازندران برگزار می‌شود، منتشر خواهد شد. البته مجموعه مقالات هشتمین همایش نیز در دست ویرایش و آماده‌سازی برای انتشار است. تا پایان امسال نیز کتابی با عنوان «چغازنبیل» به سرپرستی محمدحسن طالبیان و نگارش گروهی به صورت رنگی و مصور در ۶۰۰ صفحه و قطع رحلی منتشر خواهد شد که ویرایش این کتاب را من بر عهده داشته‌ام.

اما به زودی کتابی با عنوان «گمشده‌ای از هنر و معماری صفویه» (مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، طرح بازسازی سر در عالی قاپو و احیای تزئینات آن) تالیف شکوفه مصباحی با مقدمه باقر آیت‌الله‌زاده

شیرازی منتشر می‌شود. این مقدمه را آیت‌الله‌زاده شیرازی پیش از فوتش و در سال ۸۲ نوشته است. این کتاب شامل تاریخچه کامل بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، طرح بازسازی عمارت عالی قاپو و عکس‌های مربوط به این عمارت‌ها می‌شود.

داستان تصویری هدهد

■ سحر بردایی، تصویرگر کتاب

در حال حاضر تصویرگری کتابی با عنوان «خواب جوجه قمل» نوشته مرجان کشاورزی آزاد را برای کودکان در دست دارم. این کتاب توسط نشر شب‌بوی منتشر خواهد شد.

اما همین انتشارات چند کتاب دیگر با تصویرگری من را در دست انتشار دارد. یکی از این کتاب‌ها «پدران و پسران» نوشته محمدرضا فریدی فوجیه یگلو و برای گروه سنی کودکان است که به احتمال زیاد تا پایان امسال منتشر می‌شود. تصویرگری این کتاب امسال در جشنواره «بلگرد» سرستان پذیرفته شد.

همچنین تصویرگری من از داستان «هدهد» عطار نیشابوری در کتاب دیگری با همین عنوان منتشر می‌شود. بازنویسی داستان «هدهد» را فریده خلعتبری بر عهده دارد اما هنوز به پایان نرسیده است.

تصویرگری این کتاب برای نوجوانان صورت گرفته و این تصویرگری نیز امسال در جشنواره بین‌المللی بولونیا ایتالیا پذیرفته شد.

اما از آخرین کتاب‌هایی که با تصویرگری من منتشر شده، می‌توانم «دشت قرمز قرمز» نوشته تهمینه حدادی و «جمشید و خورشید» نوشته فریده خلعتبری را توسط نشر شب‌بوی نام ببرم.

تصویرگری «جمشید و خورشید» موضوع پایان‌نامه دانشجویی ام بود و در سال ۲۰۰۶ در جشنواره بولونیا به عنوان زیباترین کتاب از ایران پذیرفته شد. همچنین همین تصویرگری در سال ۲۰۰۷ نیز در جشنواره لایپزیگ آلمان پذیرفته شد.

هستی غزل و ویژگی‌های غزل نو

■ سید محمود سجادی، شاعر و منتقد ادبی

در هفته گذشته کتاب «هسته و هستی غزل» من توسط نشر افراز منتشر و روانه بازار نشر شد. این کتاب مقاله‌ای بلند است که به شعر تغزلی و مشخصات قالب غزل در طول تاریخ ادبی ایران می‌پردازد. البته بررسی شعر تغزلی و قالب غزل در ۳۰ سال گذشته یعنی از ابتدای انقلاب و جنگ تحمیلی تاکنون را نیز در مجلد جداگانه‌ای در دست تالیف دارم.

در جلد دوم «هسته و هستی غزل» ویژگی‌های غزل نو بررسی شده و نمونه‌هایی از غزل‌شاعران مطرح این سی سال بررسی شده است. در این کتاب آسیب‌شناسی غزل از جمله بعضی هنجارشکنی‌های غیر ضروری، استفاده از اوزان ثقیل و غیرمتداول، به کارگیری واژگان غیرشاعرانه و نیز عرض‌ارادت‌به‌بزرگان‌دین و شهیدان، با بیانی که گاه در خور شأن و منزلت والای آنان نیست، مطرح شده است. جلد دوم «هسته و هستی غزل» به احتمال زیاد توسط انتشارات فصل پنجم منتشر و روانه بازار نشر خواهد شد.

شعرهایی چون «سیلاب»

■ بقول مومن (آذر مهر)، شاعر و نویسنده

در نیمه اول شهریور، چهارمین مجموعه شعر من در دهه هشتاد با عنوان «سیلاب» توسط انتشارات دایرةالمعارف ایران‌شناسی و با مقدمه سیدحسن امین در ۲۴۰ صفحه منتشر شد. این مجموعه سروده‌هایی با مضامین اخلاقی و اجتماعی را در قالب‌های کلاسیک (غزل، قصیده و مثنوی) شامل می‌شود.

اما این روزها مجموعه دوبیتی‌ها و رباعی‌هایی را که

اغلب فضایی عاطفی و اندرزگونه دارند، آماده انتشار دارم. ویراستاری این سروده‌ها توسط کیومرث مهدوی خدیو صورت گرفته است.

در دهه ۸۰ به جز چهار دفتر شعرم، ۱۲ عنوان کتاب شعر کودک، سروده‌من منتشر شده است. در حال حاضر نیز هفت عنوان کتاب شعر برای کودکان و نوجوانان به نام‌های «گندم»، «مترسک»، «کبک و خروس» و «بلبل و پروانه» را توسط انتشارات قاضی منتشر کرده و اکنون مجموعه جنگل را (شامل ۳ عنوان کتاب) توسط نشر گوهرشاد در دست انتشار دارم.

همچنین تعدادی از ضرب‌المثل‌های دزفولی را گردآوری کرده و به صورت شعر فارسی و محلی سروده‌ام. این سروده‌ها را به زودی در قالب کتاب به ناشری خواهم سپرد.

در کنار کتابی ۳ جلدی با عنوان «قصه‌های کهن خوزستان» (دزفول) که مراحل اداری را برای انتشار طی می‌کند، چند کتاب شامل داستان و داستانتک را نیز آماده انتشار دارم اما هنوز ناشری برای آن‌ها در نظر نگرفته‌ام.

سگ گاوچران بامزه

■ فرزاد فرید، مترجم ادبیات کودک و نوجوان



سه گانه‌ای با عنوان «ادی دیکنز» اثر فیلیپ آردا، نویسنده ایرلندی که یک مجموعه طنز درباره دوران ویکتوریایی انگلستان و شوخی با عنصرهای مربوط به آن دوران است، «کنت کارلشتاین» اثر فیلیپ پولمن که به لحاظ سبک شناسی، می‌توان

آن را در شمار ادبیات گوتیک برشمرد و جلد هفدهم مجموعه طنز «هنک سگ گاوچران» عنوان آخرین کتاب‌هایی‌اند که با ترجمه من روانه بازار نشر شده‌اند. ترجمه سه جلد دیگر از مجموعه طنز «هنک سگ گاوچران» به پایان رسیده و مراحل اداری انتشار را سپری می‌کند. «هنک سگ گاوچران» ماجرای سگی دست و پاچلفتی است که روایت‌های بامزه‌ای را در خلال داستان رقم می‌زند. نویسنده این کتاب جان آر. اریکسون، تاکنون ۵۴ جلد از این مجموعه را منتشر کرده است.

طنز حاکم بر فضای این داستان‌ها برای مخاطب نوجوان ایرانی بسیار جذاب است. نخستین بار که برخی از جلد‌های این کتاب را خواندم، به این نکته رسیدم؛ چراکه پیش از این آثاری از این دست و در چنین فضایی برای نوجوانان ترجمه نشده بودند. در اواخر دهه ۷۰ کار ترجمه این مجموعه را آغاز کردم. تاکنون ۲۰ جلد از این مجموعه ۵۴ جلدی ترجمه شده و پیش‌تر ۱۷ جلد آن منتشر و روانه بازار نشر ایران شده است.

ترجمه «کتاب گورستان» نوشته نیل گی من برای گروه سنی نوجوان نیز به پایان رسیده است. این کتاب جایزه بهترین کتاب سال کودک آمریکا در سال ۲۰۰۹ میلادی را به خود اختصاص داده و داستان این کتاب در گونه ادبیات علمی-تخیلی قرار می‌گیرد.

داستان «کتاب گورستان» به نوعی بازآفرینی مجموعه داستان «کتاب جنگل» نوشته رودیارد کیپلینگ است. از این مجموعه داستان‌ها، انیمیشن‌های بسیاری در سینمای هالیوود و استودیوهای سینمایی ساخته شده است. شخصیت اصلی «کتاب جنگل» موگلی، پسری است که در جنگل و میان گرگ‌ها و حیوانات دیگر از جمله میمون‌ها و فیل‌ها پرورش می‌یابد. در ایران، انیمیشن آن با عنوان «پسر جنگل» نمایش داده شده است.

اما این روزها ترجمه کتابی با عنوان «مترسک و خدمتکار» نوشته فیلیپ پولمن را در دست دارم که تا هفته آینده به پایان می‌رسد. این کتاب به نوعی در طبقه بندی کتاب‌های افسانه‌ای قرار می‌گیرد. این نویسنده انگلیسی با ترجمه من از مجموعه داستان پنج جلدی‌اش با عنوان «نیروی اهریمنی» که در ژانر فانتزی نوشته، در ایران معرفی شده است. خوشبختانه این مجموعه با استقبال خوب مخاطبان نیز مواجه شد. «کوکی» عنوان کتابی دیگر از همین نویسنده و در ژانر ادبیات گوتیک است که مراحل آماده‌سازی انتشار را می‌گذراند.

یادداشت



مجدید بورولی کلمتری برگزیده دوره پیشین جایزه گام اول

«گام اول» و تزریق امید



ذات هر جشنواره‌ای نمایش و نشان دادن است. جشنواره‌ها فعالیت تولیدی و خلاقانه ندارند. تنها تریبون‌اند برای معرفی بهترین‌ها. در حقیقت جشنواره ویترونی است

برای تماشای چهره‌های برتر و برگزیده. اما این ویترونی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ هدف جشنواره‌ها از معرفی بهترین‌ها چیست؟ راستی تا به حال از خود پرسیده‌ایم این بهترین‌ها چه می‌شوند؟ کجا می‌روند؟ چه کسی نسبت به برگزیده‌های جشنواره‌ها متعهد است؟ آیا جشنواره‌ها در کشور ما هدفمند و هنرمندسازند؟ آیا تمام هزینه‌های متحمل شده برای برپایی یک جشنواره، لزوماً برای تقدیر و تشکر و معرفی بهترین‌هاست؟ آیا این بهترین نوع تقدیر و تشکر است؟ این که هنرمند از چند پله بالا برود، حاضران نگاهش کنند، برایش دست بزنند، او تعظیم کند، لوح تقدیر و سکه بهار آزادی‌اش را بگیرد و از پله‌ها بیاید پایین و... دیگر هیچ. فقط همین؟ آیا مهم‌ترین تعهد نهادهای فرهنگی نسبت به یک هنرمند، حمایت روحی و معنوی بعد از جشنواره‌ها نیست؟

هرچند باید اذعان داشت، بی‌گمان و بدون اغراق یکی از نهادهای متعهد در این حیطه که الحق و الانصاف به تعهد خود (با توجه به مقتضیات و محدودیت‌ها) خوب عمل کرده، موسسه «خانه کتاب» است که جشنواره‌های بسیاری را ساماندهی و اجرا می‌کند. اما یکی از بهترین جشنواره‌های زیر مجموعه آن، جشنواره «گام اول» است و دلیل اصلی این انتخاب هم تزریق امید و اعتماد به نفس به نسل جوان و هنرمندان فرادست، برای جوان‌هیچ‌چیزی مهم‌تر از تشخص و اعتماد به نفس نیست؛ این که جدی گرفته شود و با او برخوردی مناسب با هنر و استعدادش صورت بگیرد. جایزه ادبی «گام اول» توانسته است این مهم را در دل جوان هنرمند برآورده ساخته و او را به آینده‌ای که در پیش دارد، امیدوار سازد.

هرچند امروزه، آن موجود مظلوم و بی‌دفاع که بیشتر کاربرد و جنبه تبلیغاتی پیدا کرده است و برخی از مسوولان فرهنگی و سازمان‌های مربوطه فقط سنگ آن را به سینه می‌زنند، جوان است. اما در جایزه ادبی «گام اول» جوان حرف اول‌رامی‌زند و همه چیز حول محور او می‌چرخد. جایزه ادبی «گام اول» با هدف کشف و معرفی استعدادها بنا شده است، اما وقتی برگزیدگان از پله‌های سن پایین می‌آیند، این سوال مهم دوباره مطرح می‌شود که بعدش چه خواهد شد؟ قرار است این برگزیدگان چه شوند؟ این همان پرسشی است که مسوولان و بنیان این جشنواره باید به آن فکر کنند و پاسخی عملیاتی برای آن بیابند.

اما از این جایزه ادبی، انتقادی هم هست. از نکات مهم جایزه ادبی «گام اول» ساماندهی به هزینه‌های جانبی و معطوف کردن آن به نویسندگان است. چیزی که در دوره‌های قبل دیده می‌شد؛ سفرهای استانی با پرواز و هزینه‌های آنچنانی بود، آن هم فقط برای معرفی چند جوان. شاید با همین هزینه می‌شد صد جوان دیگر را صاحب کتاب کرد، یا حداقل امتیازی هنری و ادبی برای همین برگزیدگان قائل شد. هتل زیبا، غذای رنگارنگ، دوغ و نوشابه و پرواز همگی خوب است؛ اما آنچه برای نویسنده زیباتر است، حمایت مالی برای چاپ آثار بعدی اوست. یادمان باشد، نویسندگان بن کتاب را از چلوکباب بیشتر دوست دارند!